

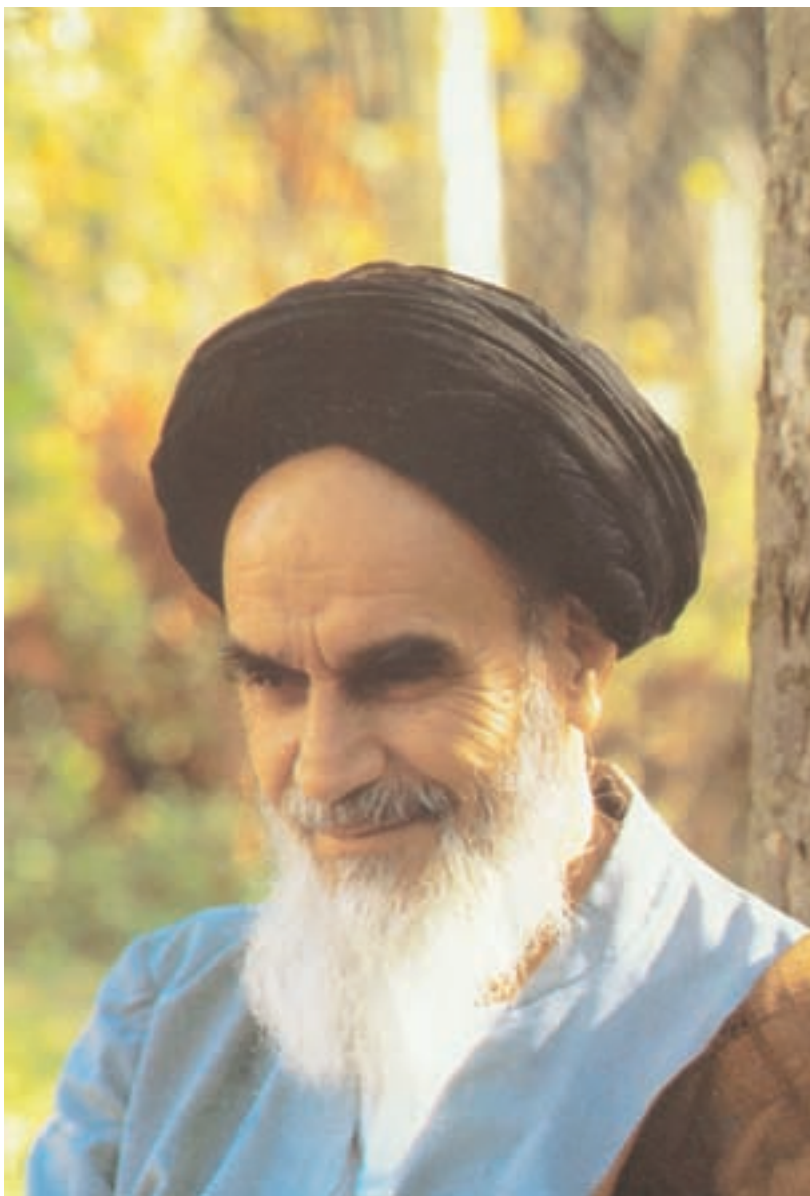
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# عربی (۲)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی





نگوید که لغت عربی هم از ما نیست ؛ لغت عربی از ماست ؛  
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.  
امام خمینی

## فهرس الكتاب

الصفحة	القواعد	الدّرس
٢	التذكار (١)	الدّرس الأوّل
١٤	التذكار (٢)	الدّرس الثاني
٢٨	المعرفة و النكرة	الدّرس الثالث
٣٨	أنواع الإعراب (١)	الدّرس الرابع
٥٢	أنواع الإعراب (٢)	الدّرس الخامس
٦٧	إعراب الفعل المضارع (١)	الدّرس السادس
٧٨	إعراب الفعل المضارع (٢)	الدّرس السابع
٩٠	المبنيّ للمعلوم و المبنيّ للمجهول	الدّرس الثامن
١٠٤	العدد	الدّرس التاسع
١١٩	الأفعال الناقصة	الدّرس العاشر
١٣١	الحروف المشبّهة بالفعل	الدّرس الحادي عشر
١٤٢	أفعال المقاربة	الدّرس الثاني عشر
١٥٥	المفعول فيه	الدّرس الثالث عشر
١٦٥	الصفة و الموصوف	الدّرس الرابع عشر
١٧٦	الإضافة	الدّرس الخامس عشر
١٨٧	التصغير، النسبة	الدّرس السادس عشر
١٩٧		المعجم

## مقدمه

حمد و ثنای بی حد و حصر خدای را که ما را از اُمت خاتم پیامبران قرار داد و توفیق خدمت به زبان قرآن، این معجزه‌ی همیشه جاوید را نصیب این بندگان گردانید تا با برنامه‌ریزی و تهیه‌ی کتاب‌های مناسب، زمینه‌ی آشنایی با این زبان مقدس را برای نوباوگان و جوانان دانش‌آموز فراهم سازیم.

رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی به رغم برخی بی‌مهری‌ها رشته‌ای بسیار با اهمیت است. به‌همین دلیل، از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته شد کتاب‌های عربی این رشته با رعایت اصول برنامه‌ریزی درسی و در نظر گرفتن نیازها و علایق دانش‌آموزان، به‌طور مستقل تألیف شوند. ولی به‌سبب فشرده‌گی و تراکم حجم کار، انجام این مهم میسر نمی‌شد تا اینکه فرصتی دست داد تا با بهره‌گیری از دانش و تجارب ارزشمند استادان دانشگاه، کارشناسان متخصص و دبیران مجرب عربی، کار تألیف این کتاب‌ها آغاز شود و با توجه به اهمیت رشته‌ی علوم انسانی، بر آن شدیم که در تألیف این کتاب از دانش و تجربه‌ی تعداد بیشتری از دبیران محترم بهره‌مند شویم.

کتاب حاضر، نتیجه‌ی تلاش فشرده‌ی چندماهه‌ی این عزیزان است که تقدیم حضورتان می‌گردد. و از هم‌اکنون متذکر می‌شود که علی‌رغم کمی وقت و تعجیل در تهیه‌ی کتابی مستقل برای رشته‌ی علوم انسانی، سعی شده است نکات مورد نیاز دانش‌آموزان این رشته در این کتاب فراهم شود. اما ممکن است با همه‌ی دقتی که در تنظیم محتوای آن به‌کار رفته، کمبودهایی نیز وجود داشته باشد که هدایت و راهنمایی دبیران ارجمند و متخصصان دلسوز و علاقه‌مند و پیشنهادهای دانش‌آموزان عزیز، مؤلفان را در این مسیر یاری خواهد نمود.

## ویژگی‌های کتاب

- ۱- در انتخاب و تولید متون سعی شده است از موضوعات متنوعی استفاده شود.
- ۲- بخش قواعد کتاب عمدتاً به شیوه‌ی استقرایی و به کمک تحلیل نمونه‌ها و استفاده از شیوه‌ی مقایسه نگاشته شده است. در این شیوه فرصت‌های مناسبی برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری فراهم آمده و مطالب با تکیه بر آموخته‌های قبلی و با سیر از ساده به پیشرفته تنظیم گردیده است و برای سهولت بیشتر آموزش، از جدول، کادر و تصویر بهره گرفته شده است تا نکات دستوری به‌شیوه‌ای جذاب، شیرین و قابل درک و فهم در اختیار دانش‌آموز قرار گیرد.
- ۳- از آنجا که اصلی‌ترین هدف آموزش زبان عربی فهم متون دینی است، همانند کتاب عربی سال اول، صفحه‌هایی با عناوین «کارگاه ترجمه»، «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» در نظر گرفته شده است.

در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته لغات و کلمات و عبارات به‌کار رفته در «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در

متن دروس به کار رفته باشد. و از این رو در ارزشیابی کتبی، ترجمه‌ی لغات این قسمت‌ها لزوماً مورد نظر نیست.

### چند توصیه به همکاران

در این کتاب سعی شده است در ارایه‌ی قواعد هر درس ضمن تکیه بر اطلاعات قبلی، با استفاده از تصاویر و مثال‌های مختلف و ارتباط قواعد با محیط اطراف، دانش‌آموز را به فضای قواعد نزدیک‌تر نماییم که البته این روش محدود به مثال‌ها و روش‌های ذکر شده نیست بلکه الگویی است برای حرکت همکاران در این راستا به منظور نیل به ابتکارات و الگوهای جدید.

۲- لازم است در تدریس کتاب، بیشترین سهم به دانش‌آموزان اختصاص یابد و تا جایی که ممکن است، معلم نقش هادی و راهنما را به‌عهده داشته باشد. فعال بودن دانش‌آموز در امر یادگیری به‌ویژه در کسب مهارت‌های اساسی، از رویکردهای تعلیم و تربیت کنونی است.

۳- آنچه به ارایه‌ی درس غنا بخشیده و سهم مهمی در تفهیم مطالب ایفا می‌کند، استفاده‌ی معلم از وسایل کمک‌آموزشی است. هرچند کمبود وسایل کمک‌آموزشی در درس عربی را نمی‌توان انکار کرد، اما این امر نمی‌تواند مانع فعالیت و خلاقیت معلم شود. چه بسا بتوان از وسایل ابتدایی آموزش نظیر چند قطعه گچ رنگی و تخته‌سیاه همراه با پرسش‌های دقیق و هدایت‌گر، بهترین بهره را برده و دانش‌آموز را به شرکت در فرآیند یادگیری تشویق کرد.

۴- در ارایه‌ی درس از روشی مشارکت‌جویانه و دوسویه استفاده شده و فرصتی برای دانش‌آموز فراهم آمده تا خود مراحل یادگیری را طی کند. لذا شایسته است مربیان ارجمند نیز به دانش‌آموز فرصت داده تا به تدریج، خود مراحل آن را طی کند.

۵- با توجه به ضرورت مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب کتاب و توضیح لغات جدید و دشوار متن‌ها و تمارین در پایان کتاب، از دبیران گرامی انتظار می‌رود که ترجمه‌ی متن‌ها و تمارین را به‌عهده‌ی دانش‌آموزان واگذار نموده و خود نقش مُصحح را در ترجمه‌ی دانش‌آموزان ایفا نمایند.

۶- در خاتمه متذکر می‌شود که بار اصلی آشنا کردن دانش‌آموزان با زبان وحی و علاقه‌مند نمودن آنان به این زبان، بر دوش دبیران زحمتکش و دلسوز میهن اسلامی است و هیچ کتابی هرچند کامل و بی‌نقص هم باشد، قادر به انجام این مهم نیست. از این رو، از دبیران ارجمند انتظار دارد که ضمن وقوف بر بار سنگین مسؤولیتی که بر دوش می‌کشند، هرچه بیشتر با شیوه‌های نوین زبان‌آموزی و الگوهای علمی تدریس آشنا شده و برای تدریس مطلوب کتاب‌های عربی مورد استفاده قرار دهند. توفیق همه‌ی خدمتگزاران به زبان قرآن را از خداوند متعال خواستاریم.

گروه عربی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

# الدَّرْسُ الأوَّل

رَبَّنَا ...!

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً﴾  
﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ  
فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾  
اللَّهُمَّ اجْعَلِ اليَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصْرِي وَ  
النَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَي لِسَانِي وَ  
اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.



# التذکار (۱)

دانستیم که

فعل ثلاثی

**ثلاثی مجرد:** فعلی است که اولین صیغه ی ماضی آن از سه حرف اصلی تشکیل شده باشد.  
**ثلاثی مزید:** فعلی است که در اولین صیغه ی ماضی علاوه بر حروف اصلی یک یا دو یا سه حرف زائد داشته باشد.

الماضي    المضارع    الأمر (للخطاب)    المصدر (الباب)    الحروف الزائدة

بابهای ثلاثی  
مزید

أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَلْ	همزة
فَعَّلَ	يَفْعَلُ	فَعَّلْ	تفعیل	تکرار عین الفعل
فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ (فِعَال)	الف

یک  
حرف زائد

تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعَلْ	ت - الف
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعَّلْ	ت - تکرار عین الفعل
إِفْتَعَلْ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعَلْ	إِفْتَعَلْ	إ - ت
إِنْفَعَلْ	يُنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفَعِلْ	إ - ن

دو  
حرف زائد

إِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتَفْعِلْ	إ - س - ت
--------------	--------------	--------------	--------------	-----------

سه  
حرف زائد



بدانیم!

رباعی مجرد

در آیات شریفه زیر فعل‌ها را معین نموده و سپس حروف اصلی آن را مانند مثال در جای مناسب بنویسید.

﴿وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾  
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾  
﴿رَبِّ أَجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

ن  
ز  
ل  
أَنْزَلْنَا

.....

حال در آیات شریفه زیر پس از تعیین فعل‌ها حروف اصلی آن‌ها را در جای تعیین شده قرار دهید.

﴿الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾  
﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾  
﴿الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ﴾

يُوسِسُ

.....

برخی  
فعل‌ها چهارحرفی  
هستند.

بلی، حدس شما درست است.

چه  
نکته‌ای را  
دریافتید؟



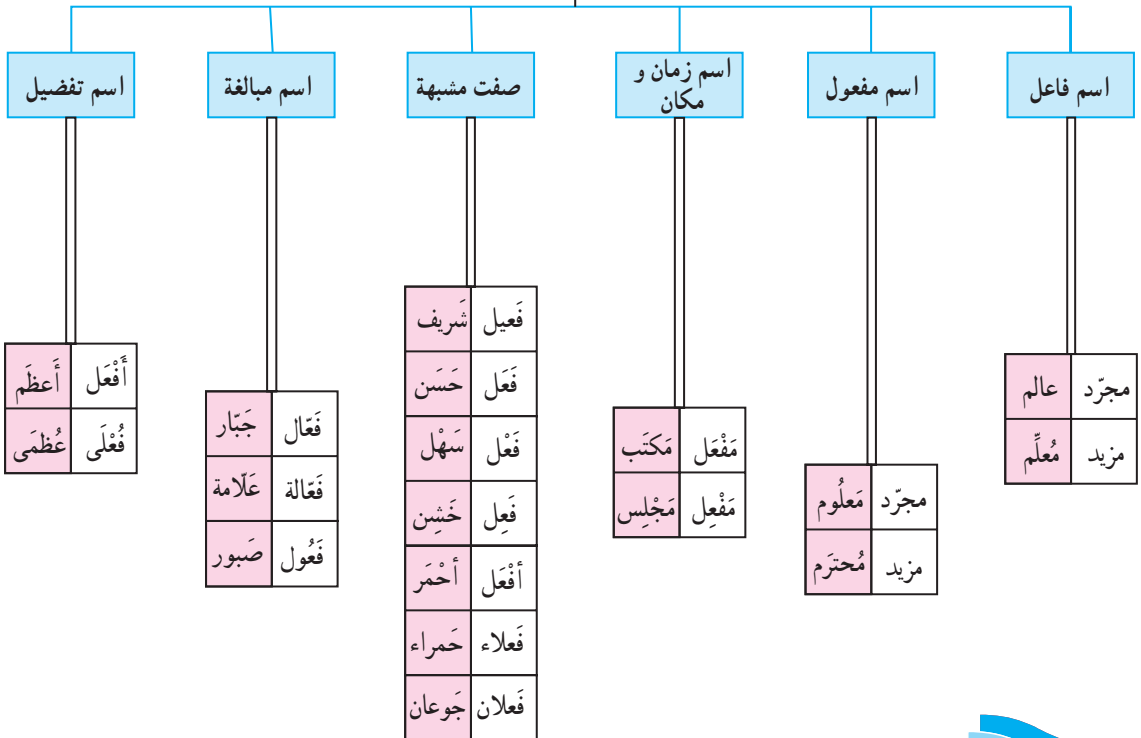
به فعلی که اولین صیغه‌ی ماضی آن از چهار حرف تشکیل شده باشد و هر چهار حرف آن اصلی باشند، «رباعی مجرد» می‌گویند.

المصدر (باب)	الأمر	المضارع	الماضي	وزن رباعي مجرد
فَعَلَّة (فِعْلال)	فَعَلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ	وزن
زَلْزَلَة (زِلْزال)	زَلَزِلْ	يَزَلِزِلُ	زَلَزَلَ	مثال

## جامد و مشتق

اسم‌ها یا «جامد»ند و یا «مشتق». مشتقات در اصطلاح علم صرف ۸ مورد می‌باشند.

### انواع مشتقات در اصطلاح علم صرف



بدانیم

اسم الآلة



مِقْرَاض

مِصْبَاح

مِفْتَاح

مِنْشَار

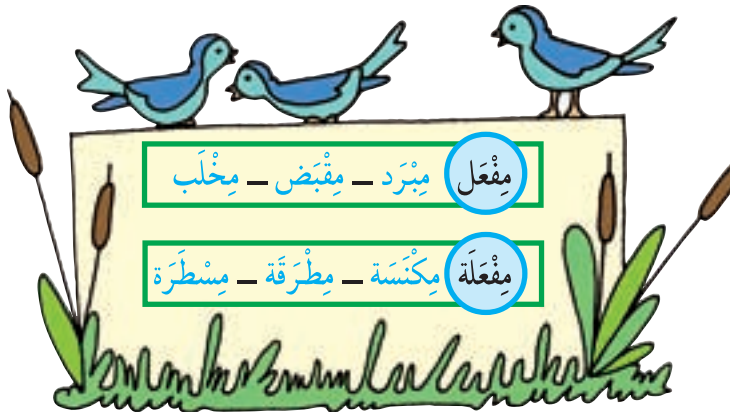


نام هر تصویر  
را پیدا کنید:

کدام پاسخ نادرست است؟

- ۱- همه این کلمات بر وزن مِفْعَال هستند.
- ۲- این کلمات مشتق اسم مکان هستند.
- ۳- این کلمات برای نامیدن ابزار و وسایل به کار می‌روند.

وزن «مِفْعَال» بر ابزار و وسایل انجام کار دلالت دارد. به چنین اسم‌های مشتقی «اسم آلت» می‌گویند.



دو وزن دیگر

اسم آلت

التَّهْرِينُ الأوَّل

املاً الفراغ بما يُناسِبُ المعنى:

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ... مَنْ يَسْأَلُ﴾

تَزْرُقُ

﴿نَحْنُ... كُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾

أَزْرُقُ

يَزْرُقُ

﴿و... رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ﴾

أُذْكُرُوا

﴿يَا قَوْمِ... نِعْمَةَ اللَّهِ﴾

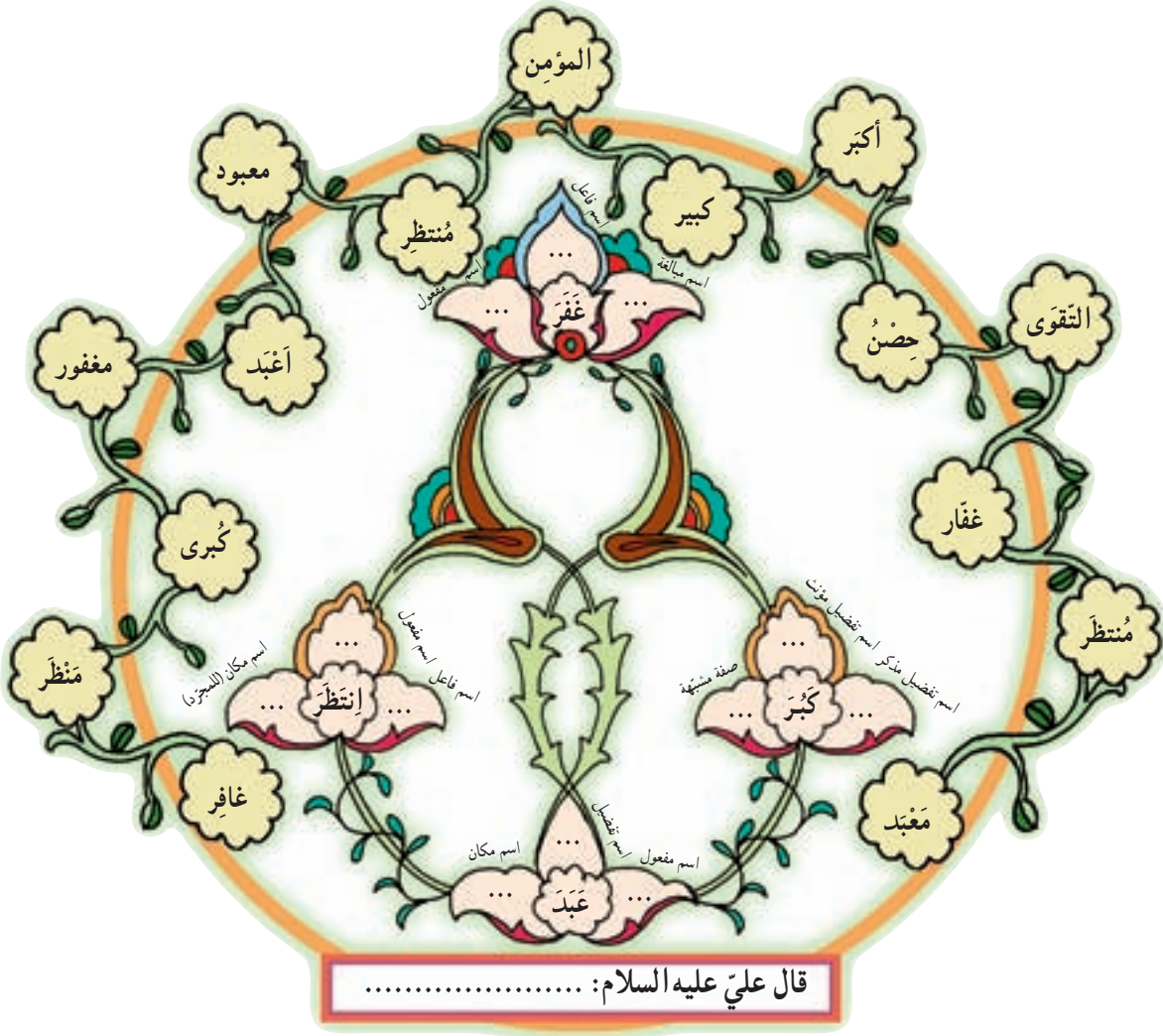
أُذْكَرَا

أُذْكَرُ

التَّهْرِينُ الثَّانِي

إِنْقَلَبْتُمْ	اسْتِمَاع	يُحَاسِبُ	يُكْرِمُ	عَيْن
ماضٍ مِنْ باب	مصدر من باب	مضارع مِنْ باب	مضارع مِنْ باب	الصَّحِيحُ وَالْخَطَأُ
انفعال	استفعال	مفاعلة	إفعال	
يُبَدِّلُ	هَاجَرْتَنَّ	يَتَعَارَفُونَ	يَسْتَعْجِلُ	عَيْن صِيغَةُ
.....	.....	.....	.....	الْفِعْلِ وَبَابِهِ
.....	.....	.....	.....	
مضارع	مصدر	ماضي	مضارع	إملاً الفراغ على
«ظَهَرَ» مِنْ باب	«قَوْمٌ» مِنْ	«كَبَّرَ» مِنْ باب	«عَلِمَ» مِنْ باب	حَسَبِ الصِّيغَةِ
تفاعل، للغائبة	باب مُفاعلة	اسْتفعال، للغائب	تفعل، للغائبات	

املاً الفراغات حسب المشتقات التي حولها ثم اكتب حديثاً عن الإمام عليّ (ع) من الكلمات الباقية:



## التدريب الرابع

املاً المُربعاتِ مُستعيناً بالكلماتِ التي أُشيرَ إليها بِحَطِّ:

نوع المشتق اسم المفعول منه

١- ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

نوع المشتق الحروف الأصلية

٢- ﴿وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ﴾

وزن الكلمة الحروف الأصلية

٣- ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾

نوع المشتق الوزن

٤- ﴿رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾

## التدريب الخامس



أَكْمِلِ الْفَرَاغَ مِمَّا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ :

١- ﴿... الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ

السَّمَاءِ مَاءً﴾ (هم، هو، هما)





٢- المؤمنون ... رَبِّهِمْ . (يَشْكُرَانِ، يَنْصُرُونَ،  
يَشْكُرُونَ)



٣- الطالبُ الناجحُ ... . (فَرِحَانُ، غَضْبَانُ،  
عَطْشَانُ)



٤- اللَّهُ يُحِبُّ ... يُسَاعِدُونَ الْآخَرِينَ . (اللاتي،  
الَّذِينَ، اللذَانِ)

## التدريب السادس

إنتخب الأفعال الصحيحة:

- يَغْلِبُونَ ○ غَلَبَ
- ابْعَثُوا ○ ابْعَثُ
- أَرْسَلُ ○ أَرْسَلَ
- جَهَّزُوا ○ جَهَّزَ

بعدَ مدَّةٍ مِنْ وَفَاةِ النَّبِيِّ مُوسَى (ع)  
ضَعُفَ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَغَلَبَهُ كِرْدَنْدُ الْأَعْدَاءِ  
عَلَيْهِمْ فَقَالُوا : اللَّهُمَّ مَبْعُوثُ كِنِ  
فِينَا قَائِدًا يَجْمَعُ الْقَوْمَ تَحْتَ قِيَادَتِهِ . فَفَرَسْتَادُ  
اللَّهُ إِلَيْهِمْ طَالُوتَ . مَجْهَوزُ كِرْدِ طَالُوتُ  
جَيْشًا لِيُحَارِبَ الْأَعْدَاءَ .

## ذَهَبَ الْجَيْشُ إِلَى نَهْرٍ

قَالَ طَالُوتُ **نَتَوَشَّيْدُ** مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

قَالَ بَعْضُهُمْ **نَحْمَلُ نَمِي كَنِيمَ** الْعَطَشَ وَنَشْرَبُ

مِنْ مَاءِ النَّهْرِ. فَقَالَ لَهُمْ طَالُوتُ **خَارِجِ شَوَيْدِ**

مِنَ الْجَيْشِ. أَرَادَ طَالُوتُ أَنْ يُجَرِّبَ الْجُنُودَ.

○ لا تَشْرَبُوا ○ لا تَشْرَبُ

○ لا يَتَحَمَّلُ ○ لا نَتَحَمَّلُ

○ أُخْرِجُوا ○ أُخْرِجَا



لَأَنَّ الطَّاعَةَ وَالشَّجَاعَةَ فِي الْجَيْشِ أَهَمُّ مِنَ الْعُدَّةِ وَالْعَدَدِ.

## التَّهْرِيْبُ السَّابِعُ

للتعريب:

– سلام عليكم.

– عليكم السلام. حال شما چطور است؟

– الحمد لله. خوب هستم.

– از دیدار شما خوشحالم.

– سپاسگزارم. چرا علوم انسانی را انتخاب کردی؟

– من ادبیات فارسی را خیلی دوست دارم.

– کلید فهم ادبیات فارسی چیست؟

– زبان عربی.

– بلی، درست است.<sup>۱</sup>

۱- خوب هستم: أنا بخیر - دیدار: زیارة، رؤیة - خوشحال: مسرور - انتخاب کردی: اتَّخَذْتَ - ادبیات

فارسی: الأدب الفارسی



- در ترجمه‌ی باب «تفاعل» معمولاً از کلماتی نظیر «باهم، با یکدیگر» استفاده می‌کنیم:
 

تَعَاوَنَ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ : مردم برای ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند.
- در ترجمه‌ی باب «مفاعلة» معمولاً میان فاعل و مفعول به از کلمه «با» استفاده می‌کنیم:
 

كَاتَبَ مُحَمَّدٌ سَعِيداً : محمد با سعید نامه‌نگاری کرد.
- در ترجمه‌ی اسم فاعل معمولاً از اسم فاعل یا صفت فاعلی فارسی استفاده می‌شود:
 

عالم : دانا، مُقَاتِل : رزمنده
- در ترجمه‌ی اسم مفعول معمولاً از اسم مفعول یا صفت مفعولی فارسی استفاده می‌شود:
 

مقبول : پذیرفته، پذیرفته شده - مُسْتَخْرَج : استخراج شده

## للترجمة

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

- ۱- ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
  - الف) با اهل کتاب جدل نکنید مگر به روشی که نیکوتر است.
  - ب) اهل کتاب با یکدیگر مجادله نمی‌کنند مگر به روشی که بهتر است.
- ۲- ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾
  - الف) ما پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به آنان مژده داده شده و هشدار دهنده باشند.
  - ب) ما فرستادگان را نمی‌فرستیم مگر آنکه مژده‌دهنده و هشداردهنده باشند.
- ۳- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾
  - الف) در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید.
  - ب) در امر نیک و پرهیزکاری کمک کنیم.

إقرأ العباراتِ ثم تَرجمها إلى الفارسيةِ بعباراتٍ مألوفةٍ:

\* القنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ.

\* تَرَكُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

\* صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ.

\* مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ.

\* هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ.

العِظَامُ: ج عظيم، بزرگ

إِغَاثَةُ: ياری رساندن

الْمَلْهُوفُ: درمانده

لَا يَنْفَدُ: تمام نمی شود

أَهْوَنُ: آسان تر

كَفَّارَاتِ: ج كَفَّارَةٌ

الف) مناسب ترین ترجمه را انتخاب کنید:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ (التوبة / ۷۳)

الف) ای پیامبر، با کافران و منافقان مبارزه کن.

ب) ای پیامبر، با کافران و منافقان مبارزه کردی.

۲- ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۸۳)

الف) و خداوند بر آنچه انجام می دهید، آگاه است.

ب) و خداوند بر آنچه نمی دانید آگاه است.

۳- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ...﴾ (الإنسان / ۲۳)

الف) من قرآن را بر تو نازل کردم.

ب) به راستی ما قرآن را بر تو فرود آوردیم.

ب) با توجه به لای نفی و نهی، کدام آیه درست ترجمه نشده است؟

﴿... لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾ (یونس / ۴۹)

سود و زیانی برای خود ندارم.

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ﴾ (الإسراء / ۲۹)

دست خود را به گردن خود بسته قرار مده! (کنایه از بخل نورزیدن)

﴿لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾ (النساء / ۱۴۴)

کافران را به دوستی نمی گیرید.

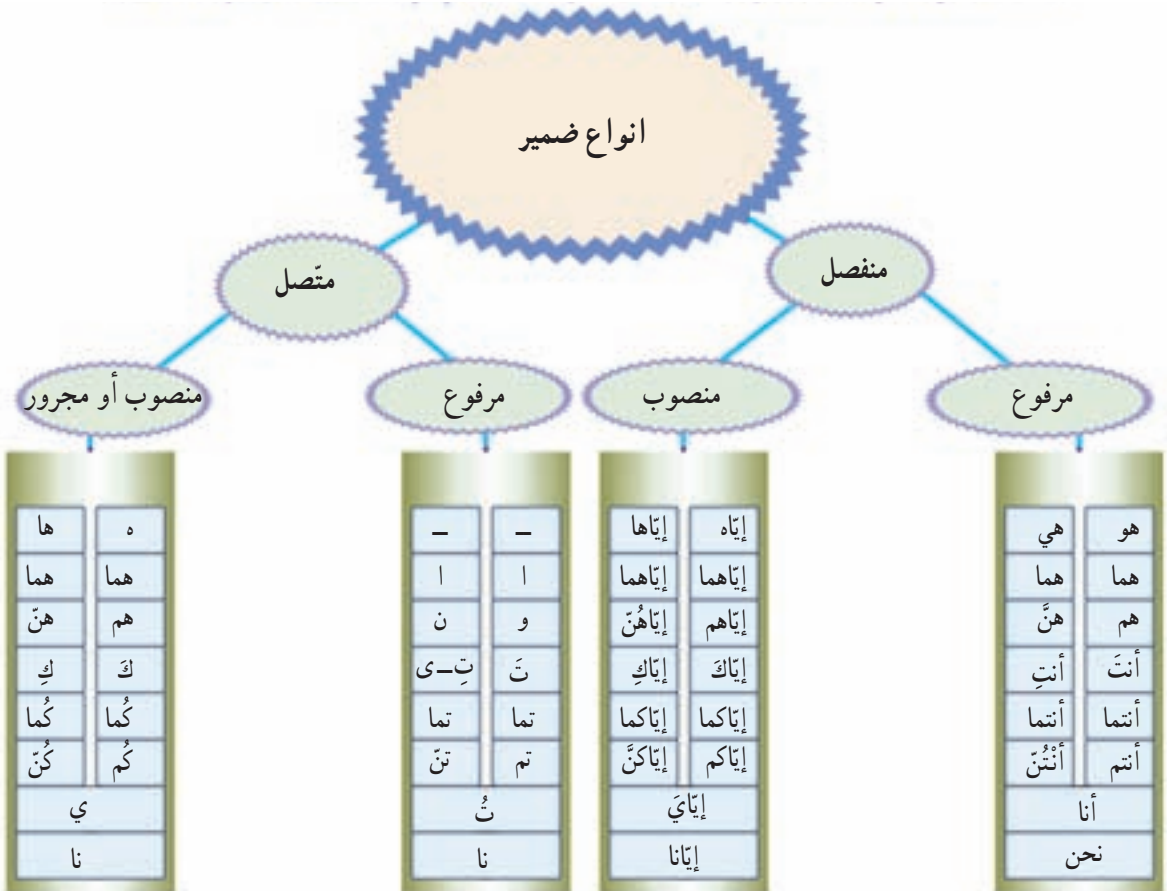
# الدَّرْس الثَّانِي

## التذكار (٢)

دانستیم که

ضمیر

کلمه‌ای است که جانشین اسم ظاهر می‌شود و از جهت عدد و جنس با آن مطابقت می‌کند.



اسمی است که دو کلمه یا دو جمله را به هم وصل می کند و معنای آن توسط عبارت بعد کامل می شود.

جمع	مثنی	مفرد			انواع اسم موصول
الَّذِينَ	الَّذَانِ «الَّذَيْنِ»	الَّذِي	مذكر	خاصّ	
اللاتي	اللتانِ «اللتينِ»	التي	مؤنث		
		«مَنْ»	عاقل	عامّ	
		«مَا»	غير عاقل		

**صَلَة مَوْصُول:** جمله و یا شبه جمله ای است که بعد از اسم موصول

می آید و ابهام آن را برطرف می کند؛ مانند:

أَحْتَرَمُ الَّذِي يَقُولُ الْحَقَّ. ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

مبنی

کلمه‌ای است که حرکت آخر آن در شرایط مختلف، ثابت باشد.

انواع بناء

سکون

◌ْ

کسر

◌ِ

فتح

◌َ

ضمّ

◌ُ

معرب

کلمه‌ای است که علامت اعراب آن، متناسب با موقعیت جمله، تغییر کند.

انواع اعراب

جزم

◌ْ

جرّ

◌ِ

نصب

◌َ

رفع

◌ُ

### انواع کلمات مبنی

حرف

حروف : همه آن‌ها

فعل

- ۱- ماضی : همه صیغه‌ها
- ۲- امر : همه صیغه‌ها
- ۳- مضارع : دو صیغه
- جمع مؤنث

اسم

- ۱- ضمیر
- ۲- اشاره
- ۳- موصول
- ۴- شرط
- ۵- استفهام

دانستیم که

جمله فعلیه

جمله ای است که معمولاً با فعل آغاز می شود.

ارکان جمله فعلیه

فاعل

فعل

انواع فعل

متعدی

لازم

مفعول

فاعل

فعل

فاعل

فعل

اسم ظاهر: «جاء الحق».

ضمیر بارز: الْمُؤْمِنُونَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ.

ضمیر مستتر: يَا عَلِيُّ اكْتُبِ التَّمْرِينَ (أَنْتَ).

انواع  
فاعل

اسم ظاهر: خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ.

ضمیر بارز: اللَّهُ يَنْصُرُكَ.

مفعول

به

جمله ای است که معمولاً با اسم آغاز می شود.



الطالب جالس.	مفرد	انواع خبر
الطالب يقرأ الكتاب.	جمله	
جاز و مجرور : الكتاب في المحفظة. ظرف : الكتاب هناك.	شبه جمله	

گاهی خبر بر مبتدا مقدم می شود مخصوصاً زمانی که :  
خبر شبه جمله باشد و مبتدا اسمی نکره باشد.

خبر مقدم

كتاب.	هناك	كتاب.	في المحفظة
مبتدای مؤخر	خبر مقدم	مبتدای مؤخر	خبر مقدم



## أنتِ عِطْرُ اليَاسْمِينِ

أَيْهَا النُّورُ المُبِينُ  
وَالصِّرَاطُ المُسْتَقِيمُ  
أَنْتِ مِصْبَاحُ اليَقِينِ  
أَنْتِ نَبْضُ فِي القُلُوبِ  
كُلَّمَا زَادَ الحَنِينُ  
بِأَسْمِكَ الحُلُوهَ تَفْنَا  
قَدْ حَلَمْنَا فِيكَ دَوْمًا  
تَمَلُّا الأَرْضَ بَعْدَلٍ  
مِنْ إِلِهِ العَالَمِينَ  
فِي ضَمِيرِ الصَّالِحِينَ  
فِي قُلُوبِ العَاشِقِينَ  
أَنْتِ عِطْرُ اليَاسْمِينِ  
لَكَ يَا ابْنَ المُرْسَلِينَ  
يَا وَلِيَّ المُؤْمِنِينَ  
وَ أَنْتَظِرْنَاكَ سِنِينَ  
بَعْدَ جَوْرِ الظَّالِمِينَ

## دَمْعَةُ الفَرَحِ

### فِي المَسْجِدِ

فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ سَمِعَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ كَلَامَ الرُّسُولِ الأَكْرَمِ (ص) وَ هُوَ يَنْصَحُ  
المُسْلِمِينَ وَ يُشَجِّعُهُمْ عَلَى الصَّدَقَةِ.

### فِي البَيْتِ

لَمَّا رَجَعَ الصَّحَابِيُّ إِلَى كُوخِهِ الصَّغِيرِ وَ شَاهَدَ فِيهِ حَصِيرَهُ المُنْدَرِسَ وَ جَرَّتَهُ  
الحَزْفِيَّةَ حَزَنَ كَثِيرًا عَلَى أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إعْطَاءِ الصَّدَقَةِ.

## بعد الصلَاة

رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ جَارِيَةٌ مِنْ عَيْنَيْهِ :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَمْلِكُ مَا أَتَصَدَّقُ بِهِ فِي سَبِيلِكَ وَ لَكِنِّي يَا رَبِّ رَضِيْتُ  
عَنْ كُلِّ مَنْ شَتَمَنِي وَ ظَلَمَنِي فَأَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ رِضَايَ صَدَقَةً فِي سَبِيلِكَ.

## في الصَّبَاحِ

خَاطَبَ الرَّسُولَ (ص) الْمُسْلِمِينَ وَ قَالَ :

لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرَائِيلُ أَنَّ أَحَدَكُمْ قَدْ تَصَدَّقَ بِعَرَضِهِ وَ قَدْ قَبِلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ وَ بَشَّرَهُ  
بِالرِّضْوَانِ.

سَمِعَ الصَّحَابِيُّ قَوْلَ الرَّسُولِ (ص) فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ... إِنَّهَا دُمُوعُ فَرَحِ هَذِهِ الْمَرَّةِ!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- متى نَهَيْتُ بِاسْمِ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ؟
- ٢- ماذا يفعل الإمام عند ظهوره؟
- ٣- لماذا حَزَنَ الصَّحَابِيُّ لَمَّا رَجَعَ إِلَى كُوخِهِ؟
- ٤- بماذا أَخْبَرَ جِبْرَائِيلُ الرَّسُولَ (ص)؟

املا الفراغ بالكلمة المناسبة:

١  
الفعل اللازم  
.....

٢  
الفاعل، اسم ظاهر  
.....

٣  
المفعول، اسم ظاهر  
.....

٤  
المفعول، ضمير متصل  
.....

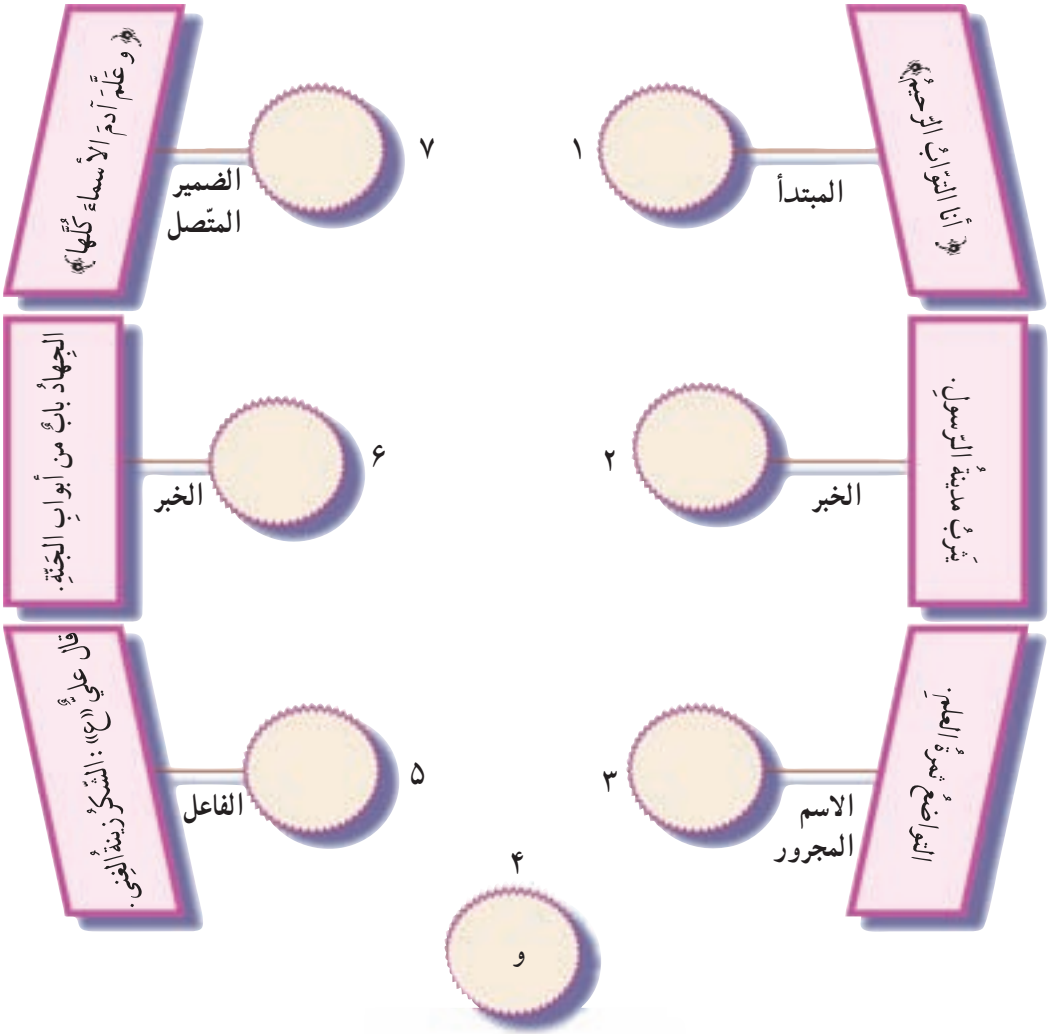
٥  
الفاعل، ضمير بارز  
.....

٦  
الفاعل، ضمير مستتر  
.....

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ.  
رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ.  
مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ.

إذا أُجِبَتْ عَنِ الدَّوَائِرِ سَيَكُونُ لَكَ حَدِيثٌ مِنْ أَحَادِيثِ الرَّسُولِ (ص) فَارْتَبِطْ ذَلِكَ فِي مَكَانِهِ:

قال رسول الله (ص): .....







## التدريب الخامس

ضَع في الفراغِ الفاعلَ المناسبَ ممَّا بينَ القوسينِ:

- ١- صدقت... في حديثها. (الطالب، الطالبة، الطالبة)
- ٢- أكتب... دروسك. (ي، ن، ا)
- ٣- وصل... إلى مكة. (الحجاج، الحجاج، الحجاج)
- ٤- السمكتان تسبح... ن في التهر. (ا، و، ي)

## التدريب السادس

عين الخبر في الجمل الآتية واذكر نوعه:

- ١- الأمهاتُ ساهراتٌ\* على راحة أولادهنّ .
- ٢- الفلاحان يزرعان الأرض.
- ٣- ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾. (الفتح/١٠)
- ٤- صورةُ الشهيدِ على الجدارِ.

– اگر خبر مبتدا فعل نباشد برای ترجمه فارسی آن معمولاً از اشتقاقات فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم :

التلاميذُ أَمَلُ المُستقبَلِ : دانش‌آموزان امید آینده هستند.

النَّجاةُ في الصِّدْقِ : نجات در راستگویی است.

### للترجمة

اقرأ العباراتِ التالية ثمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

۱- «يَوْمُ العَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الجَوْرِ عَلَى المَظْلُومِ»

الف) روز دادخواهی از ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستمدیده است.

○

ب) روز دادخواهی از ظالم دشوارتر از روز ستم بر مظلوم خواهد بود.

○

۲- «المؤمنُ صَبُورٌ عِنْدَ البلاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرِّخاءِ»

الف) مؤمن به هنگام سختی صبر پیشه می‌کند و به هنگام آسایش شکرگزاری می‌کند.

○

ب) مؤمن به هنگام سختی شکيبا و به هنگام آسایش شکرگزار است.

○

۳- «الجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الأمّهاتِ»

○

الف) بهشت زیر پای مادران جای گرفت.

○

ب) بهشت زیر گام‌های مادران است.

إقرأ العباراتِ ثم تَرجمها إلى الفارسيّةِ بعباراتِ مألوفةٍ:

\* الغيبَةُ جُهْدُ العاجِزِ.

\* أكبرُ العيبِ أنْ تَعيبَ ما فيكَ مِثْلُهُ.

\* إذا أَضْرَتِ النَّوافلُ بالفرائضِ فَارْضُوها.

الفرائض: ج فريضة، واجب  
أرضوها: أن را نپذیرید

جُهد: تلاش  
أن تعيب: كه عيب به شمار آوری  
النوافل: ج نافله، عبادت مستحب

(الف) مفهوم کدام آیه درست بیان نشده است؟

۱- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً﴾ (النساء/ ۹۵)

آیه تنها ضرورت انفاق اموال را بیان می کند.

۲- ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (الأعراف / ۱۸۰)

تعلق نام های نیکو به خداوند.

۳- ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة / ۲)

هم دست نشدن در ارتکاب گناه و ستمگری.



ب) با توجه به معنای آیات زیر، کدام کلمه می تواند جای خالی را پر کند؟

۱- ﴿لَا... مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ (تَقْنَطُونَ - تَقْنَطُوا - اِقْنَطُوا) (الزُّمَرُ / ۵۳)

– از رحمت خداوند نومید نشوید.

۲- ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ... ضِيَاءً﴾ (يونس / ۵) (الشَّمْسُ - الشَّمْسِ - الشَّمْسَ)

– او کسی است که خورشید را روشنی بخش قرار داد.

۳- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِ... بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (البقرة / ۲۶۴) (كُ - كُمْ - كَمَا)

– صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.

ج) ترجمه آیات زیر را بنویسید:

۱- ﴿وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (طه / ۴۷)

– .....

۲- ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)

– .....

۳- ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (البقرة / ۲۸۴)

– .....

د) کدام آیه جمله اسمیه نیست؟

۱- ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (القصص / ۸۳)

۲- ﴿لَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾ (لقمان / ۱۸)

۳- ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (الكهف / ۴۶)

# الدَّرْس الثالث

## المعرفة و النكرة



بِيَدِهِ كِتَابٌ.

فِي الصَّفِّ طَالِبٌ.

- ١- دو کلمه «طالب» و «كتاب» چه نوع کلمه‌ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
- ٢- آیا دو کلمه «طالب» و «كتاب» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می‌کنند؟
- ٣- منظور از «طالب» و «كتاب» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟

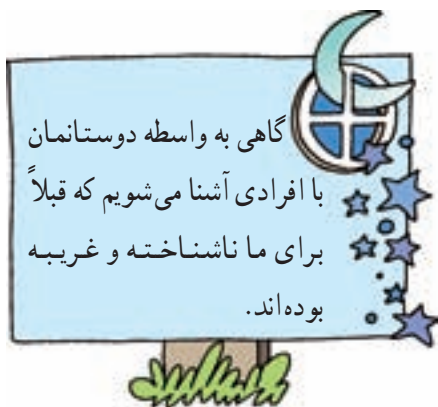
به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نکره» می‌گوییم.

آیا همه اسم‌ها نکره هستند؟  
به تصاویر زیر توجه کنید.



- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
- ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
- ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟

به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می‌گوییم.



آیا اسم های نکره را می توان معرفه کرد؟



اسم های نکره با دو واسطه می توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه		
کتابُ المعَلِّمِ =	المعَلِّمِ	+ کتابُ
قَلَمُكُ =	كُ	+ قَلَمُ
.....	.....	.....

۱

ال + نکره = معرفه		
الرَّجُلُ =	رَجُلٌ	+ ال
القَوْمُ =	قَوْمٌ	+ ال
.....	.....	.....

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و در حالت دوم «معرف به اضافه» می گوئیم.

اما برخی از اسم ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند:

عَلَم، ضمیر، اشاره، موصول

در سال های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می کنند در عربی اسم جنس و در زبان فارسی اسم عام گفته می شوند، مانند: مرد، زن، کشور، کوه، رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر او بنهیم این نام را در عربی اسم علم و در فارسی اسم خاص می نامند هرچند افراد متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: حسن، زینب، ایران، البرز، کارون. علم یکی از معارف است. هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا نداشته باشد.



### لا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيِّ وَ فَكِيرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَكِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَهَضَّ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَ رَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَ صَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَ رَحَّبَ بِهِ ... لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَ قَالَ: «مَنْ لَقِيَ فَكِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ».

## الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ؟!!

أَحَدَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِدًا. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.  
فَقَالَ الرَّجُلُ: أَحَدَثُهُ لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.  
فَصَدَّ بُهْلُولٌ اخْتِبَارَ الرَّجُلِ وَمِقْدَارِ إِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ. فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى  
جِدَارِ الْمَسْجِدِ:

«قَدْ أَحَدَتْ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».  
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا انْتَشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ.  
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْحَبْرَ فغَضِبَ شَدِيدًا وَذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَشَتَمَهُ وَ  
قَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَجَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهِيرًا بَيْنَ النَّاسِ.  
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَحَذَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَكَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَعِنْدئذٍ شَعَرَ  
بِالرَّاحَةِ!!

وَلَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولٌ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَقَالَ:  
﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَنَّأَ النَّاسُ بُهْلُولًا عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنِ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقْلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانَ يَعْشَى فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نَقَلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ.



استخرج المعارفَ و اكتبها في المكان المناسب:

العَلَم

.....

المُعَرَّف بالإضافة

.....

الضمير

.....

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/١٢٣)

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

فِي الْأَرْضِ﴾ (الحجرات/١٦)

٣- ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشعراء/١٠٥)

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

رَبُّكُمْ...﴾ (الأنبياء/٩٢)

الموصول

.....

المُعَرَّف بـ «أل»

.....

الإشارة

.....





- در ترجمه اسم های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می کنیم :
- قرأتُ مقالةً في مجلّةٍ : مقاله ای را در یک مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (أل) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می شود هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره یا اسم اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا الفلّاحُ ... هذانِ الفلّاحانِ ... هؤلاءِ الفلّاحونَ ...  
این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (أل) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا فلّاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلّاحانٍ : این ها دو کشاورزند.  
هؤلاءِ فلّاحونَ : این ها کشاورزند.

### للتّرجمة

اقرأ العبارات التالية ثمّ عین ترجمتها الصحيحة:

- ۱- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (المائدة/۱۵)  
الف) براستی از سوی خداوند روشنایی و کتاب روشنگر برای شما آمد.  
ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (الإسراء/۹)  
الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می کند.  
ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می کند.
- ۳- ﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ (الحج/۱۹)  
الف) این ها دو گروه دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.  
ب) این، دو گروه دشمن یکدیگر هستند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.

اقرأ العبارات التالية ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:

\* مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعهُ.

\* مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأَنكَرَهَا تُمَّ رَضِيهَا لِنَفْسِهِ فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ.

\* الطَّامِعُ فِي وِثَاقِ الدُّلِّ.

\* مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

صَارَعَ : گلاويز شد

صَرَعهُ : زمین زد

وِثَاقِ الدُّلِّ : بند دلت

الف) تعداد اسم های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است:

- ۳ - ﴿ وَ هَدَيْنَا هُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (الضافات / ۱۱۸)
- ۳ - ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ﴾ (الزمر / ۵)
- ۳ - ﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴾ (الكافرون / ۶)

ب) در کدام یک از آیات، کلمات درست ترجمه نشده است؟

- ۱ - ﴿ وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ ... ﴾ (المزمل / ۸)  
نام پروردگارت را ذکر کن ...
- ۲ - ﴿ وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ ... ﴾ (الملك / ۵)  
همانا آسمان دنیا را با چراغ هایی بیاراستیم .
- ۳ - ﴿ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ﴾ (المؤمنون / ۱۸)  
و از آسمان آب را فرو فرستادیم .

# الدَّرْس الرَّابِع

## أنواع الإعراب (١)



در هر کدام از  
تصاویر چه کسانی  
را می بینید؟

آیا می توانید شغل  
آن ها را حدس  
بزنید؟

در تصویر اول، از ظاهر شخص، براحتی می توان دریافت که او پزشک است.

در تصویر دوم، از محل و موقعیت فرد، می توان حدس زد که شخص مورد نظر، روزنامه فروش است.

اما در تصویر سوم نشانه و علامت خاصی وجود ندارد و شغل او بر ما مخفی و پنهان است.

همانطور که می توان موقعیت اجتماعی افراد را با نشانه هایی شناخت، نقش و موقعیت کلمات را نیز می توان با علامت ها و نشانه های خاصی شناخت. این نشانه ها، همان اعراب کلمات است.

اعراب کلمات دارای سه نوع است :

۱- **ظاهری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب بر آن ها ظاهر می شود.

۲- **محلی** : برای اسم های مبنی که علامت اعراب را نمی پذیرند.

۳- **تقدیری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب در آن ها ظاهر نمی شود.



آیا می دانید، چه چیزی، تعیین کنندهٔ اعراب کلمه است؟ نقش کلمه در جمله  معنای کلمه

می دانیم «شجره» اسمی معرب است.

اکنون در عبارات زیر نقش و اعراب کلمه «شجره» را تعیین نمایید.

العصفورُ على الشجرة.



مجرور به حرف جر  مضاف الیه

منصوب  مجرور

غرسَ الفلاحُ الشجرة.



فاعل  مفعول

مرفوع  منصوب

هذه شجرةٌ في الحديقة.



مبتدا  خبر

مرفوع  منصوب

← نقش

← اعراب

همانطور که دقت نمودید

علامت های اعراب، متناسب با نقش کلمه «شجره» در آخر آن، ظاهر شده است.

به اعرابی که در آن علامت های اصلی اعراب (            )

که نشان دهندهٔ نقش کلمه می باشند، «اعراب ظاهری اصلی» می گویند.

آیا می توانید نقش و اعراب کلمات معین شده را در آیات شریفهٔ قرآن بیابید؟

﴿ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ ﴾ (النساء/ ۱۷۴)

﴿ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴾ (النساء/ ۱۷۴)

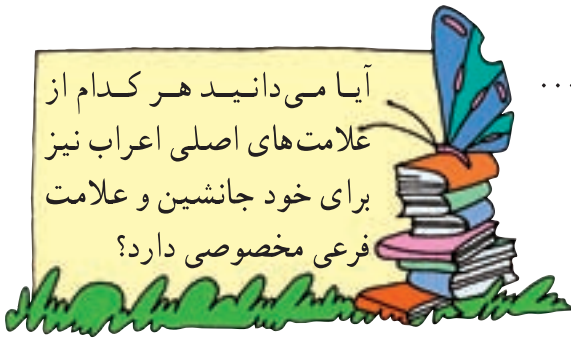
﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)



- این بازیکنانی که روی نیمکت نشسته اند چه کسانی هستند؟
- مگر بازیکنان اصلی، کافی نیستند؟



هر بازیکن اصلی، برای خود بازیکنی ذخیره و نیابی (با همان ویژگی) دارد، که به جای او وارد میدان می شود.



آیا می دانید هر کدام از  
علامت های اصلی اعراب نیز  
برای خود جانشین و علامت  
فرعی مخصوصی دارد؟

آیا می دانید ...



جاءُ الْمُعَلَّمُونَ



جاءُ الْمُعَلَّمَانِ



جاءُ الْمُعَلَّمِ

- کلمات (المُعَلَّم، الْمُعَلَّمَانِ، الْمُعَلَّمُونَ) چه نقشی دارند؟
- در کدام مورد فاعل با علامت ؤ مرفوع شده است؟
- دو کلمه (المُعَلَّمَانِ، الْمُعَلَّمُونَ) به جای ؤ با چه علامتی مرفوع شده اند؟



برخی از اسم‌های معرب به جای علامت‌های اصلی اعراب، علامت‌های دیگری نیز می‌گیرند که به آن‌ها «علامت‌های فرعی اعراب» گفته می‌شود.

دارای اعراب فرعی هستند؟

کدام یک از  
اسم‌های  
معرب

آیا می‌دانید

مثنی با دو علامت «انِ، یِنِ» ساخته می‌شود مانند «المسافرانِ». «المسافرینِ» به معنای دو مسافر. اکنون که معنای آن‌ها یکسان است، پس چه تفاوتی میان (انِ، یِنِ) وجود دارد و کاربرد هر کدام چیست؟

می‌دانیم

مثنی



اما



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِينَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرِينَ.

جَاءَ الْمُسَافِرُ.

جَاءَ الْمُسَافِرَانِ.

مفرد

مثنی

المسافرِ و المُسافرینِ هر دو مجرور هستند اما علامت جرّ آن‌ها متفاوت است.

المسافرِ با کسره اصلی  
المسافرینِ با یاء فرعی

المسافر و المسافرینِ هر دو مفعول هستند اما علامت نصب آن‌ها متفاوت است.

المسافرَ با فتحة اصلی  
المسافرینِ با یاء فرعی

المسافر و المسافرانِ هر دو فاعل هستند. اما علامت رفع آن‌ها مختلف است.

المسافرُ با ضمه اصلی  
المسافرانِ با الف فرعی

هرگاه اسمی مثنی شود: « الف » ← نشانه رفع

« یاء » ← نشانه نصب و جرّ آن می‌باشد.

می دانیم : جمع مذكر سالم با دو علامت (وَنَ، يَنَ) ساخته می شود، مانند (المُجَاهِدُونَ) –  
المُجَاهِدِينَ) به معنای رزمندگان.

○ این دو علامت چه فرقی با هم دارند آیا تفاوت آن ها در معناست و یا در کاربرد؟  
به تبدیل اسم مفرد به جمع مذكر سالم توجه کنید :



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِينَ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِينَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدِ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدِينَ.

مفرد

جمع

(ياء)

جانشین چه حرکتی  
شده و نشانه چیست؟

(ياء)

جانشین چه حرکتی  
شده و نشانه چیست؟

(واو)

جانشین چه حرکتی  
شده و نشانه چیست؟

هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم  
هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم  
واو ← نشانه رفع    ياء ← نشانه نصب و جرّ آن است.

حتماً با کلمات «أبو طالب، أبا طالب، أبي طالب» آشنا هستید.

○ چرا این کلمات با شکل های مختلف نوشته شده اند؟

○ آیا از جهت معنی با یک دیگر فرق دارند یا یکسان هستند؟

○ حتماً تفاوتی میان آن ها وجود دارد، آیا شما تفاوت آن را می دانید؟

پس توجه کنید ← کلمه «أب» مفرد است به معنای «پدر» و اعراب ظاهری دارد. اما اگر

مضاف به غیر یاء متکلم شود، چگونه؟! ...

سَلَّمْتُ عَلَى الْأَبِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَبِيكَ.

رَأَيْتُ الْأَبَّ.

رَأَيْتُ أَبَاكَ.

جَاءَ الْأَبَّ.

جَاءَ أَبُوكَ.

← مفرد

← مضاف

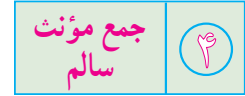
هر گاه کلمه «أب» : مفرد، مضاف و مضاف به غیر ضمیر «ياء» متکلم باشد :

واو ← نشانه رفع    الف ← نشانه نصب    ياء ← نشانه جرّ آن است.



اعراب کلماتی مانند «أخ، ذو، فو، حم\*» نیز مانند «أب» فرعی است. به این پنج اسم «أسماء خمسة» می‌گویند. اکنون برای جای خالی، کلمه مناسبی را انتخاب کنید:

— هو ..... (أخوك، أخاك، أخيك)



جمع مؤنث سالم نیز از اسم‌هایی است که اعراب فرعی دارد.  
 آیا علامت جمع مؤنث سالم را می‌دانید؟  
 به اعراب آن در حالت‌های مختلف توجه نمایید.

اسْتَمَعْتُ  
 إِلَى آيَةٍ قُرْآنِيَةٍ.

حَفِظْتُ آيَةً  
 مِنَ الْقُرْآنِ.

هَذِهِ آيَةٌ قُرْآنِيَةٌ.

اسْتَمَعْتُ  
 إِلَى آيَاتٍ قُرْآنِيَةٍ.

حَفِظْتُ آيَاتٍ  
 مِنَ الْقُرْآنِ.

هَذِهِ آيَاتٌ قُرْآنِيَةٌ.

کلمه آیات با  
 چه علامتی مجرور  
 شده است؟  
 .....

کلمه آیات با  
 چه علامتی منصوب  
 شده است؟  
 .....

کلمه آیات با  
 چه علامتی مرفوع  
 شده است؟  
 .....

در کدام حالت کلمه «آیات» اعراب اصلی نپذیرفته است؟

جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصب اعراب فرعی دارد.  
 و هرگاه منصوب شود به جای — ← — می‌گیرد.

برای کلمات رنگی حرکت مناسبی را قرار دهید.

حَضَرَتِ الْمُؤْمِنَاتُ فِي الْمَسْجِدِ. قَرَأْتُ الْمَجَلَاتِ فِي الْمَكْتَبَةِ. نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَاتِ.

به اعراب کلمه «ایران» در عبارت‌های زیر

توجه کنید :



في إيران معادن كثيرة

أحبُّ إيران

إيران وطني

○ نقش کلمه ایران در سه جمله به ترتیب چیست؟

○ آیا در هر سه جمله متناسب نقش خود حرکت گرفته است؟

○ در کدام مورد با علامت اصلی اعراب نپذیرفته است؟

کلمه ایران هرگاه مجرور شود به جای کسره — ← فتحه فرعی — می‌گیرد.  
به چنین اسم‌هایی غیر منصرف (ممنوع من الصرف) می‌گویند. این اسم‌ها هیچگاه تنوین نمی‌گیرند.

آیا اسم‌های غیر منصرف را می‌شناسید؟ در این صورت بهتر است با مهمترین آن‌ها آشنا شوید.

۱- علم مؤنث : فاطمة، حمزة

۲- علم غیر عربی : یوسف، یعقوب، فرعون ﴿وَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا﴾ (المزمل/۱۵)

۳- نام شهرها و کشورها : طهران، مکه ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا﴾ (الاعراف/۸۵)

۴- صفت بر وزن أفعال : أكبر، أبيض ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ (الانعام/۵۳)

۵- جمع مکسر هم وزن مفاعل و مفاعیل ﴿وَوَزَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ (فصلت/۱۲)

اسم‌های غیر منصرف در صورت گرفتن الف و لام و یا مضاف واقع شدن

در حالت جرّ کسره می‌پذیرند :

في المساجد مُصَلِّونَ كثيرونَ . في مساجدِ المدينةِ مَكْتَبَاتٌ قِيَمَةٌ .

بدانیم

## خير مُعين!

مَنْ كَانَ قَرِيباً مِنْ رَبِّهِ  
وَالرَّحْمَةَ تَسْكُنُ فِي قَلْبِهِ  
وَأَتَى بِالْمَالِ عَلَى حُبِّهِ

فَاللَّهُ يُبَارِكُ فِي كَسْبِهِ

مَنْ كَانَ صَدِيقَ الْمَسْكِينِ  
وَمُعِيتَ الْإِخْوَةِ فِي الدِّينِ  
فَاللَّهُ لَهُ خَيْرٌ مُعِينٍ

يَجْزِيهِ وَيَصْفَحُ عَنْ ذَنْبِهِ

الْمُؤْمِنُ صَاحِبُ إِفْضَالٍ  
يُعْطِي بِيَمِينٍ وَشِمَالٍ  
وَيُجِيبُ السَّائِلَ فِي الْحَالِ

وَيُخَفِّفُ عَنْهُ مِنْ كَرْبِهِ

الْبِرُّ دَلِيلُ الْعِرْفَانِ  
وَزَكَاتُكَ شَرْطُ الْإِيمَانِ  
وَاللَّهُ وَلِيُّ الْإِحْسَانِ

وَالْمُحْسِنُ يَطْمَعُ فِي قُرْبِهِ

١- تُقْرَأُ هَكَذَا : مَسْكِينِي .

## مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سَأَلَ رَجُلٌ الْإِمَامَ الرَّضَا (ع) :

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى (ع) إِبْطَالَ السِّحْرِ وَ مُعْجَزَةَ عِيسَى (ع) شِفَاءَ

الْمَرَضَى وَ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟

فَقَالَ (ع) :

عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى (ع) كَانَ لِلْسِّحْرِ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ

بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَ عِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى (ع) كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ سُيُوعِ الْأَمْرَاضِ

الْمُخْتَلِفَةِ فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرَضَى وَ إِحْيَاءِ الْمَوْتَى .

وَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) فِي وَقْتٍ كَانَ لِلْبَيَانِ وَ الْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْبَعْثِ بَيْنَ النَّاسِ

فَأَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَأَظْهَرَ عَجْزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- مَنْ الْمُؤْمِنُ؟

٢- مَا هِيَ مُعْجَزَةُ عِيسَى (ع)؟

٣- لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟

## التدريب الأول

عَيِّنْ عَلاماتِ الإعرابِ الفرعيةَ في العباراتِ التالية:

- ١- ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ﴾
- ٢- ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ﴾
- ٣- لِفَاطِمَةَ فَضائلُ لا نَجِدُها في الأخرين.
- ٤- أَكْرَمُ أبائِكَ و إن لَمْ يُكْرِمَكَ.

## التدريب الثاني

اجْعَلْ في الفراغِ كلمةً مناسبةً:

- ١- احْفَظْ... مِنْ الأَذَى و جالسٍ... (يَدَيْكَ، يَدَاكَ - الصَّالِحُونَ، الصَّالِحِينَ)
- ٢- خَلَقَ اللهُ... السَّبْعَ. (السَّمَوَاتِ، السَّمَوَاتِ)
- ٣- ... يُدافِعُونَ عَنِ الوَطَنِ الإسلاميِّ. (المُجاهِدُونَ، المُجاهِدِينَ)
- ٤- يَذْهَبُ كَثِيرٌ مِنَ المُسْلِمِينَ في ... إلى .... (ذوالحِجَّةِ، ذِي الحِجَّةِ - مَكَّةَ، مَكَّةَ)

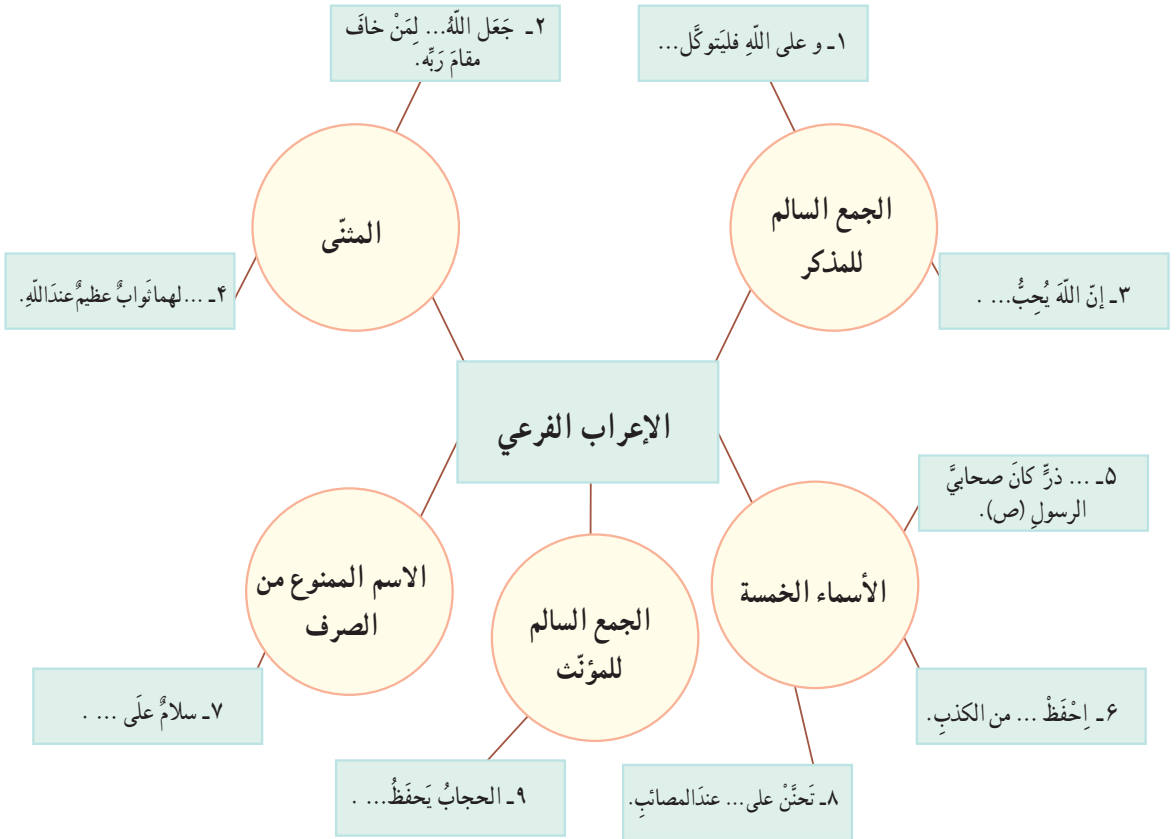
## التدريب الثالث

صَحِّحِ الأخطاءَ التي أُشيرَ إليها بِخَطِّ مَعَ بيانِ السَّبَبِ:

- ١- يُجاهِدُ المُسْلِمِينَ في فِلَسْطِينِ.
- ٢- الحَسَناتُ يُذهِبْنَ السَّيِّئاتِ.
- ٣- رَأَيْتُ في أُخوِكَ هِمَّةً عالِيَةً.

اجعل في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية:

فاك، جتئين، فوك، المسلمات، المؤمنون، المسلمات، إبراهيم، إبراهيم، أخيك،  
التواين، الوالدان، أبو، أبا



گزینه نادرست را در هر مجموعه، معین نمایید سپس علامت های خواسته شده را بنویسید.

علامت های فرعی رفع

① نَجَحَ ...

في الدرس.

- المجدون
- الطالبان
- التلاميذ
- أخوك

علامت های فرعی نصب

② شَهِدْتُ ...

في المكتبة.

- المعلمين
- التلميذين
- أخاك
- الطالبات

علامت های فرعی جرّ

③ سَلَّمْتُ عَلَى ...

في المسجد.

- المؤمنين
- المعلمين
- إبراهيم
- أخيك

تسلط بر زبان مادری شرط لازم در ترجمه موفق است. با این وسیله می توان مفاهیم زبان مبدأ را به نحو مطلوب به زبان مقصد ترجمه کرد.

## للترجمة

- ۱- ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۲۸)
- ۲- «الذَّاكِرُ بِلا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ».
- ۳- مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى تَعَبِ التَّعَلُّمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي تَعَبِ الْجَهْلِ أَبَدًا.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

\* عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَارْزُقْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ.

\* مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ : طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا.

\* الْحِلْمُ وَالْأَنَاةُ تَوْأَمَانِ يُنْتَجِبُهُمَا عُلُوُّ الْهَمَّةِ.

منهوم: حریص

الأناة: تأتي

يُنْتَجِبُهُمَا: آن ها را به وجود می آورد

عاتب: عتاب کن

أرذذ: باز گردان

الإنعام: بخشش کردن



الف) ترجمه آیات زیر را با کلمه مناسب کامل کنید:

۱- ﴿ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴾ (آل عمران / ۱۷۴)

و خداوند ..... بخشایش عظیم است.

۲- ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... ﴾ (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خداوندی است که ..... و زمین را آفرید.

۳- ﴿ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴾ (آل عمران / ۱۸۰)

و خداوند به آنچه ..... آگاه است.

ب) کلمه مناسب و نقش آن را انتخاب و در جای خالی قرار دهید.

مفعول به

آيَاتًا

(البقرة / ۹۹)

۱- ﴿ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ... ﴾

اسم مجرور

آيَاتٍ

هر آینه بر تو آیاتی را نازل کردیم.

اسم و مجرور

أَحْسَنَ

(التين / ۴)

۲- ﴿ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي... تَقْوِيمٍ ﴾

اسم و مجرور به فتحه

أَحْسَنَ

همانا انسان را در نیکوترین شکل آفریدیم.

# الدّرس الخامس

## أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١ ظاهری (٢ محلی (٣ تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١ اصلی (٢ فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

### اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟  
« اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر ناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محله» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده

و معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ.      رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ.      نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.  
 نَجَحَ ذَلِكَ.      رَأَيْتُ ذَلِكَ.      نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع



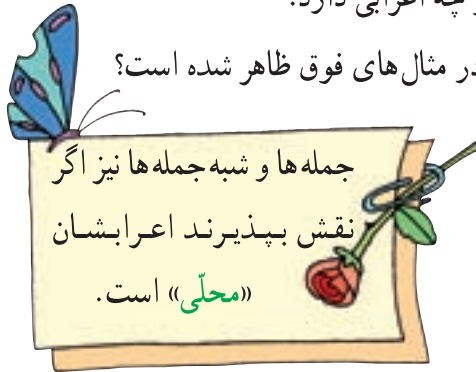
به این دو عبارت توجه کنید

– کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

– آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟

؟

– آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



## اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در  
جمله دارند، ...  
ثابت است ○ متغیّر است ○

کلمات معرب  
کلماتی هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :



● می دانیم که «الفتی» اسمی معرب است. حال اعراب «الفتی» را در جملات زیر

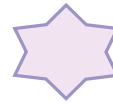
تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاء الفتى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جر را نپذیرفته است؟



برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

### مهمترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

اسمی است معرب که به الف ختم شود. مانند: دنیا، کبری	<b>اسم مقصور</b> اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.
فاعل، مرفوع تقدیراً مفعول به، منصوب تقدیراً مجرور به حرف جر تقدیراً	
رفع: جاء الفتی.	<b>اعراب</b> در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.
نصب: رأيتُ الفتی.	
جر: سلّمت علی الفتی.	

اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود. مانند: قاضي، هادي	<b>اسم منقوص</b> اعراب در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.
فاعل: ..... ... منصوب با فتحه مجرور به حرف جر .....	
رفع: حَضَرَ القاضي.	<b>اعراب</b> در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.
نصب: شاهدتُ القاضي.	
جر: مررتُ بالقاضي.	

اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده (ی) اضافه شود. مانند: صدیقی	<b>اسم مضاف به یاء متکلم</b> اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.
... مرفوع تقدیراً مفعول به ..... ..... تقدیراً	
رفع: هذا کتابي.	<b>اعراب</b> در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.
نصب: قرأتُ کتابي.	
جر: القصةُ في کتابي.	

در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.  
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصود، منقوص، مضاف به یاء متکلم).

# اعراب اسم

مبنی

معرب

محلی

تقدیری

ظاهری

شامل  
۱- ضمائر  
۲- اسم موصول  
۳- اسم اشاره  
۴- اسم استفهام  
۵- اسم شرط  
۶- عدد مرکب

فرعی

اصلی

مقصور

در هر سه حالت  
جاء الْفَتَى.  
رَأَيْتُ الْفَتَى.  
سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

مثنی

«الف» در حالت رفع  
«یاء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع  
«یاء» در حالت نصب و جرّ

منقوص

در دو حالت رفع و جرّ  
جاء القَاضِي.  
رَأَيْتُ القَاضِي.  
سَلَّمْتُ عَلَى القَاضِي.

أَسْمَاءُ خَمْسَةَ

«واو» در حالت رفع  
«الف» در حالت نصب  
«یاء» در حالت جرّ

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت  
جاء مَعْلَمِي.  
رَأَيْتُ مَعْلَمِي.  
سَلَّمْتُ عَلَى مَعْلَمِي.

جمع مؤنث سالم

در حالت نصب

غیر منصرف

در حالت جرّ

رفع هُنَّ

جاء المُعَلِّمِ.

نصب هِنَّ

رَأَيْتُ المُعَلِّمِ.

جرّ هِنَّ

سَلَّمْتُ عَلَى المُعَلِّمِ.

محلاً مرفوع  
هَذَا كِتَابٌ.

محلاً منصوب  
قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ.

محلاً مجرور  
سَلَّمْتُ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ.

## يا إلهي

يا إلهي يا إلهي  
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ  
وَأَجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً  
وَكَثِيرَ الْبَرَكَاتِ  
وَأَملاً الصِّدْرَ انْشِراحاً  
وَفَمِي بِالْبَسْمَاتِ  
يا إلهي أنتَ عَوْنِي  
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ  
نُورِ الْعَقْلِ وَ قَلْبِي  
بِالْعُلُومِ الْنافِعَاتِ  
وَاجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي  
وَنَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

## الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :  
أُرِيدُ مُعَلِّماً حَازِقاً لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْكَ؟  
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ ¹ .  
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذَنْ أَحْضِرْهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .  
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .  
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِساً عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَلَدَاهُ ² .  
- هَلْ وَلَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ؟

١- هو أديبٌ مُلتزمٌ كانَ يَعِيشُ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ وَ هُوَ كَانَ مُحَبِّباً لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

٢- تُحَدِّثُ النُّونُ مِنَ الْمَثْنِيِّ وَ الْجَمْعِ السَّالِمِ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ .



غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :  
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَذَيْنِ وَأَبِيهِمَا.  
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَّادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ.  
فَفَازَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟
- ٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟
- ٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟

التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخط ثم أجب عما طُلب منك:

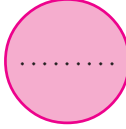
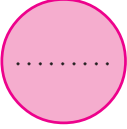
سبب البناء

إعراب

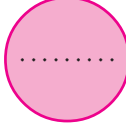
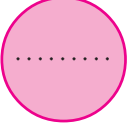
المثال:



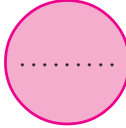
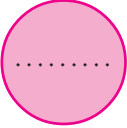
﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾



١- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾



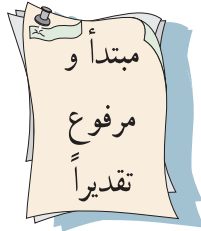
٢- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ».



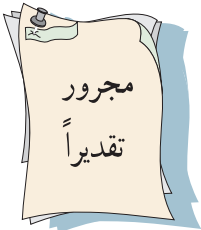
٣- اِحْتَرَمَ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

التمرين الثاني

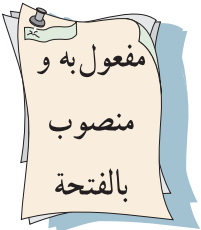
انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخط:



١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾



٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾



٣- «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

مفعول به  
و منصوب  
تقديرًا

مجرور  
تقديرًا

٤- «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»

٥- «يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»

## التدريب الثالث

أَدْخِلْ كَلِمَةَ «الْقَاضِي» فِي كُلِّ جُمْلَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْ ذَلِكَ حَسَبَ رَقْمِ الْجُمْلَةِ:

١- فاعلٌ و مرفوع تقديرًا

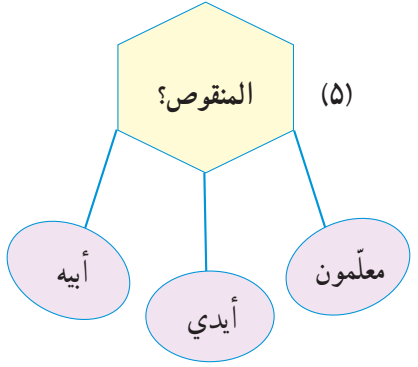
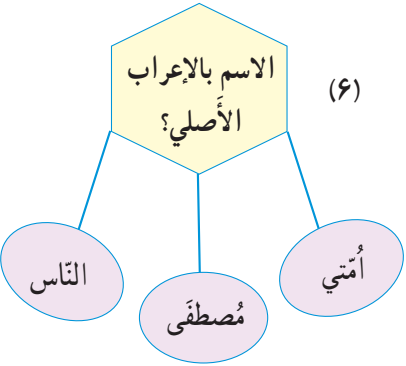
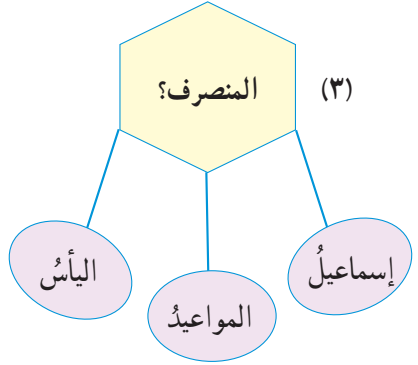
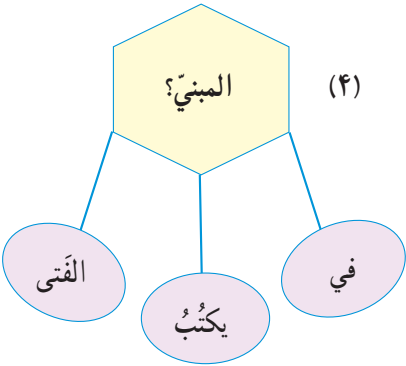
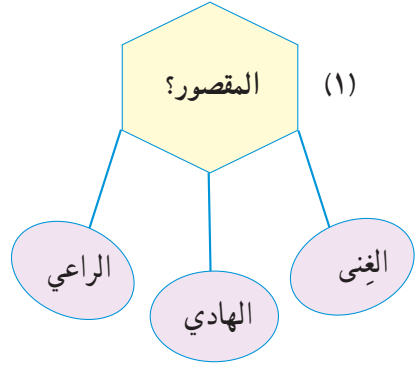
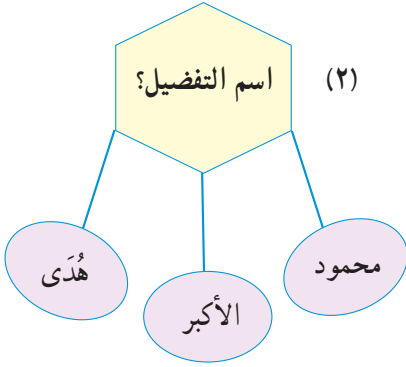
٢- .....

٣- .....

٤- .....



إنتخب الصحيح من كل شكل و اجعله في المكان المناسب :



قال الإمام عليّ (ع): ..... ١ ..... ٢ ..... ٣ ..... ٤ ..... ٥ ..... ٦

## امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز در مدرسه برگزار می‌شود.
- چرا آن روز را روز دانش‌آموز می‌نامیم؟
- روز دانش‌آموز، روز شهادت گروهی از دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش‌آموزان است.
- آیا می‌دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است<sup>۱</sup>.

أَغْرِبْ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

۱- ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾

۲- ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ﴾

۳- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده : آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت : مراسم التکریم، برگزار می‌شود : تَنَعَّقِدُ، می‌نامیم :

نُسَمِّي، شهادت : استشهاد، گروهی : جمع، جماعة، آینده کشور : مستقبل البلاد، وظیفه : وظیفه، واجب،

درس خواندن : الدَّراسة، ساختن : بناء، میهن : وطن

برای ترجمهٔ متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.  
 فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند:  
 الف) برحسب ریشه: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی  
 آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به‌عنوان مثال برای  
 یافتن «استَعَلِمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند:

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعَلِمَ : پرسید، جویای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب  
 قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند:

استَعَلِمَ : پرسید، جویای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

## للترجمة

إِنَّ أَسْعَةَ الشَّمْسِ نُحُولُ الْمَاءِ بُخَاراً يَتَصَاعَدُ فِي الْجَوِّ فَيُكُونُ سَحَاباً هُنَاكَ، وَ  
 بُرُودَةُ الْجَوِّ نُحُولُ السَّحَابِ إِلَى نَقْطِ مَاءٍ فَتَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ مَطْراً يُنْعِشُ النَّبَاتَ  
 وَالْحَيَوَانَ وَالْبَشَرَ.

إفْرَأِ العِبَارَاتِ نَمَّ تَرْجَمَهَا إِلَى الفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مألُوفَةٍ:

\* لَا تَرَى الجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا.

\* أَوْضَعُ العِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الجَوَارِحِ وَالأَرْكَانِ.

\* الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

مُفْرِطٌ: افراط گر، کسی که در کاری

زیاده روی کند

مُفَرِّطٌ: تفریط گر

أَوْضَعٌ: پایین ترین، کم ارزش ترین

أَرْفَعٌ: بالاترین

الجَوَارِحُ: اعضای بدن

الأَرْكَانُ: دست و پا

الف) در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند:

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)

ب) نوع اعراب کدام کلمه مشخص شده، درست بیان نشده است:

- ۱- ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ...﴾ (الواقعة / ۶۲) محلی  
شما از آفرینش نخست آگاهید.
- ۲- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ (المائدة / ۲) ظاهری  
در نیکوکاری و تقوی همکاری کنید.
- ۳- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (الحمد / ۵) محلی  
تنها تو را عبادت می کنیم و تنها از تو یاری می جوئیم.



## إعراب الفعل المضارع (١)

چه فرقی بین دو گروه از اسم‌ها می‌بینید؟

المعلّم  
السّماء - حقّ  
قلمّ

ذلك  
هذه - أنت  
الَّذي

کدام یک از دو گروه، معرب و کدام یک مبنی است؟

آیا می‌دانید به چه کلمه‌ای معرب گفته می‌شود؟

آیا فعل‌ها نیز برای خود معرب و مبنی دارند؟

کدام یک از فعل‌ها «معرب» و کدام یک «مبنی» هستند؟

؟

امر	مضارع	ماضی
	معرب (به جز دو صیغه جمع مؤنث)	مبنی

دانستیم که

حال اگر فعل مضارع معرب باشد چه انتظاری از آن دارید؟ کدام مورد نادرست است؟

علامت‌های اعراب  
را بپذیرد.

مانند کلمات معرب، اعراب  
آخر آن متغیّر باشد.

علامت اعراب آن ثابت  
باشد و تغییر نکند.

حالت رفع و نصب و ...  
داشته باشد.

فعل مضارع از جهت اعراب بر سه نوع است :

- ۱- مضارع مرفوع،
- ۲- مضارع منصوب،
- ۳- مضارع مجزوم؛

و هریک برای خود علامت‌های خاصی دارد.

## مضارع مرفوع و علامت‌های آن

شاید تا به حال بارها فعل مضارع را به کار برده باشید.  
فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است.

خوب است نگاهی به صیغه‌های مختلف این فعل داشته باشیم.

يَكْتُبَانِ    تَكْتُبُونَ  
تَكْتُبَانِ    تَكْتُبِينَ  
يَكْتُبُونَ

يَكْتُبُ    أَكْتُبُ  
تَكْتُبُ    نَكْتُبُ

این فعل‌ها بعد از ضمائر «ا - و - ی»  
دارای «نون اعراب» هستند.

آیا ثبوت نون اعراب نیز علامت رفع است؟

آری ثبوت «نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

آخر این فعل‌ها ضمه دارد.

ضمه علامت رفع است.

و می‌دانیم که «ضمه» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

علامت‌های  
رفع در فعل  
مضارع

رفع مضارع با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود:

اصلی «أُ»: يَذْهَبُ - تَذْهَبُ

فرعی «ثبوت نون اعراب»:

يَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ

## مضارع منصوب و علامت‌های آن

همان‌طور که دانستیم فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است مگر این که بعد از عوامل خاصی قرار بگیرد.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿فَأَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ...﴾

﴿نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ﴾

فعل‌های مضارع را پیدا کنید.

آیا علامت‌های رفع مضارع را می‌یابید؟

علامت «رفع» در کدام یک از فعل‌ها وجود ندارد؟

چه حروفی قبل از فعل‌هایی که علامت رفع ندارند، آمده است؟



گاهی حروفی قبل از فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب می‌سازد.

«أَنْ، لَنْ، كَيْ و نِيز حَتَّى و لِ»

«که»، «هرگز»، «تا این که»، «تا، تا این که»، «برای، برای این که»

به کاربرد این حروف دقت کنید :

أَنْ يَذْهَبَا	يَذْهَبَانِ
لَنْ تَذْهَبَا	تَذْهَبَانِ
لَنْ يَذْهَبُوا	يَذْهَبُونَ
حَتَّى تَذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ
لِيَذْهَبِي	تَذْهَبِينَ

با آمدن حروف ناصبه علامت  
رفع «نون اعراب» حذف شد.

پس «حذف نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

أَنْ يَذْهَبَ	يَذْهَبُ
لَنْ تَذْهَبَ	تَذْهَبُ
حَتَّى أَذْهَبَ	أَذْهَبُ
لِيَذْهَبَ	يَذْهَبُ

با آمدن حروف ناصبه **ضمه** به  
**فتحه** تبدیل شد.

و می دانیم که **فتحه** علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

می گویند.

حروف ناصبه

به این حروف که باعث منصوب شدن فعل مضارع می شوند

علامت های  
نصب در فعل  
مضارع

نصب مضارع با یکی از دو علامت نشان داده می شود :

اصلی « َ » : أَنْ يَذْهَبَ، لَنْ تَذْهَبَ

فرعی «حذف نون اعراب» : أَنْ يَذْهَبَا، لَنْ تَذْهَبُوا

## الضَّيْفُ

ذَهَبَ رَجُلٌ إِلَى بَيْتِ صَدِيقِهِ وَبَقِيَ عِنْدَهُ أَيَّاماً مُتَوَالِيَةً حَتَّى ضَجَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ  
مِنْ إِقَامَتِهِ فَفَكَّرَ فِي حِيلَةٍ لِيَتَخَلَّصَ مِنْهُ. فَأَقْتَرَحَ عَلَى ضَيْفِهِ أَنْ يَتَسَابَقَا فِي الْقَفْزِ غَدًا  
حَتَّى يَعْرِفَا مَنْ الْفَائِزُ؟ فَقَالَ لَوْلَدِهِ :

عِنْدَمَا يَقْفِزُ الضَّيْفُ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ، أَغْلِقِ الْبَابَ.

صَبَّاحَ الْغَدِ عِنْدَ السَّبَّاقِ، قَفَزَ صَاحِبُ الْبَيْتِ ذِرَاعَيْنِ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ أَمَّا  
الضَّيْفُ فَقَفَزَ ذِرَاعًا وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ!

فَقَالَ صَاحِبُ الْبَيْتِ : أَنَا الْفَائِزُ، ذِرَاعَانِ مُقَابِلَ ذِرَاعٍ وَاحِدَةٍ! فَقَالَ الضَّيْفُ :  
ذِرَاعٌ وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ ذِرَاعَيْنِ إِلَى الْخَارِجِ.

## الْحَاكِمُ الظَّالِمُ وَ الشَّيْخُ الْمَجْنُونُ

ذَاتَ يَوْمٍ خَرَجَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ لِيَتَنَزَّرَهُ فَصَادَفَ شَيْخًا فَسَأَلَهُ :

— مِنْ أَيْنَ أَنْتَ يَا شَيْخُ؟

— مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ.

— مَا رَأَيْتُكَ فِي الْحَجَّاجِ؟

— هُوَ أَظْلَمُ الْحُكَّامِ. سَوَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَدْخَلَهُ النَّارَ!

— أَتَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا الحجاج.

— أنا فداك. وَ هَلْ تَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْقَبِيلَةِ. أُصْبِحُ مَجْنُونًا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ!!

أجب عن الأسئلة التالية:

١- ما اقترح صاحب البيت على ضيفه؟

٢- إلى أين قفز الضيف؟

٣- ما كان رأي الشيخ في الحجاج؟

٤- ماذا قال الرجل حين عرف الحجاج؟

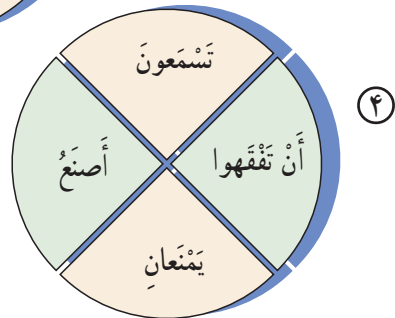
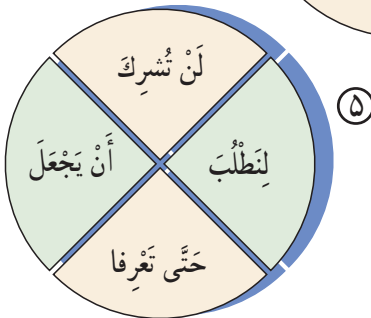
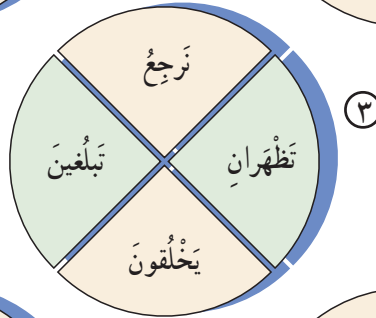
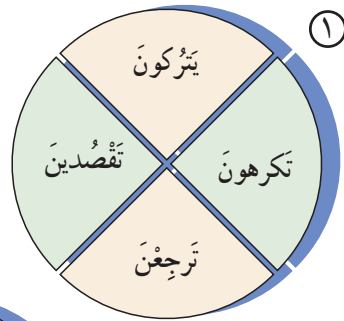
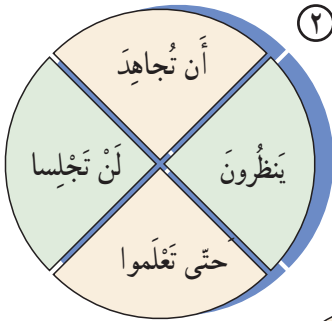
## التدريب الأول

ترجم ما بين القوسين إلى العربية ثم اجعله في الفراغ:

- ١- نُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ الْحَقِّ ..... (تا پیروز شویم : انتصراً)
- ٢- الْمُؤْمِنُونَ ..... فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. (اسراف نخواهند کرد : أسرف)
- ٣- أَنْتِ ..... اللَّهُ عَلَى نِعْمِهِ. (سپاسگزارى مى كنى : شَكَرٌ)

## التدريب الثاني

في كل شكل فعل واحد يُخْتَلَفُ عَنْ بَقِيَّةِ الْأَفْعَالِ، عَيِّنْ ذَلِكَ وَادْكُرْ وَجَهَ الْاِخْتِلَافِ:



## التدريب الثالث

عَيِّن الأفعال المضارعة و إعرابها في الجمل الآتية:

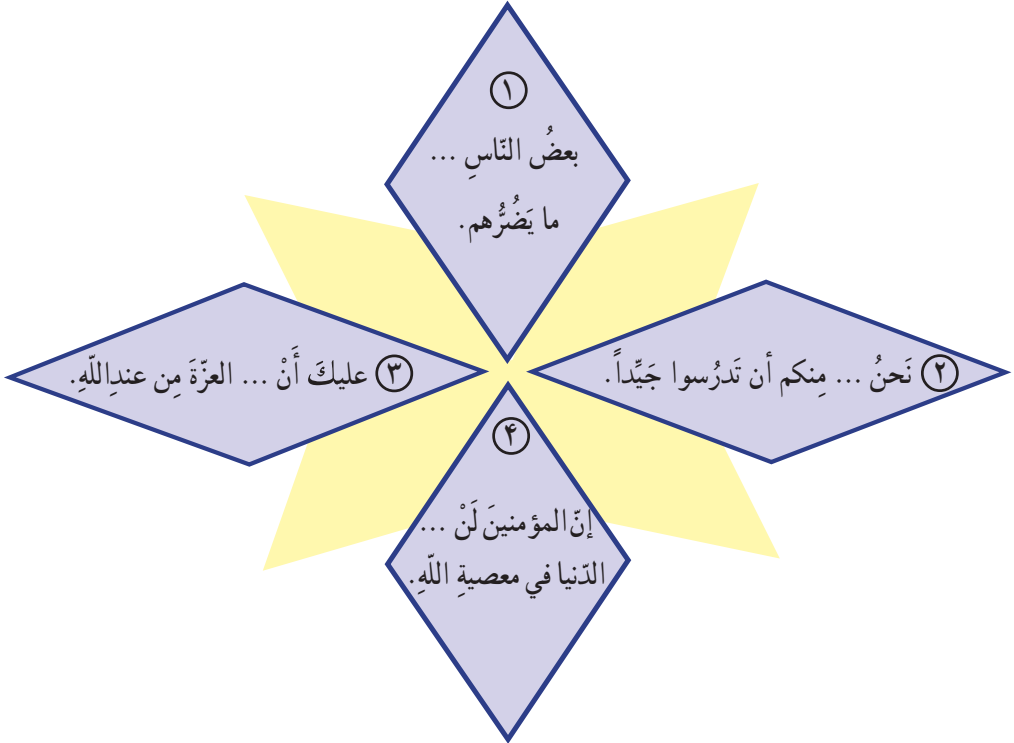
١- أمر الله المسلمين أن يتعاونوا على البرِّ و التَّقوى.

٢- اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

٣- الدَّهْرُ يُخَلِّقُ الأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الأَمَالَ.

## التدريب الرابع

أَكْمِلِ الفُرَاغَاتِ بِفِعْلِ مُضَارِعٍ مُنَاسِبٍ مِنْ «طَلَبَ ُ»:



## التدريب الخامس

لإعراب و التحليل الصرفي:

«لَا يَعْذِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ»



– فعل مضارع هرگاه با یکی از ادوات ناصبه «أَنْ، كَيْ، حَتَّى، لِ» به کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌گردد:

أَنْ يَكْتُبَ : بنویسد، که بنویسد. كَيْ يَذْهَبُوا : بروند، برای این که بروند.  
و هرگاه با «لَنْ» به کار رود معادل مستقبل منفی فارسی ترجمه می‌گردد:

لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت.

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

هرگز به نیکی دست نیافتید مگر از آن چه برای خود دوست داشتید انفاق کرده باشید.

۲- ﴿فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾

صبر کنید، خداوند میان ما داوری می‌کند و او بهترین داوران است.

۳- «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ: الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ».

از خصلت‌های نادان این است که: قبل از آن که می‌شنود پاسخ می‌گوید و قبل از آن

که می‌فهمد مخالفت می‌کند و درباره آن چه نمی‌داند داوری می‌کند.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:  
 \* لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.  
 \* الْكَلَامُ فِي وِثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وِثَاقِهِ فَأَخْزِنُ  
 لِسَانَكَ كَمَا تَخْزِنُ ذَهَبَكَ.

وِثَاقٌ : بند	لَا تَصْحَبُ : هم‌نشینی نکن
صِرْتَ : می شوی	المائق : احمق
أَخْزِنُ : نگه‌دار	يَوَدُّ : دوست دارد

کدام جمله مفهوم صحیح آیه را می‌رساند؟

الف) ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ﴾ (یونس / ۵)

۱- خورشید منشأ روشنایی ماه است.

۲- خورشید و ماه پایه و اساس تقویم نگاری هستند.

ب) ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ﴾ (یس / ۴۰)

۱- بر عالم آفرینش، نظم حکم فرما است.

۲- شب و روز از حرکت خورشید و ماه بوجود آمده است.

ج) ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ. وَحَسَفَ الْقَمَرُ. وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ (القیامة / ۷-۹)

۱- خسوف و کسوف ماه و خورشید را بیان می‌کند.

۲- حوادث روز قیامت را بیان می‌کند.

کدام عبارت برای معنی آیه مناسب است؟

الف) ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (الأعراف / ۳۱)

۱- بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

۲- خوردند و آشامیدند و اسراف نکردند.

ب) ﴿إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ﴾ (الإسراء / ۳۷)

۱- به راستی که تو زمین را نشکافتی (کنایه از مغرور نشدن).

۲- به راستی که تو زمین را نخواهی شکافت (کنایه از تکبر نورزیدن).

ج) ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (النور / ۲۲)

۱- آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببامرزد؟

۲- آیا دوست دارید خداوند شما را ببامرزد؟

## إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

### مضارع مجزوم و علامت‌های آن

«لَا تَحْزَنُ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

آیا این فعل را به خاطر می‌آورید؟ و می‌توانید آن را معنا کنید.  
دانستیم:

اگر بخواهیم شخصی را از عملی بازداریم از مفهوم نهی استفاده می‌کنیم.  
آیا روش ساختن نهی را از فعل مضارع به یاد دارید؟



با آمدن «لا»ی نهی، آخر فعل ساکن شد که این سکون علامتی برای جزم است.

در این حالت به [ لا ← حرف ناهیه جازمه ]  
[ فعل مضارع ← فعل مضارع مجزوم ] می‌گویند.

حروف دیگری نیز وجود دارند که مانند «لا»ی نهی عمل می‌کنند. که عبارتند از «لما، لام امر».

دقت کنید:

لَمْ يَكْتُبَا  
لَمَّا تَكْتُبِي  
لِيَكْتُبُوا

علامت جزم این فعل‌ها مانند نصب آنها است یعنی چگونه است؟

اصلی؟  
فرعی؟

لَمْ يَكْتُبْ  
لَمَّا تَكْتُبْ  
لِنَكْتُبْ

علامت جزم این فعل‌ها سکون است.

اصلی؟  
فرعی؟

علامت‌های  
جزم در فعل  
مضارع

جزم مضارع معمولاً با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود:  
اصلی «َ» : لم يَذْهَبْ، لا تَذْهَبْ  
فرعی «حذف نون اعراب» : لم يَذْهَبَا، لا تَذْهَبُوا

به این عبارت از  
زبان فارسی توجه کنید :

اگر درس بخوانی، موفق می شوی.

- در این عبارت چند فعل وجود دارد؟
- آیا با یک فعل معنای آن کامل می‌شود؟
- عبارت فوق با چه کلمه‌ای آغاز شده است؟
- آیا موفق شدن قطعی است یا مشروط؟



بدانیم

به چنین جملاتی که وقوع آن مشروط باشد

جملات شرطی

می‌گویند. جملات شرطی دارای ۳ رکن است :

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

موفق می شوی

درس بخوانی

اگر

آیا در زبان عربی هم جملات شرطی وجود دارند؟

شاید به راحتی  
بتوانید مثال‌هایی مانند  
جملهٔ بالا از زبان  
فارسی بیاورید.

إِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ.

به معادل جمله  
شرطی بالا در زبان  
عربی دقت کنید.

کلماتی که در آغاز جمله‌های شرطیه می‌آیند «ادوات شرط» نامیده می‌شوند،

مانند: **إِنْ، مَنْ، مَا، أَيْنَمَا**

«اگر»، «هرکه»، «هرچه»، «هرجا»

اکنون به کاربرد ادوات شرط نظری می‌افکنیم

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾

مَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَحْضُدْ نَدَامَةً.

- در هر عبارت چند فعل وجود دارد؟ یک فعل ○ دو فعل ○ سه فعل
- این فعل‌ها چه نوع فعل‌هایی هستند؟ ماضی ○ امر ○ مضارع
- آیا ادوات شرط تأثیری در اعراب فعل‌ها داشته است؟
  - آری ○ خیر
- اعراب فعل‌ها چگونه است؟ مرفوع ○ منصوب ○ مجزوم

**ادوات شرط** از کلمات جازمه‌ای هستند

که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم

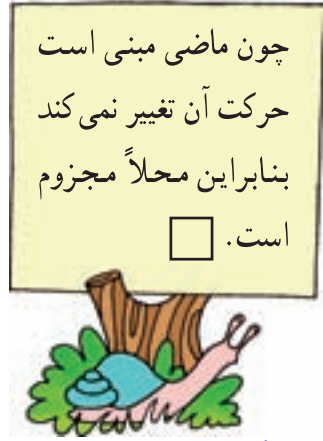
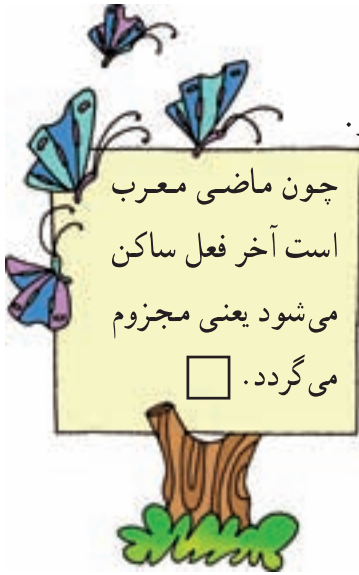
می‌کنند. اولی به عنوان **فعل شرط** و دومی

به عنوان **جواب شرط**.

❓ اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد

کدام یک از دو حالت رخ می دهد؟

إِنْ صَبَرْتُ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ.



❗ یکی از موارد جزم فعل مضارع زمانی است که در جواب طلب (امر، نهی و ...)

بیاید :

أَدْرُسُ تَنْجَحُ : درس بخوان تا موفق شوی.

فعل طلبی جواب طلب

لَا تَكْذِبْ بِجُحْبِكَ اللَّهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فعل طلبی جواب طلب

## إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَوْلَ نَبِيِّهِمْ فَقَالُوا :  
يَا نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ الْعَدُوَّ أَخْرَجَنَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا. ﴿۱﴾ اِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ ﴿۲﴾

قال النبيُّ : إِنِّي أَعْلَمُ إِنَّ يَكْتُبِ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْقِتَالَ فَإِنَّكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ .  
القَوْمُ : لِمَاذَا لَا نُقَاتِلُ أَعْدَاءَنَا، لَقَدْ أَخْرَجُونَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا .  
فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ يُقَاتِلُوا .

قال النبيُّ : ﴿۳﴾ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ﴿۴﴾  
القَوْمُ : كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ طَالُوتُ مَلِكًا عَلَيْنَا وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا .  
فَتَبَاحَثُوا كَثِيرًا فَلَمْ يَتَّبِعْ طَالُوتَ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ .

في ساحة القتالِ عِنْدَمَا شَاهَدُوا كَثْرَةَ أَعْدَائِهِمْ وَ قَلَّةَ عَدَدِهِمْ طَلَبُوا مِنَ اللَّهِ أَنْ  
يُثَبِّتَ أقدامَهُمْ وَ قالوا : ﴿۵﴾ انصُرْنَا على القَوْمِ الكافرينِ ﴿۶﴾

وَ قال المؤمنونَ منهم : إن تصبروا تتغلبوا عليهم . فقاتلوهم بشِدَّةٍ وَ هَزَمُوهم .  
كما قال سبحانه وَ تعالى : ﴿۷﴾ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ﴿۸﴾

## طريق المودة

نَصَحَ أَحَدُ الْحُكَمَاءِ ابْنَهُ قَائِلًا :

يَا بَنِيَّ! أَحَبِّبْ قَوْمَكَ يُحِبُّوكَ وَ تَوَاضِعْ لَهُمْ يَرْفَعُوكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ يَحْتَرِمُوكَ



وَأَكْرَمُ صِغَارِهِمْ - كَمَا تُكْرِمُ كِبَارَهُمْ - يُكْرِمُكَ كِبَارُهُمْ وَ يَكْبُرُ عَلَى مَوَدَّتِكَ صِغَارُهُمْ  
وَ ابْنُ مَالِكٍ وَ أُعْزِزُ جَارَكَ فَبِذَلِكَ تَنْبُتُ لَكَ سَيَادَتُكَ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا قَالَ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِنَبِيِّهِمْ؟
- ٢- هَلْ قَبِلَ النَّاسُ طَالُوتَ مَلِكًا عَلَيْهِمْ؟ وَ لِمَاذَا؟
- ٣- مَا كَانَ سَبَبُ انْتِصَارِ الْمُؤْمِنِينَ؟
- ٤- كَيْفَ تَنْبُتُ السِّيَادَةُ؟

## التدريب الأول

إِسْتَخْرِجْ مِنَ النَّصِّ الْأَوَّلِ ثَلَاثَةَ أَفْعَالٍ مُضَارَعَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْهَا.

## التدريب الثاني

عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْأَسْئَلَةِ وَفَقَّأ لِمَاجَاءِ فِي النَّصِّ:

١- مَبْنِي إِعْرَابٍ «قَوْمٌ»:

(الف) خبر مفرد (ب) فاعل

(ج) مبتدأ (د) مفعول به

٢- كَمْ مَعْرِفَةً فِي آيَةِ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾؟

(الف) ١ (ب) ٢ (ج) ٣ (د) ٤

٣- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ «طَالُوتَ»:

(الف) معرب (ب) جامد (ج) عَلِمَ (د) منصرف

٤- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ بِهِ فِي عِبَارَةِ «فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ

يُقَاتِلُوا»:

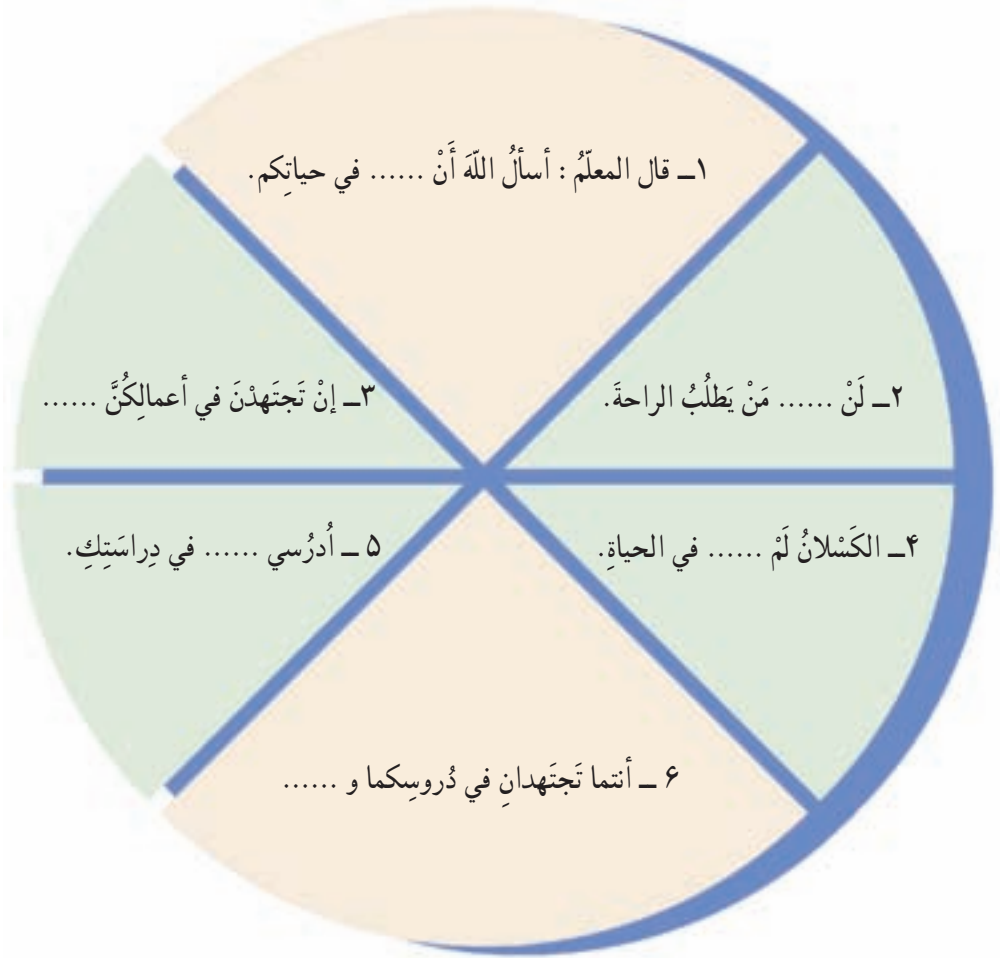
(الف) الله (ب) الْقِتَالَ (ج) كثير (د) هم

٥- مَا نَوْعُ الْإِعْرَابِ فِي «تَتَغَلَّبُوا»؟

(الف) فرعي (ب) تقديري (ج) محلي (د) أصلي

## التمرين الثالث

أكمل الفراغ بفعلٍ مضارعٍ مناسبٍ من «نَجَحَ»:



## التمرين الرابع

للإعراب و التحليل الصّرفيّ:

« تَوَاضَعَ يَرْفَعَكَ اللهُ »

اقْرَأ النَّصَّ التَّالِيَّ وَتَرْجِمْهُ ثُمَّ صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

## الجُود

خَرَجَ رَجُلٌ مَعَ ابْنِهِ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَهُمَا يُرِيدَانِ أَنْ يَصِيدَا فَنَزَلَا عِنْدَ رَجُلٍ. كَانَ لِهَذَا الرَّجُلِ غَنَزَةٌ فَدَبَّحَهُ لَهُمَا فَأَكَلَا مِنْهَا.

عِنْدَمَا أَرَادَ الضَّيْفُ أَنْ يَتْرُكَ الرَّجُلَ قَالَ لِابْنِهِ: اذْفَعْ لَهُ مِائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ وَلَدُهُ: هُوَ فَفَيْرٍ يَقَعُّ بِالْقَلِيلِ. فَأَجَابَ: أَنَا لَا أَقْبَلُ أَنْ أَدْفَعَ لَهُ الْقَلِيلَ لِأَنَّهُ دَبَّحَ لَنَا كُلَّ مَا كَانَ عِنْدَهُ.

للتعريب:

## تلاش رمز موفقیت است

- رمز موفقیت تو در درس چیست؟
- من تلاش می‌کنم. هر کس تلاش کند موفق می‌شود.
- آیا مرا در درس‌ها کمک می‌کنی؟
- البته، با کمال میل.
- سپاسگزارم. دوست دارم که در همه درس‌ها قبول شوم.
- چه وقت شروع کنیم؟
- امروز
- بسیار خوب، من در خدمت شما هستم.
- متشکرم.<sup>۱</sup>

۱- تلاش: الاجتهاد - رمز موفقیت: سَرَّ النَّجَاحِ - کمک می‌کنی: تُسَاعِدُ - البته: طَبَعاً - با کمال میل: بِكُلِّ سُرُورٍ (بكل رغبة) - قبول شوم: أَنْ أَنْجَحَ - بسیار خوب: جَيِّدٌ جَدًّا - خدمت شما: خِدْمَتُكَ

– فعل مضارع مجزوم به «لم» معمولاً معادل ماضی منفی است :

لم یکتُبْ = ما کتَبَ : ننوشت      لم یذهبوا = ما ذهبوا : نرفتند

لم یتکاسلنَ = ما تکاسلنَ : تنبلی نکردند.

– فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند :

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ : اگر نیکی کنید، به خود نیکی می کنید.

– فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود :

لِيَنْهَضْ : باید برخیزد      لِيَعْلَمُوا : باید بدانند

لِنَذْهَبْ : باید برویم

صَحَّحْ مَا تَرَاهِ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجِمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾

اعراب گفتند : ما ایمان می آوریم، بگو شما ایمان نمی آورید بلکه بگویید اسلام می آوریم.

۲- لِيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

محبوب ترین توشه ها در نزد تو توشه کار نیک است.

۳- مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ.

هرکس به بندگان خدا ستم کرد، خداوند دشمن او بود.

إقرأ العبارات ثم تَرجمها إلى الفارسيّة بعبارات مألوفة:

\* يا بُنيَّ أَحَبِّ لِعَيرِكَ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ ما تَكْرَهُ لَهَا و لا تُظَلِّمُ كما  
لا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ وَأَحْسِنُ كما تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ ما  
تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ.  
\* وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنُ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكَرِ الْمُنْكَرِ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَإِيْنِ فِعْلُهُ.

يُحَسِّنَ إِلَيْكَ: به تو نیکی شود

اسْتَقْبِحَ: ناپسند بدار

بِإِيْنِ: دور شو

أَنْ تُظَلِّمَ: مورد ستم واقع شوی

۱- با انتخاب کلمه مناسب ترجمه آیات زیر را کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

و ..... به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند.

هر کس      چه کسی

(ب) ﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعِفْهُ لَكُمْ﴾ (التغابن / ۱۷)

..... به خداوند وامی نیکو دهید خداوند آن را برای شما دو برابر می کند.

که      اگر

(ج) ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲)

..... انفاق کنید پس خداوند به آن آگاه است.

هر آن چه      اگر

۲- آیات زیر را با فعل مناسب کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَا ... مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

و هر آن چه را از کار نیک انجام دهید خداوند بی شک به آن آگاه است.

أَذْكُرُ      أَدْكُرُ

(ب) ﴿فَاذْكُرُونِي ... كُمْ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم.

يَعْمَلُ      يَعْمَلُ

(ج) ﴿فَمَنْ ... مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ﴾ (الزلزال / ۷)

و هر کس به وزن ذره ای نیکی کند آن را می بیند.

## الدَّرْس الثامن

### المبني للمعلوم و المبني للمجهول

هر روز در اطراف ما کارهای زیادی صورت می گیرد.  
آیا ما از همه آن ها باخبریم و انجام دهنده آن ها را می شناسیم.



چه کسی کتاب را  
خریداری می کند؟



چه کسی گل می کارد؟



چه کسی تدریس می کند؟

آیا مشخص است عمل تدریس، گل کاری و خرید کتاب را چه کسانی انجام می دهند؟



چه کسی نامه را  
فرستاده است؟



چه کسی زنگ را می زند؟



چه کسی تابلو را نقاشی  
کرده است؟

آیا می دانید عمل نقاشی کردن، زنگ را به صدا درآوردن و فرستادن نامه را چه کسی

انجام داده است؟ آیا فاعل آن ها را می شناسید؟



چه تفاوتی بین فعل‌های گروه اول و گروه دوم وجود دارد؟ کدام مورد زیر نادرست است؟

گاهی فاعل را  
نمی‌شناسیم.

فاعل کلمه‌ای است  
که کار بر او واقع  
می‌شود.

گاهی فاعل را  
می‌شناسیم.

هر فعلی معمولاً  
فاعلی دارد.

فعل‌ها از جهت فاعل بر دو نوع هستند.

۱- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است ..... نام دارد.

۲- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن نامشخص است ..... نام دارد.

مبني للمجهول

مبني للمعلوم

چگونه و با چه علامت‌هایی می‌توان فعل مجهول را شناخت؟

؟

آیا می‌توانید فعل‌های مجهول را در جمله‌های زیر تشخیص دهید؟

درس داده می‌شود.

معلم درس می‌دهد.

نهالی کاشته شد.

باغبان نهالی کاشت.

کتابی خریده می‌شود.

دانش‌آموز کتابی می‌خرد.

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «معلوم» است؟

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «مجهول» است؟

چه تفاوتی میان فعل‌ها مشاهده می‌کنید؟

در زبان فارسی فعل‌ها را می‌توان با فعل کمکی «شدن» مجهول نمود.



در زبان عربی چگونه می توان فعل ها را مجهول ساخت؟

## روش مجهول نمودن فعل

مضارع

ماضی

عين الفعل را فتحه می دهیم.

عين الفعل را كسره می دهیم.

فقط حرف مضارعه را مضموم می کنیم.

حروف متحرك ماقبل را مضموم می کنیم.

يَخْلُقُ : می آفریند  
يُخْلَقُ : آفریده می شود

خَلَقَ : آفرید  
خُلِقَ : آفریده شد

يَحْتَرِمُ = احترام می کند  
..... = .....

احْتَرِمَ = احترام کرد  
..... = .....

بنابراین:  
با مجهول شدن فعل و حذف فاعل آیا جمله ناقص نمی شود و معنی لطمه نمی خورد؟

دانستیم:  
که فعل مجهول فعلی است که فاعل آن مجهول است و در جمله وجود ندارد.

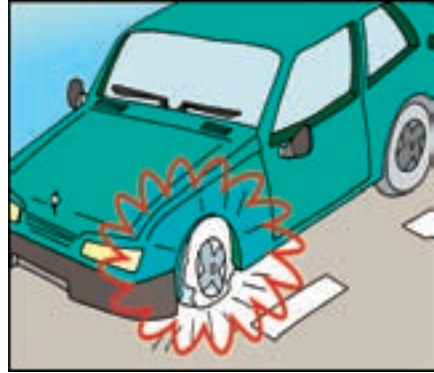


اگر مدیر مدرسه در محل کار خود حاضر نباشد چه کسی به جای او انجام وظیفه می کند؟





اگر خلبان هواپیما به عللی نتواند هواپیما را  
هدایت کند چه کسی جانشین او می شود؟



اگر چرخ اتومبیلی پنجر شود آیا باید اتومبیل  
را رها کرد؟

در جمله مجهول پس از حذف فاعل، باید کلمه دیگری را جانشین آن نمود تا فعل را به آن نسبت دهیم.  
به نظر شما کدام یک از این کلمات جانشین فاعل (نایب فاعل) می شود؟

خبر

مفعول به

مبتدا

بنابراین برای مجهول کردن یک جمله مراحل زیر به ترتیب انجام می شود:

عَرَسَ	الفَلَّاحُ	شَجَرَةً	في الحديقة.	حذف فاعل	۱
فعل	فاعل	مفعول به	جار و مجرور		

فاعل در جمله حذف می شود.

عَرَسَ	الفَلَّاحُ	شَجَرَةً	في الحديقة.	تعیین نایب فاعل	۲
عَرَسَ شَجَرَةً	في الحديقة.				

مفعول به به عنوان نایب فاعل در جای فاعل قرار گرفته مرفوع می شود.

عُرِسَتْ	شَجَرَةً	في الحديقة.	تغییر حرکات و صیغه فعل	۳
فعل مبني للمجهول	نائب فاعل	جار و مجرور		

حرکات فعل متناسب با ماضی و یا مضارع بودن آن تغییر می کند و از نظر مذکر و مؤنث بودن با نایب فاعل مطابقت می کند.

آیا می دانید چرا به **مفعول به** ← **نایب فاعل** گفته می شود؟

به سؤالات پاسخ دهید

۱ بعد از حذف فاعل چه کلمه ای جای آن را می گیرد؟

بعد از حذف فاعل فعل از چه کلمه ای تبعیت می کند؟

۲ چه کلمه ای اعراب فاعل را گرفته مرفوع می شود؟

.....

حال که بعد از حذف فاعل، مفعول به از جهت مکان، اعراب و تبعیت فعل و جنس، احکام فاعل را دارد شایسته است آن را جانشین فاعل یعنی «**نایب فاعل**» بنامیم.

آیا احکام دیگری نیز برای فاعل سراغ دارید؟ آیا انواع فاعل را به یاد می آورید؟

اسم ظاهر **كُتِبَ الدَّرْسُ**.

ضمیر بارز **الأعداءُ قُتِلُوا في الحربِ**.

ضمیر مستتر **الصدیقُ يَعْرِفُ عندَ الشَّدَائِدِ**. (هو)

انواع نایب فاعل

نایب فاعل  
از جهت  
نوع نیز مانند  
فاعل است.

## البوصيرِيّ

وُلِدَ الإمامُ شرفُ الدينِ مُحَمَّدُ البوصيرِيُّ في عام ١٦٠٨ لِلهِجْرَةِ. سَكَنَ البوصيرِيُّ القُدْسَ و مَكَّةَ و المَدِينَةَ و مِصْرَ و افْتَتَحَ في مِصْرَ مَكْتَباً للقرآنِ الكَرِيمِ. كَانِ البوصيرِيُّ فقيهاً و كاتباً و رياضياً و شاعراً و لَكِنَّهُ عُرِفَ في الشُّعْرِ و في مَدْحِ الرَّسُولِ خَاصَّةً. و له قصيدةٌ في ١٨٠ بيتاً<sup>٢</sup> أنشدها حينما كانَ فالجاً فاستشفعَ بِهَا إلى اللهِ لِيعافِيَهُ فَرَأَى في المَنَامِ النَّبِيَّ (ص) يَمْسُحُ على بَدَنِهِ بِيَدِهِ المَبَارَكَةِ ثُمَّ أَلْبَسَهُ بُرْدَةً فعندمَا اسْتَيْقَظَ، شَعَرَ بأنَّهُ قد سَلِمَ مِنْ هَذَا المَرَضِ فحَمِدَ اللهَ على ذلكَ. تُوفِّيَ البوصيرِيُّ في القَاهِرَةِ و هو كانَ في السَّادِسَةِ و الثمانينَ من عُمرِهِ. إليك بَعْضُ أبياتٍ مِنْ قصيدَتِهِ «الْبُرْدَةُ» :

مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الكَوْنَيْنِ و النَّقْلَيْنِ —	نِ و الفَرِيقَيْنِ مِنْ عَرَبٍ و مِنْ عَجَمِ
نَبِيُّنَا الأَمْرُ التَّاهِي فلا أَحَدٌ	أَبْرَ في قَوْلِ «لا» مِنْهُ و لا «نَعَمِ»
هُوَ الحَبِيبُ الَّذِي تُرْجَى شَفَاعَتُهُ	لِكُلِّ هَوَلٍ مِنْ الأَهْوَالِ مُفْتَحِمِ
دَعَا إلى اللهِ فَالْمُسْتَمْسِكُونَ بِهِ	مُسْتَمْسِكُونَ بِحَبْلِ غَيْرِ مُنْفَصِمِ
فَاقِ النَّبِيِّينَ في خَلْقٍ و في خُلُقٍ	و لَمْ يُدَانُوهُ في عِلْمٍ و لا كَرَمِ

١- سِتْمَائَةٌ و ثَمَانِيَةٌ

٢- مائةٌ و ثمانينَ بيتاً

## مَن هو أَحَقُّ بِالْجَنَّةِ؟

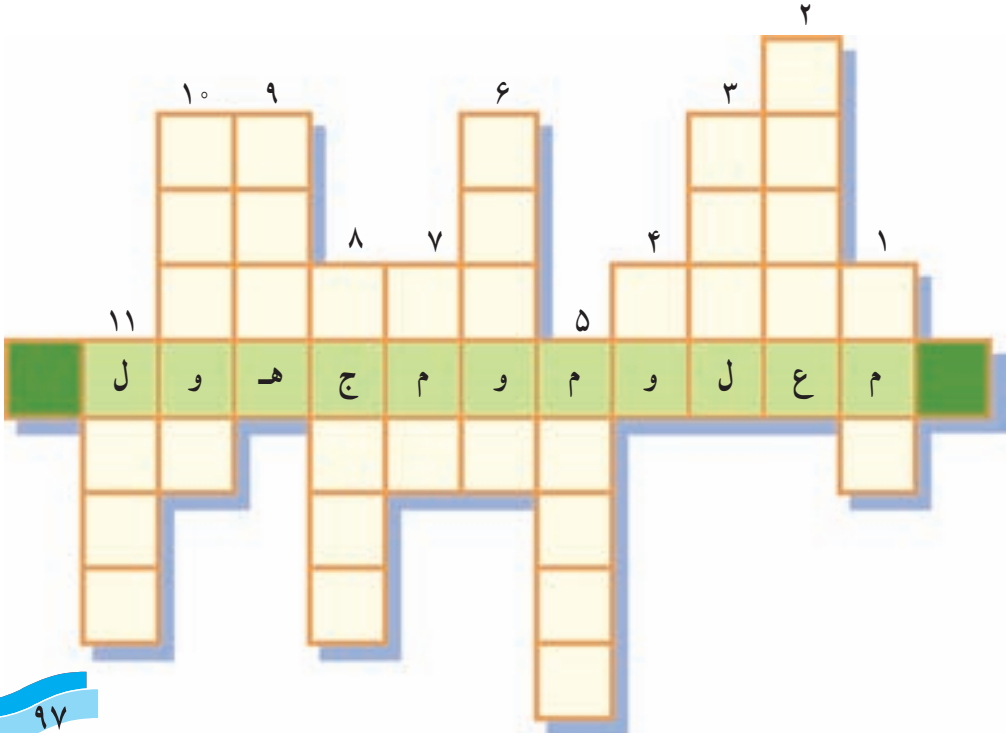
رُويَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) ذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الصُّبْحِ. فَوَجَدَ رَجُلًا يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي. وَعِنْدَمَا عَادَ الرَّسُولُ (ص) لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ وَجَدَ ذَلِكَ الرَّجُلَ مازالَ يَتَعَبَّدُ وَعِنْدَمَا وَجَدَهُ فِي الْمَغْرِبِ يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي أَيْضًا قَالَ لَهُ: إِنَّكَ دَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ! أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنِّي أَتَعَبَّدُ لِكَي يُدْخِلَنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَسَأَلَهُ النَّبِيُّ (ص): مَنْ يَتَكَفَّلُ مَعَاشَ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَخِي! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ أَخَاكَ لِأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- أين كان البوصيريُّ يَسْكُنُ؟
- ٢- ما رَأَى البوصيريُّ فِي الْمَنَامِ؟
- ٣- ماذا وَجَدَ النَّبِيُّ (ص) فِي الْمَسْجِدِ حِينَ عَادَ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ؟
- ٤- ما كان هدْفُ الرَّجُلِ مِنَ الْعِبَادَةِ الْكَثِيرَةِ؟

املاً الفراغات في الجدول:

- ١- حَرَكَةُ الحَرْفِ الأَوَّلِ مِنَ المَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ
- ٢- إعراب نائِبِ الفاعِلِ
- ٣- انْجَامَ دَهْنَدَةَ كَارِ در اصطلاح نحوى
- ٤- ضَمِيرٌ مَنْفَصَلٌ مَرْفُوعٌ لِلْغَائِبِ
- ٥- فَعْلٌ يَحْتَاجُ إِلَى الفاعِلِ وَ المَفْعُولِ بِهِ
- ٦- جَانِشِينَ فاعِلِ مِى شُود.
- ٧- ال... لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ
- ٨- مصدر «جلس» من بابِ إفعال
- ٩- حَرَكَةُ عَيْنِ الفَعْلِ فِي المَضَارِعِ المَجْهُولِ
- ١٠- إعرابُ المَفْعُولِ بِهِ
- ١١- فَعْلٌ يَحْتَاجُ إِلَى الفاعِلِ فَقَطْ



مجموعه‌ای که همه کلمات آن از جهت اعراب شرایط نایب فاعل را دارند بیابید و در

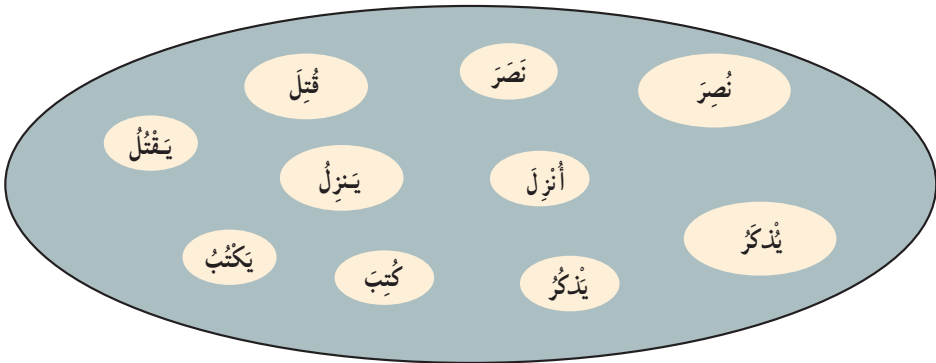
ردیف پایین بنویسید.

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)
المؤمنينَ	المؤمنونَ	المؤمنونَ	المؤمنونَ
أخوكَ	اللَّهُ	الأعمالُ	اللَّهُ
الصالحينَ	الشهداءُ	الصالحينَ	الكتابُ
أبيكمَ	الصيامُ	القرآنُ	الصالحاتُ
الشهداءُ	القرآنُ	الصيامُ	أباكَ

۱- المؤمنونَ ۲- ..... ۳- ..... ۴- ..... ۵- .....

اکنون برای هر یک از نایب فاعل‌های فوق فعل مجهول مناسبی از میان فعل‌های زیر

بیابید و در جاهای خالی جملات زیر قرار دهید :



۱- نُصِرَ المؤمنونَ بِبَدْرِ.

۲- ..... في الدعاء.

۳- ..... في سبيلِ الله.

۴- ..... عليكم.

۵- ..... على النبي.



غَيَّرَ أفعالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ إِلَى الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ مُسْتَعِيناً بِالصُّورِ:



١- تُرْسِدُ الْمُعَلِّمَةُ التَّلْمِيذَاتِ.

.....



٢- يَقْرَأُ الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ صَبَاحٍ.

.....



٣- نَصَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ.

.....

غَيَّرَ أَفْعَالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ إِلَى الْمَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ مُسْتَعِينًا بِالصُّوَرِ :

١- ... ..

كُتِبَ الدَّرْسُ.



٢- ... ..

يُحْصَدُ الرَّعْغُ.

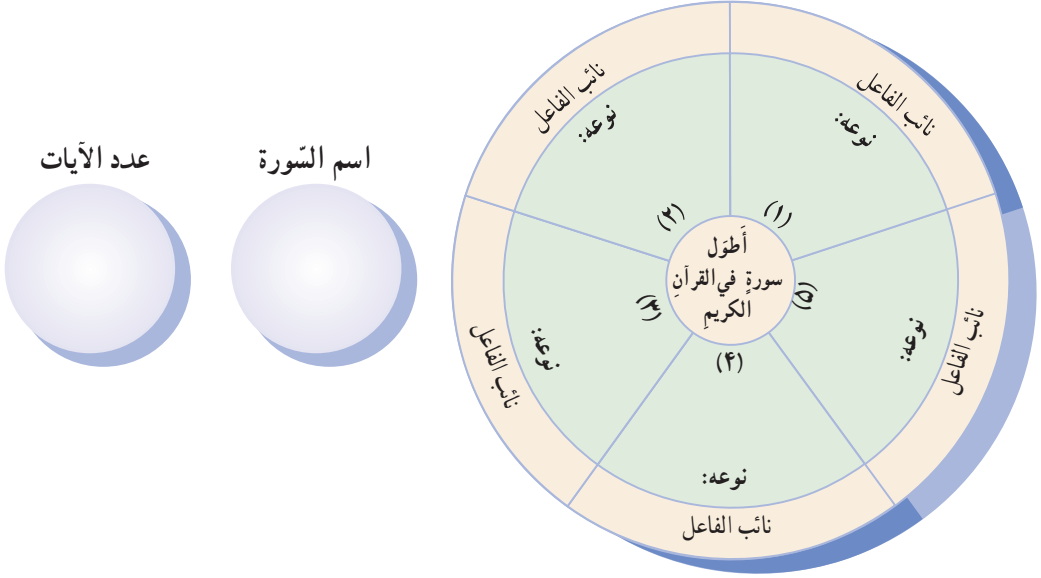


٣- ... ..

سُمِعَ صَوْتُ الْجَرَسِ.



أَكْمِلِ الدَّوَائِرَ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبِ اسْمَ السُّورَةِ وَ عِدَدَ آيَاتِهَا:



- ١- ﴿ قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُفَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا ﴾
- ٢- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ﴾
- ٣- ﴿ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا ﴾
- ٤- ﴿ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴾
- ٥- ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾

- در ترجمه افعال مجهول از صیغه‌های «شدن» استفاده می‌کنیم :
- أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) : قرآن بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.
- نایب فاعل همانند فاعل اگر مفرد باشد، فعل آن را به صورت مفرد و اگر مثنی یا جمع باشد فعل را به صورت جمع ترجمه می‌کنیم :
- أُكْرِمَ الضَّيْفُ : مهمان مورد اکرام واقع شد.
- أُكْرِمَ الضَّيْفَانِ : دو مهمان مورد اکرام واقع شدند.
- أُكْرِمَ الضُّيُوفُ : مهمانان مورد اکرام واقع شدند.
- صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:
- ۱- تُصَدَّرُ بَعْضُ الْمُنْتَجَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ.
- برخی از فرآورده‌های ایرانی را به خارج کشور صادر می‌کنند.
- ۲- ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾
- و چون قرآن می‌خوانند به آن گوش سپاریم و خاموش باشیم شاید که مورد رحمت قرار گیریم.
- ۳- تُنَزَّلُ عَلَيْنَا النُّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ.
- نعمت‌های آسمانی بر ما نازل شد.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

\* مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ.

\* تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

\* كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

\* السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ انْحَدَعَ لِهَوَاهُ.

سَلَّ: برکشید	الْبَغْيِ: تجاوز	الْمَرْءِ: انسان
مَخْبُوءٌ: پنهان	وَعَاءٌ: ظرف	وُعِظَ: بند گرفت
الشَّقِيُّ: بدبخت	انْحَدَعَ: فریب خورد	

۱- کدام آیه مفهوم معاد را تأکید می‌کند؟

﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ (الإسراء / ۸۰)

﴿وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ (القصص / ۳۹)

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ﴾ (المطففين / ۳۳)

۲- در کدام آیه فعل مجهول به کار نرفته است؟

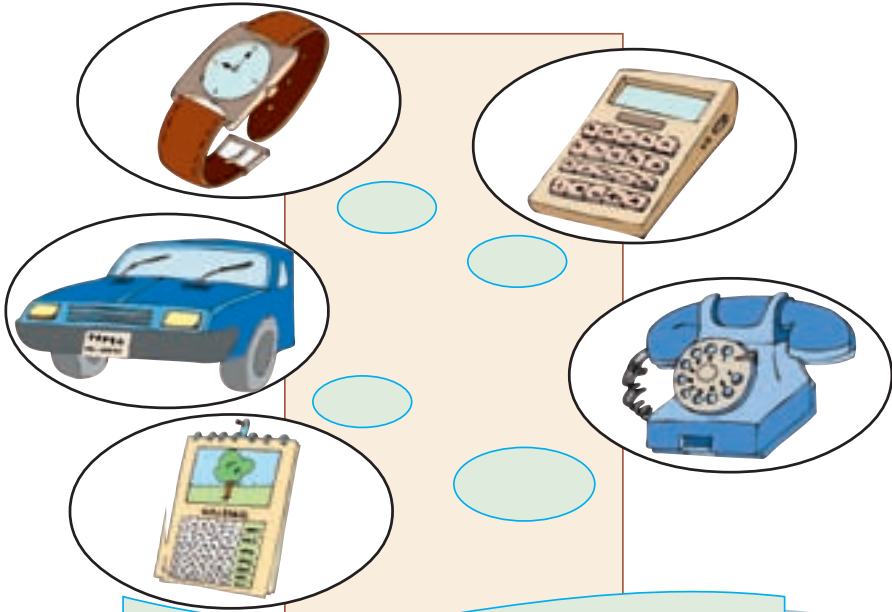
﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (الأعراف / ۳)

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكعبةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (المائدة / ۹۷)

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۳۲)

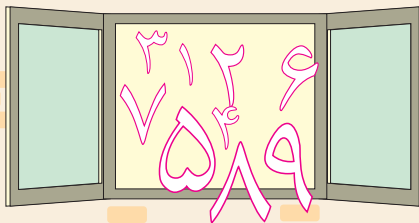
# الدّرس التّاسع

## العدد



هر کدام از این وسیله‌ها برای چه منظوری به کار می‌روند و با چه چیزی سروکار دارند؟

پیشرفت انسان روز به روز بر اهمیت اعداد در زندگی افزوده است. آیا امروزه زندگی، بدون تأثیر شگفت اعداد امکان‌پذیر است؟ شاید با کمی تأمل شما نیز بتوانید چند کاربرد مهم اعداد را نام ببرید.



بیاید نگاهی به دنیای اعداد بیاندازیم.

آیا نام اعداد را در زبان عربی می دانید؟ کار مشکلی نیست.

برای آشنایی بیشتر با عدد به جدول زیر توجه کنید.

عدد	واحد	اِثْنَانِ	ثَلَاثَة	أَرْبَعَة	خَمْسَة	سِتَّة	سَبْعَة	ثَمَانِيَة	تِسْعَة	عَشْرَة
هم	أحد	مِثْنِي	ثُلث	رُبْع	خَامِس	سَادِس	أُسْبُوع	ثَامِن	تَاسِع	أَعْشَار
خانواده	مُوَحَّد	ثَانِيًا	مِثْلث	مُرْبِع	خُمْس	مُسَدَّس	سَابِع	مِثْمَن	تَاسِعَاء	عَاشُورَاء
شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

از آنجا که مذکر و مؤنث بودن در زبان عربی کاربردی فراگیر و گسترده دارد، اعداد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دو صورت مذکر و مؤنث به کار می روند.

بعد از آشنایی مختصر با عدد اکنون به معرفی اعداد «۱ تا ۱۲» می پردازیم.

ج

۱۱ و ۱۲		
عدد	مذکر	مؤنث
۱۱	أَحَدَ عَشَرَ	إِحْدَى عَشْرَةَ
۱۲	اثْنَا عَشَرَ	إِثْنَا عَشْرَةَ
	إِثْنِي عَشَرَ	إِثْنَتِي عَشْرَةَ

ب

۳ تا ۱۰		
عدد	مذکر	مؤنث
۳	ثَلَاث	ثَلَاثَة
۴	أَرْبَع	أَرْبَعَة
۵	خَمْس	خَمْسَة
۶	سِت	سِتَّة
۷	سَبْع	سَبْعَة
۸	ثَمَانِي	ثَمَانِيَة
۹	تِسْع	تِسْعَة
۱۰	عَشْر	عَشْرَة

الف

۱ و ۲		
عدد	مذکر	مؤنث
۱	وَاحِد	وَاحِدَة
۲	اِثْنَان	اِثْنَانِ
	اِثْنَيْنِ	اِثْنَتَيْنِ

آیا اعداد دو  
ردیف «الف»  
و «ب» را با  
هم مقایسه  
کردید؟

- در کدام ردیف اعداد به صورت یک جزء به کار رفته اند؟
- کدام اعداد از دو جزء تشکیل شده اند؟

مفرد به اعداد ۱ تا ۱۰ که از یک جزء ساخته شده اند عدد ... گویند.

مرکب

مفرد به اعداد ۱۱ و ۱۲ که از دو جزء تشکیل شده اند عدد ... گویند.

مرکب

آیا در زبان فارسی نیز اعداد مفرد و مرکب داریم؟

برای پاسخ، خوب است به اعداد ۱ تا ۱۲ زبان فارسی نیز نگاهی بیافکنیم.

یک دو سه چهار پنج شش هفت هشت نه ده  
بازده دوازده ....

چه نکته‌ای را دریافتید؟

بخوانید  
و پاسخ  
دهید.

«یک ... دوازده ... دارد و هر ماه از سی ... تشکیل شده است.»

- آیا عبارت فوق عبارت کاملی است؟
- آیا اعداد به تنهایی معنای کاملی دارند؟
- اکنون عبارت را با کلمات مناسب کامل کنید.
- با اعداد «یک، دوازده و سی» چه چیزی را شمرده‌اید؟

به کلماتی که شمرده می‌شوند «معدود» گفته می‌شود.  
معدود بر وزن «مفعول» به معنای «شمرده شده» است.



﴿وَالِهَكُمُ إِلَهٌ وَاحِدًا﴾

﴿لَاتَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ﴾<sup>۱</sup>

﴿قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ﴾<sup>۲</sup>

﴿فَقَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾<sup>۳</sup>

﴿يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ﴾<sup>۴</sup>

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾<sup>۵</sup>

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ﴾<sup>۶</sup>

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾<sup>۷</sup>

﴿فَكَفَّرْتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ﴾<sup>۸</sup>

﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا﴾<sup>۹</sup>

در قرآن کریم نیز از اعداد بسیار استفاده شده است. بعد از قرائت آیات شریفه، عدد و معدود به کار رفته در آنها را مشخص کنید.

۱- معبودتان یک خدا است. (البقرة / ۱۶۳)

۲- دو معبود برای خود برگزینید. (التحل / ۵۱)

۳- گفت: نشانه تو این است که سه روز با مردم سخن نگویی. (آل عمران / ۴۱)

۴- چهار ماه در زمین بگردید. (التوبة / ۲)

۵- خدایان با پنج هزار فرشته شما را یاری می‌کند. (آل عمران / ۱۲۵)

۶- او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. (هود / ۷)

۷- هفت شب و هشت روز طوفان را بر آنان مسلط ساخت. (الحاقة / ۷)

۸- حقیقتاً نه نشانه آشکار به موسی بخشیدیم. (الإسراء / ۱۰۱)

۹- پس کفارة آن، اطعام ده مسکین است. (المائدة / ۸۹)

۱۰- من یازده ستاره را دیدم. (یوسف / ۴)

## جدول کاربرد اعداد ۱ تا ۱۰ با معدود مذکر و معدود مؤنث

<p>قَرَأْتُ مَجَلَّةً وَاحِدَةً.</p>	<p>قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا.</p>	<p>هر اسم مفردی بر «یک» بودن دلالت می‌کند و هر مثنایی بر «دو» بودن دلالت دارد.</p> <p>لذا این دو عدد «یک و دو» را می‌توان پس از اسم مفرد یا مثنی برای تأکید کردن آورد.</p>	<p>۱ و ۲</p>	
<p>هَاتَانِ مَجَلَّتَانِ اِنْتَانِ. قَرَأْتُ مَجَلَّتَيْنِ اِنْتَيْنِ.</p>	<p>هَذَانِ كِتَابَانِ اِنْتَانِ. قَرَأْتُ كِتَابَيْنِ اِنْتَيْنِ.</p>			
<p>کاربرد عدد با معدود مؤنث</p>	<p>کاربرد عدد با معدود مذکر</p>	<p>شرایط معدود</p>	<p>شرایط عدد</p>	
<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ خَمْسَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سِتَّ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سَبْعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ تِسْعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ عَشْرَ مَجَلَّاتٍ.</p>	<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سِتَّةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ تِسْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ عَشْرَةَ كُتُبٍ.</p>	<p>جمع و مجرور</p>	<p>اما اعداد از سه تا ده همراه معدود به کار می‌روند.</p> <p>این اعداد بر عکس معدود خود به کار می‌روند. یعنی برای معدود مذکر با «تاء» و برای معدود مؤنث بدون «تاء» استفاده می‌شوند.</p> <p>نقش: متناسب با نیاز جمله</p>	<p>۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰</p>

## جدول کاربرد اعداد ۱۱ و ۱۲ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَجْلَةً.	قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: أَحَدَ عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِحْدَى عَشْرَةَ (هر دو جزء مبنی بر فتح)
هُنَا اثْنَتَا عَشْرَةَ مَجْلَةً. قَرَأْتُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَجْلَةً.	هُنَا اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا. قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: [اثْنَا عَشَرَ [اِثْنَيْ عَشَرَ برای معدود مؤنث: [اثْنَتَا عَشْرَةَ [اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ (جزء دوم مبنی بر فتح)

## وظیفه اعداد در ساختار جمله چیست و چه سهمی در ساختن آن دارند؟

؟

آیا

نقش و اعراب نگرفته و سهمی در ساختن جمله ندارند؟

یا

به عنوان عضوی از اعضای جمله نقش پذیرفته و انجام وظیفه می کنند؟

برای یافتن پاسخ بعد از مقایسه این عبارات با قضاوت کنید.

سَلَّمْتُ عَلَى الطَّلَابِ.

رَأَيْتُ الطَّلَابَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ الطَّلَابُ مِنَ الْبَيْتِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَرْبَعَةِ طُلَّابٍ.

رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ طُلَّابٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ مِنَ الْبَيْتِ.

چه نتیجه‌ای

گرفتید؟

عدد نیز به عنوان عضوی از اعضای جمله  
نقش پذیرفته و انجام وظیفه می‌کند.

## اعراب عدد

از جهت اعراب تابع ماقبل خود است :  
هذا قلمٌ **واحدٌ** . قرأتٌ **مجلتین** **اثنین** .

۱ و ۲

متناسب نیاز جمله نقش می‌گیرد و می‌تواند مرفوع یا منصوب و یا مجرور شود. مانند :  
حَضَرَ **ثلاثة** مُعَلِّمِينَ و **ثلاث** مُعَلِّمَاتٍ .  
رَأَيْتُ **ثلاثة** مُعَلِّمِينَ و **ثلاث** مُعَلِّمَاتٍ .

۳ تا

۱۰

متناسب نیاز جمله نقش پذیرفته اما هر دو جزء آن مبنی بر فتح است لذا اعراب آن در هر سه حالت محلی است.  
حَضَرَ **أحد عشر** فلاحاً . رَأَيْتُ **أحد عشر** فلاحاً . سَلَّمْتُ عَلَى **أحد عشر** فلاحاً .

۱۱

متناسب با نیاز جمله نقش می‌پذیرد. اما جزء اول «عرب» و جزء دوم مبنی بر فتح است.  
جاء **اثناعشر** طالباً . رأيت **اثنی عشر** طالباً . سلمت على **اثنی عشر** معلماً و **اثنی عشر** معلمةً .

۱۲

## هل تعلم...

- أن نوعاً من الكنغر يُقدِرُ أن يَفْزَرَ إلى الأعلى أكثرَ من ثلاثة أمتارٍ وأكثرَ من اثني عشرَ متراً إلى الأمام، وذلك في قفزةٍ واحدةٍ؟!
- أن قلبَ الإنسانِ إلى نهايةِ عُمره يَضُحُّ مِنَ الدَّمِ ما يُعَادِلُ مِلاً أكثرَ من عَشْرِ ناقلاتٍ نَفْطٍ كبيرةٍ، حَجْمُ كُلِّ مِنْهَا مليونُ برميلٍ؟!
- أن القِطَّةَ تَرى في الظَّلامِ أَفْضَلَ مِنَ الإنسانِ بِسَبْعِ مَرَّاتٍ والسَّبَبُ يَعُودُ إلى تَوْسِعِ الحَدَقَتَيْنِ عِنْدَ وُصُولِ الضَّوئِ وتأثيرِ الخَلايا الموجودةِ في عُيُونِ القِطَّةِ التي تَعْمَلُ كِمِرْآةٍ تَعكِسُ الأضواءَ.

أكمل كل جملة بانتخاب عددٍ أو مغلودٍ مناسبٍ:

في البيتِ خمسةٌ ...

مصايح

مصايح

مصايح

لكل فصلٍ ... أشهرٍ.

ثلاثة

ثلاث

ثلاثة

رأيتُ في الموقفِ ... سيارةً.

اثني عشر

اثني عشر

اثنا عشر

نتعلمُ في المدرسةِ لعتينٍ ...

اثنتين

اثنتان

اثنين

أهديتُ ... كتاباً إلى مكتبةِ المدرسةِ.

اثني عشر

اثنا عشر

اثني عشر

في الحديقةِ ... شجرةً.

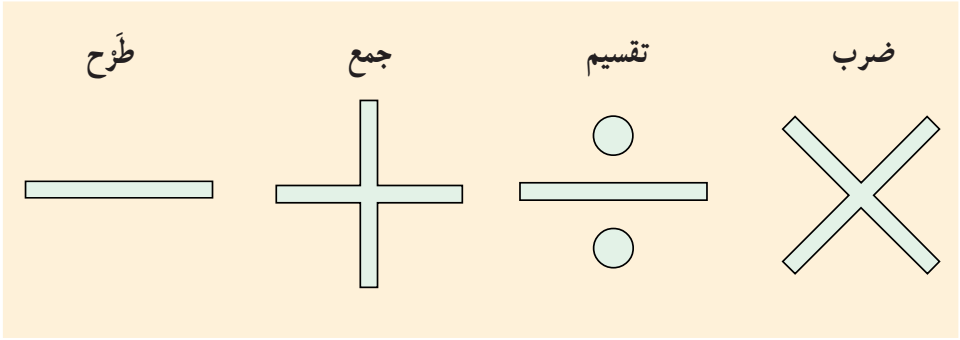
إحدى عشر

إحدى عشر

أحد عشر

اقرأ المسائل ثم أجب عن الأسئلة:

مسائل في الرياضيات



١- لأختي مجلّتان ثم منحتها أربع مجلاتٍ أخرى. كم مجلّةً عندها الآن؟  
الجواب: عندها .....

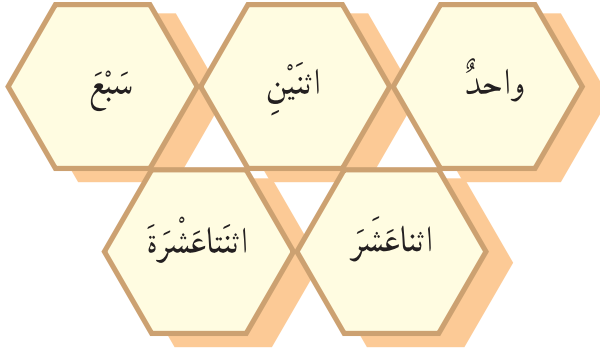
٢- كان في السيّارة عشرة رُكّابٍ ثم نزل خمسةٌ منهم في الموقف. كم راكباً في السيّارة؟  
الجواب: في السيّارة ....

٣- هؤلاء ثلاثة طلابٍ. لكل واحدٍ منهم ثلاثة كتبٍ. كم كتاباً عندهم؟  
الجواب: عندهم ....

٤- لنا اثنتا عشرة تفاحةً، قسمها على ستة أشخاصٍ. كم تفاحةً لكل واحدٍ منهم؟  
الجواب: لكل واحدٍ منهم .....

## التمرين الثالث

انتخب للفراغ عدداً مناسباً:



- ١- ﴿فَلَمَّا أَضْرَبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ ... عَيْنًا﴾ (البقرة / ٦٠)
- ٢- ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ ... سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ (نوح / ١٥)
- ٣- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ ... إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ ...﴾ (النحل / ٥١)
- ٤- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ ... شَهْرًا﴾ (التوبة / ٣٦)



## التمرين الرابع

أكمل الفراغ بالعدد المناسب:

### كرة السلة

- تدور مباراة كرة السلة بين فريقين ...  
ويتألف كل فريق من ... لاعبين.  
يُشرف على المباراة حكم ...  
ويُساعدُه حكمان ...
- (اثنتان، اثنتين، اثنيْن)  
(خمس، خمسة، خمسة)  
(واحد، واحدة، واحد)  
(اثنتان، اثنتين، اثنان)



أَكْمِلِ الْفَرَاغَ بِالْمَعْدُودِ الْمُنَاسِبِ:

### مُبَارَاةٌ رِيَاضِيَّةٌ

«أَجْرِيَتْ خِلَالَ . . . . وَاحِدَةٍ،	«عَامٍ، سَنَةٍ، سَنَةً»
خَمْسٍ . . . . رِيَاضِيَّةٍ فِي مَدْرَسَتِنَا»	«مَسَابِقَاتٍ، مَسَابِقَةٍ، مَسَابِقَتَانِ»
«اشْتَرَكْتُ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْ أَحَدٍ عَشَرَ . . . .»	«فَرِيقَانِ، فَرِيقًا، فَرِيقٌ»
«فِي كُلِّ فَرِيقٍ سَبْعَةٌ . . . .»	«لَاعِبًا، لَاعِبَاتٍ، لَاعِبِينَ»
«وَحَصَّصَ الْمَدِيرُ . . . . اثْنَتَيْنِ لِلْفَائِزَيْنِ	«جَائِزَةً، جَائِزَتَيْنِ، جَوَائِزَ»
فِي . . . . وَاحِدَةٍ»	«لُعْبَةٍ، أَلْعَابٍ، لُعْبَتَانِ»

### الْتَمَرِينُ الْفَامِسُ

مَيِّزِ الصَّحِيحَ مِنَ الْخَطِّ ثُمَّ اكْتُبْهُ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ:

صحيح خطأ الشكل الصحيح

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

١- قَرَأْتُ حُطْبَةً وَاحِدَةً مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.

٢- حَفِظْنَا جُزْأَيْنِ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.

٣- أُسْتُشْهِدَ فِي سَاحَةِ الْجِهَادِ اثْنَا عَشَرَ مُجَاهِدًا.

٤- فِي مَكْتَبَتِي أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ مَجَلَّاتٍ.

٥- فِي الْمَسْبَحِ اثْنِي عَشَرَ سَابِحًا.

## آمادگی برای امتحان

للتعريب:

- سه ماه دیگر امتحانات شروع می شود.
- بله، می دانم.
- آیا شما برای امتحان آماده ای؟
- بله، من هر روز چهار ساعت درس می خوانم.
- بسیار خوب، چند ساعت عربی می خوانی؟
- یک ساعت عربی می خوانم.
- زبان عربی از درس های مهم است.
- ما همیشه به این زبان نیاز داریم.
- بله، زبان عربی زبان دین و فرهنگ ماست<sup>۱</sup>.

---

۱- آمادگی: الاستعداد - سه ماه دیگر: بعد ثلاثة أشهر - آماده: مستعد - درس می خوانم: أدرُس - چند ساعت: كم ساعة - همیشه: دائماً - نیاز داریم به: نحن بحاجة إلى ... - فرهنگ: ثقافة

– در زبان فارسی معدود فقط یک حالت دارد و آن مفرد است لذا معدود عربی به هر شکل باشد به صورت مفرد ترجمه می شود :

خمسهُ كُتِبَ : پنج کتاب اِثْنَتَا عَشْرَةَ تَلْمِيذَةً : دوازده دانش آموز  
– اعداد ترتیبی در زبان عربی عبارتند از : اَوَّل، ثانی ... عاشر، حادی عَشْرَ،  
ثانی عَشْرَ، ... :

قرأت الصفحة الثانية من الدرس الثالث : صفحه دوم از درس سوم را خواندم.

### للترجمة

- ۱- في مَدْرَسَتِنَا أَكْثَرَ مِنْ إِحْدَى عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً.
- ۲- أُسْتُشْهِدَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ (ع) فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ.
- ۳- دُفِنَ أَرْبَعُهُ أَتَمَّةٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) فِي الْبَقِيعِ.

اقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

- \* الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ : عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ.
- \* النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رِعَاعٌ ...  
يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ.

ريح: باد، نسيم

دعائم: ج دعامة، ستون

همَّجٌ رِعَاعٌ: انسان‌های بی مایه و اختیار

الف) کدام مفهوم به آیات زیر نزدیک تر است؟

۱- ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ  
رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (يوسف / ۴)

- الف) عزت یافتن حضرت یوسف
- ب) سجده ستارگان

۲- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ (التوبة / ۳۶)

- الف) وجود نظم در جهان آفرینش
- ب) مشخص کردن ماه‌های قمری

۳- ﴿وَأَمَّا عَادُ فَاهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ. سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ  
أَيَّامٍ﴾ (الحاقة / ۶ و ۷)

- الف) همواره بادهای سرد و سخت هفت شبانه روز می‌وزند.
- ب) نافرمانی قوم عاد از فرامین الهی موجب نزول عذاب بر آنها گردید.
- ب) عدد مناسب را در جای خالی آیات زیر قرار دهید:

۱- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى... آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾ (الاسراء / ۱۰۱)

تسَع

تسعة

۲- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي... أَيَّامٍ﴾

سَتَّ

سِنَّةٍ

(الأعراف/ ۵۴)

## الدَّرْس العَاشِر

### الأفعال الناقصة

آیا برای شما پیش آمده که به قصد حرکت آماده خروج از منزل باشید؟



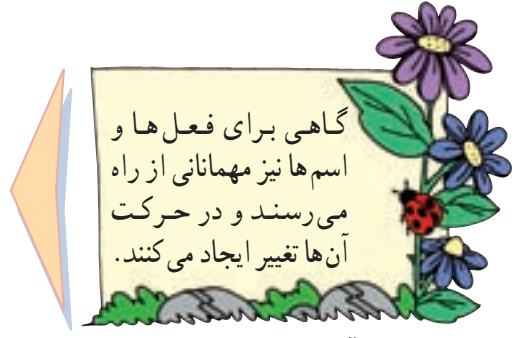
اگر ناگهان مهمانانی از راه دور برسند  
چه خواهید کرد؟

- آیا بدون توجه به مهمانان، به حرکت خود جهت خروج از منزل ادامه می دهید؟
- یا با آمدن مهمان، برنامه حرکت خود را تغییر می دهید؟

أَنْ يَذْهَبَ  
لَمْ يَجْلِسْ  
فِي الْمَدْرَسَةِ

أَنْ + يَذْهَبُ  
لَمْ + يَجْلِسُ  
فِي + الْمَدْرَسَةُ

يَذْهَبُ  
يَجْلِسُ  
الْمَدْرَسَةُ



گاهی برای فعل ها و اسم ها نیز مهمانانی از راه می رسند و در حرکت آن ها تغییر ایجاد می کنند.

○ آیا مهمانان را شناختید؟

○ أَنْ، لَمْ و فِي از چه نوع حروفی هستند؟

○ با آمدن این کلمات علاوه بر تغییر در معنی، چه تغییری در اعراب کلمه ایجاد شده است؟

آیا فقط برای فعل ها و اسم ها مهمان می آید یا شامل حال جملات نیز می شود؟

كَانَ الْجَوُّ بَارِدًا.  
«دیروز»



كَانَ + الْجَوُّ بَارِدًا.



الْجَوُّ بَارِدٌ.  
«در حال حاضر»

توجه کنید

برای جملات نیز گاهی مجبوریم مهمان دعوت کنیم. مثلاً اگر بخواهیم آن را به گذشته تبدیل کنیم، ناچار فعل «کان» را به کار می بریم؛ مانند مثال های فوق. این مهمان علاوه بر تأثیر در معنی، اعراب کلمه را نیز تغییر می دهد.

○ حتماً مهمان را در جمله بالا شناخته اید.

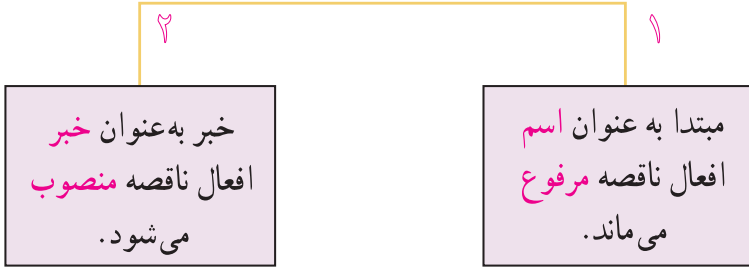
○ این مهمان بر سر چه نوع جمله ای آمده است اسمیه یا فعلیه؟

○ نقش دو کلمه «الجوّ» و «بارد» چیست؟

○ با آمدن «کان» در کدام یک تغییر ایجاد شده است؟ مبتدا یا خبر؟

## کان

از افعال ناقصه است که چون بر سر مبتدا و خبر وارد شود :



آیا می دانید اسم افعال ناقصه از جهت احکام و اعراب (قرار گرفتن بعد از فعل)، با کدام یک از موارد زیر شباهت دارد؟

خبر

مبتدا

مفعول

فاعل

ليس المؤمنُ مُعتدياً.

اسم ظاهر

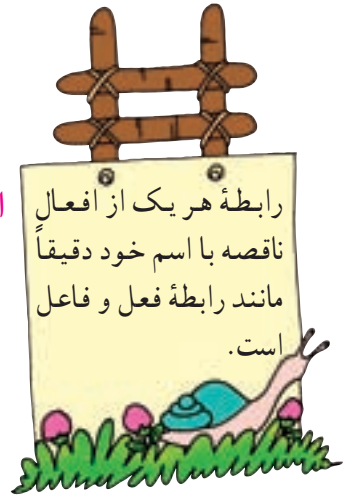
كنتُ نشيطاً في الدرسِ.

ضمير بارز

اسم افعال  
ناقصه

كُنْ أَنتَ صادقاً في عملِكَ.

ضمير مستتر



هرگاه مبتدا ضمیر منفصل باشد، برای این که اسم افعال ناقصه قرار گیرد، باید فعل را متناسب با آن صیغه آورد.

نکته

هُم نَاجِحُونَ. ← أَصْبَحُوا نَاجِحِينَ.

أَنْتَنَ نَاجِحَاتٌ. ← أَصْبَحْتُنَّ نَاجِحَاتٍ.

## انواع خبر افعال ناقصه

كَانَ الْفَلَّاحُ وَاقِفًا.

مفرد

كَانَ الْفَلَّاحُ يَزْرَعُ الْأَرْضَ.

جمله

كَانَ الْفَلَّاحُ فِي الْمَرْعَةِ.

شبه جمله

به فعل های این جملات توجه کنید:

أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِدًا.      أَصْبَحَ التَّلْمِيزَانِ نَاجِحِينَ.  
لَيْسَ الطَّالِبُ حَاضِرًا.      لَيْسَتِ الطَّالِبَاتُ مُتَكَاسِلَاتٍ.  
صَارَتِ الْأَرْضُ خَضْرَاءَ.      صَارَ الْمَسْلُومُونَ مُتَقَدِّمِينَ فِي الْعَالَمِ.

مهمترین فعل هایی که مانند «کان» عمل می کنند و آن ها را «أَخَوَاتِ كَان» می نامند عبارتند از:

«صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مَازَالَ»



## تَضْحِيَةِ الْأُمِّ

كَانَتْ أُمِّي تَشْتَغَلُ بِحِيَائَةِ الْمَلَابِسِ وَتَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ لِتَحْصُلَ عَلَى التَّقْوَدِ اللَّازِمَةِ  
لِشِرَاءِ حَاجَاتِ الْبَيْتِ وَكَانَتْ تُتْعَبُ نَفْسَهَا فِي الْعَمَلِ لَيْلاً وَنَهَاراً.  
سَأَلْتُ وَالِدَتِي :

لِمَاذَا تُتْعِبِينَ نَفْسَكَ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يَا أُمِّي!  
فَقَالَتْ :

إِنَّ الْعَمَلَ شَيْءٌ حَسَنٌ، وَأَنَا أَعْمَلُ كَثِيراً حَتَّى أَوْفَرَ الطَّعَامَ وَالْمَلَابِسَ وَاللُّوْازِمَ  
الْمَدْرَسِيَّةَ.

وَكَانَتْ تَطْلُبُ مِنِّي دَائِماً أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَأَعْمَلَ بِوَأَجِبَاتِي الْمَدْرَسِيَّةَ وَكَانَتْ  
تَقُومُ هِيَ بِتَحْضِيرِ الطَّعَامِ وَإِدَارَةِ الْبَيْتِ وَفِي اللَّيَالِي تَسْهَرُ وَتَعْمَلُ مِنْ أَجْلِ رَاحَتِي.  
وَ كُنْتُ أَشَاهِدُ مِقْدَارَ الْجُهْدِ الَّذِي تَبْذُلُهُ لِكَيْ تُوفِّرَ لِي السَّعَادَةَ وَالْحَيَاةَ الْكَرِيمَةَ.  
يَا لَهَا مِنْ أُمَّ حَنُونٍ!  
وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَنِي لِخِدْمَتِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

## اللِّسَانُ

كَانَ لَقْمَانُ تَلْمِيذاً فِي صِغَرِهِ عِنْدَ أَحَدِ الْأَطْبَاءِ فَأَرْسَلَ الْأَسْتَاذُ تَلْمِيذَهُ إِلَى السُّوقِ  
وَ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ أَجُودَ قِطْعَةٍ مِنْ دَبِيحَةٍ فَذَهَبَ وَ رَجَعَ وَ مَعَهُ لِسَانُ  
خُرُوفٍ.

و في اليوم الثاني

أرسله إلى السوق و طلب منه أن يشتري أردأ قطعة من الذبيحة. فذهب و رجع  
و معه لسان خروف أيضاً. فتعجب الأستاذ من عمل تلميذه.  
فقال: ما وجدت في جسم الذبيحة قطعة أجود و أردأ من اللسان، فاللسان  
الكاذب التمام يؤذي الناس و يغضب الله و اللسان الصادق المصلح ينفع الناس و  
يرضي الله.

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- ماذا طلب الأستاذ من لقمان حين أرسله إلى السوق؟
- ٢- من تعجب من عمل لقمان؟
- ٣- ما هو أجود و أردأ قطعة من الذبيحة حسب رأي لقمان؟

## التمرين الأول

إِتَّخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ:

(١) الف) كَانَ التَّلْمِيذُ يُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

ب) التَّلْمِيذُ كَانَ تُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

(٢) الف) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُغْرِدُ.

ب) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُغْرِدُ.

(٣) الف) مَازَالَ الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.

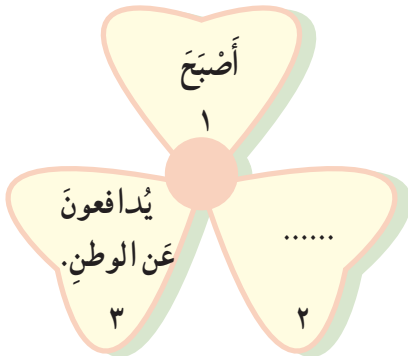
ب) مَازَالُوا الطُّلَّابُ يَدْرُسَانِ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.

(٤) الف) الْعَذْرُ لَيْسَتْ صِفَةً مَحْمُودَةً.

ب) لَيْسَ الْعَذْرُ صِفَةً مَحْمُودَةً.

## التمرين الثاني

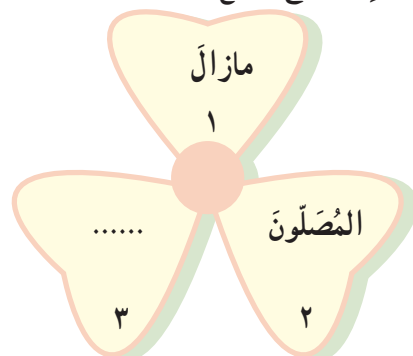
أَكْمِلِ الْفَرَاغَ لِتَصْنَعَ جُمْلًا مَفِيدَةً:



٢- المُجَاهِدَانِ

١- المُجَاهِدِينَ

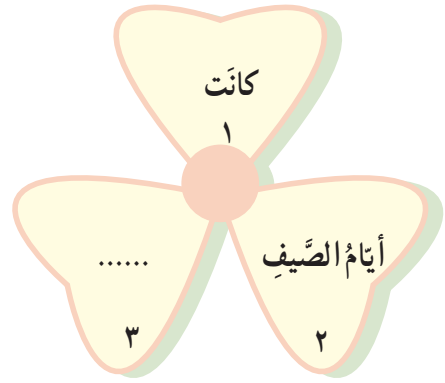
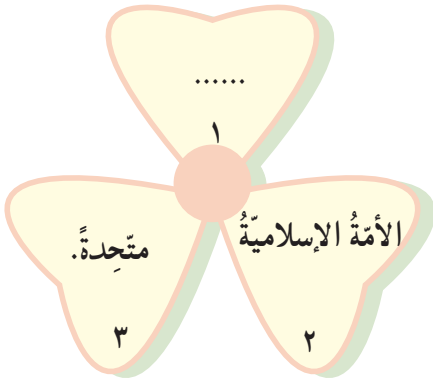
٣- المُجَاهِدُونَ



١- فِي الْمَسْجِدِ

٢- حَاضِرُونَ فِي الْمَسْجِدِ

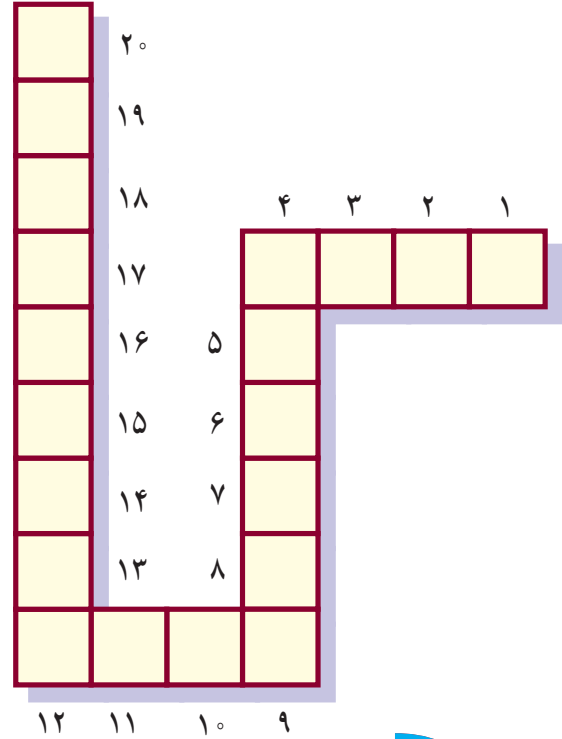
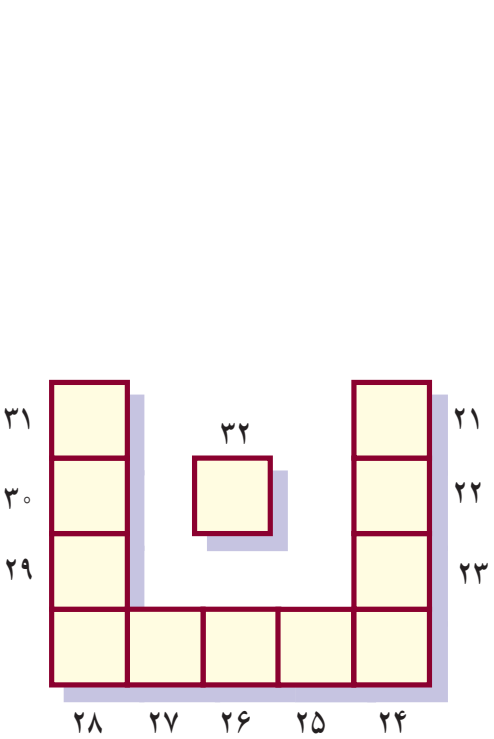
٣- تَجَلِّسُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ



١- حازاً ٢- حازة ٣- حازة ١- صارت ٢- ماذمت ٣- أصبّحوا

## التدريب الثالث

املا الجدول التالي حسب ما جاء في الصفحة التالية:



- ١ و ٢ = فعل «كُنْتُ» دونَ الضمير
- ٣ إلى ٨ = اسم الفاعل من «ظلم» معرّفاً بـ «ال» و مجروراً بـ «لِ»
- ٩ إلى ١٢ = صفة مشبّهة من «خصومة» على وزن فَعْلٍ منصوباً
- ١٣ = حرفُ «ربط» مشترك بينَ الفارسيّةِ والعربيّةِ.
- ١٤ إلى ٢٠ = اسم المفعول من «ظلم» معرّفاً بـ «ال» و مجروراً بـ «لِ»
- ٢١ إلى ٢٤ = الحروف الأصلية لكلمة «تعاون» منصوبة
- ٢٥ إلى ٢٨ = المفرد من «أئمة»
- ٢٩ إلى ٣١ = فاتح «خَيْر»
- ٣٢ = مختصر (عليه السلام)
- ترجمة الجدول : دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باش!

## التدريب الرابع

اُكْتُبْ إعرابَ الكلماتِ التي أُشيرَ إليها بخطّينِ و التحليلَ الصَّرْفِيَّ للكلماتِ التي أُشيرَ إليها بخطّ

واحدٍ:

- ١- تُصْبِحُ الرَّهْرَهُ نَمْرَةً فِي الرَّبِيعِ.
- ٢- كَانَ الطَّالِبُ قَدْ كَتَبَ آيَةَ كَرِيمَةً عَلَى اللُّوحِ.
- ٣- لَيْسَ النُّفَاقُ صِفَةً مَحْمُودَةً بَيْنَ النَّاسِ.

## التدريب الخامس

احذفِ الأفعالَ الناقصةَ مِنَ الجملِ التَّالِيَةِ و غَيِّرْ مَا يَلِزَمُ تَغْيِيرُهُ:

- ١- صارَ البوصيرِيُّ مَعْرُوفاً بِقَصِيدَتِهِ «الْبُرْدَةِ».
- ٢- صارَ الأَغْنِيَاءُ يُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ.
- ٣- أَصْبَحْنَا أَحْرَاراً بَعْدَ ثَوْرَتِنَا الْإِسْلَامِيَّةِ.

– خبر کان اگر فعل مضارع باشد معادل ماضی استمراری و هرگاه فعل ماضی باشد معادل ماضی بعید زبان فارسی خواهد بود، مانند:

کان التلمیذُ یقرأُ درسهُ : دانش آموز درس خود را می خواند.

کان التلمیذُ قد قرأَ درسهُ : دانش آموز درس خود را خوانده بود.

### للترجمة

إقرأ العبارات التالية ثم عین ترجمتها الصحيحة:

۱- ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (مریم / ۵۵)

- الف) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان داده بود.
- ب) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

۲- كَانَ الْمُسْلِمُونَ اِكْتَسَبُوا مَكَانَةً عِلْمِيَّةً رَفِيعَةً فِي الْقُرُونِ الْاُولَى.

- الف) مسلمانان در سده های نخستین جایگاه علمی والایی به دست آورده بودند.
- ب) مسلمانان جایگاه علمی رفیعی در سده های نخستین به دست آوردند.

۳- كَانَ الْفَلَّاحَانِ يَحْصُدَانِ الزَّرْعَ.

- الف) دو کشاورز محصول را درو می کردند.
- ب) دو کشاورز محصول را درو کرده بودند.

إقرأ العباراتِ ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسيّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ:

\* إِنَّ كَلامَ الحُكَماءِ إذا كانَ صَواباً كانَ دَواءً وإذا كانَ خَطأً كانَ دَاءً.

\* كُنْ سَمِحاً وَلا تَكُنْ مُبَدِّراً وَكُنْ مُقْتَصِداً وَلا تَكُنْ مُقْتَرّاً.

\* مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كانَتِ الخِيرَةُ بيَدِهِ.

سَمِحٌ: سخاوتمند

مُبَدِّرٌ: مسرف، اسراف كننده

مُقْتَصِدٌ: صرفه جو

مُقْتَرٌّ: خسيس

الخِيرَةُ: اختيار

الف) با توجه به معانی آیات، هر آیه از ستون «الف» را به آیه ای از ستون «ب» وصل کنید:

«الف»

«ب»

۱- ﴿وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ

وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ (مریم/۱۴)

نزدیک این درخت نشوید

و ستمگر و نافرمان نبود.

۲- ﴿وَكَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بَوَالِدَيْهِ

غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

(آل عمران/۱۵۹)

و او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و سخت دل، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

۳- ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا

فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف/۱۹)

و اگر تندخوی بودی

که به این سبب از ستمکاران خواهید بود.

ب) با انتخاب فعل ناقصه مناسب آیات زیر را کامل کنید:

۱- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ ف..... فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ﴾ (الأعراف/۷۸)

لَيْسُوا

أَصْبَحُوا

پس زلزله آن ها را دربرگرفت تا آن که همه در خانه های خود از پای درآمدند.

۲- ﴿و..... لِلخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ (النساء/۱۰۵)

لَا تَكُنْ

لَا تَكُونُ

و طرفدار خیانتکاران مباش!

۳- ﴿أ..... اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ (التين/۸)

صَارَ

لَيْسَ

آیا خدا بهترین داوران نیست؟!



# الدَّرْس الحادي عشر

## الحروف المشبَّهة بالفعل

این جملات را با  
یکدیگر  
مقایسه  
کنید.

الرَّبِيعُ جَمِيلٌ.

كان الرَّبِيعُ جَمِيلاً.

إِنَّ الرَّبِيعَ جَمِيلٌ.

جمله اول چه نوع جمله ای است؟

جمله دوم و سوم با چه کلمه ای آغاز شده اند؟

کدام جمله برایتان تازگی دارد؟

این جمله با چه کلمه ای آغاز شده است؟

حدس می زنید چه  
اتفاقی افتاده است؟

○ بله، کاملاً درست است برای جمله اسمیه مهمان دیگری دعوت کرده ایم.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾  
﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾  
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾

به آیاتی آشنا  
از قرآن کریم  
توجه کنید.

إِنَّ :

از حروف مشبَّهة بالفعل است که برای رساندن مفهوم تأکید بر سر مبتدا و خبر درمی آید.

با آمدن إِنَّ

خبر

به عنوان خبر إِنَّ مرفوع باقی  
می ماند.

مبتدا

به عنوان اسمِ إِنَّ منصوب  
می شود.

و

عَالِمٌ

اللَّهُ

إِنَّ

خبر إِنَّ و  
مرفوع

اسمِ إِنَّ و  
منصوب

از حروف  
مشبَّهة بالفعل

عَالِمٌ

اللَّهُ

خبر

مبتدا

«إِنَّ» أَخَوَاتٌ دِیْغْرِی نِیْز دَارِد.

كَأَنَّ الْعِلْمَ نُورٌ .  
لَعَلَّ الْمَطَرَ نَازِلٌ .  
لَيْتَ الْامْتِحَانَ سَهْلًا .  
جَاءَ الرَّبِيعُ وَلَكِنَّ الْجَوَّ  
بَارِدٌ .  
عَلِمْتُ أَنَّ الْعِلْمَ نَافِعٌ .

آیا با دقت در این عبارات  
می‌توانید آن‌ها را پیدا کنید؟

بدانیم

أَنَّ ، لَكِنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ، كَأَنَّ  
(که، اینکه) (لیکن) (کاش) (شاید) (گویا، مثل اینکه)  
از دیگر حروف مشبّهه بالفعل می‌باشند.

اسم و خبر حروف  
مشبّهه بالفعل

إِنَّ الْمُؤْمِنَ صَادِقٌ .	اسم ظاهر
إِنَّكَ صَادِقٌ .	ضمیر متصل
لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ .	مفرد
لَعَلَّ الطَّالِبَ يَنْجِحُ .	جمله
لَعَلَّ الطَّالِبَ مِنَ النَّاجِحِينَ .	شبه جمله

اسم حروف مشبّهه بالفعل

خبر حروف مشبّهه بالفعل

رابطه میان اسم و خبر حروف مشبّهه بالفعل دقیقاً مانند رابطه مبتدا و خبر است.

به این جملات توجه نمایید:

إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ : همانا خداوند عالم است.

○ چه تفاوتی در دو جمله می بینید؟

إِنَّمَا اللَّهُ عَالِمٌ : فقط خداوند عالم است.

○ در جمله دوم چه کلمه ای اضافه شد؟

○ با آمدن «ما» چه تغییری در معنای جمله ایجاد شد؟

○ با آمدن «ما» چه تغییری در اعراب کلمات ایجاد شد؟

برای منحصر کردن مفهوم خبر برای مبتدا، می توان به إِنَّ و أَنَّ «ما» افزود که به این «ما» مای كَافَهْ یعنی بازدارنده می گویند.

به این «ما» كَافَهْ و بازدارنده گفته اند چون مانع عمل «إِنَّ»... می شود و بعد از آن ممکن است:

جمله فعلیه (فعل + فاعل + ...) بیاید

إِنَّمَا	يُرِيدُ	اللَّهُ	لِيُذْهِبَ	عَنكُمُ	الرَّجْسَ	أَهْلَ	الْبَيْتِ	.....
	فعل	مبدا	فعل	مفعول	مفعول	مفعول	مفعول	
			مشبهة	كافه				

و یا

جمله اسمیه (مبتدا + خبر) بیاید

إِنَّمَا	الْمُؤْمِنُونَ	إِخْوَةٌ
مبدا	مبتدا و مفعول	خبر و مفعول
مشبهة بالفعل	كافه	

إِنَّمَا و أَنَّمَا را مجموعاً أدوات حصر گویند.



## الوالي المتواضع

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ وَمَعَهُ حِمْلٌ تَمْرٍ وَأَشْيَاءُ أُخْرَى .

في السُّوقِ

إِلَهِي! هَذَا الْحِمْلُ ثَقِيلٌ . مَنْ يُسَاعِدُنِي؟

فَوَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسِبَهُ فَقِيرًا .

هَلْ تُسَاعِدُنِي وَتَحْمِلُ لِي هَذَا الْحِمْلَ؟

فَأَجَابَهُ الرَّجُلُ : نَعَمْ، بِكُلِّ سُورٍ .

فَحَمَلَهُ وَ ذَهَبَا مَعًا ... وَ فِي الطَّرِيقِ شَاهِدًا جَمَاعَةً مِنَ النَّاسِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ!

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ : إِلَهِي! مَنْ هَذَا؟

أَسْرَعَ النَّاسُ نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ .

فَعِنْدَمَا شَاهَدَ الشَّامِيُّ النَّاسَ قَدِ اجْتَمَعُوا حَوْلَ هَذَا الرَّجُلِ ، سَأَلَهُمْ عَنْهُ ، فَأَجَابُوهُ :

إِنَّهُ أَمِيرُ الْمَدَائِنِ ، إِنَّهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ . فَحَجَلَ الرَّجُلُ وَاعْتَدَرَ مِنْهُ وَ قَصَدَ أَنْ

يَأْخُذَ الْحِمْلَ . وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفُضَ وَ قَالَ لَهُ : سَأَحْمِلُهُ إِلَى مَقْصِدِكَ .

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضُعِ الْأَمِيرِ .

## أهل مَدِينِ

مَدِينُ كَانَتْ مَدِينَةً كَبِيرَةً فِي الشَّامِ وَ كَانَ أَهْلُهَا فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ أَهْلَ صِلَاحٍ وَ

تَقْوَى، يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً وَ كَانُوا تُجَاراً .  
وَ مَعَ مُرُورِ الْآيَامِ تَغَلَّبَ عَلَيْهِمُ الطَّمَعُ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَ تَرَكَوا عِبَادَةَ اللَّهِ وَ  
كَانُوا يَنْفُصُونَ فِي الْمِيزَانِ .

فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى سُعَيْباً لِهَدَايَتِهِمْ إِلَى الْحَقِّ وَ النَّهْيِ عَنِ الشَّرِكِ بِاللَّهِ .  
فَكَانَ سُعَيْبٌ يُخَاطِبُ النَّاسَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ يَمْنَعُهُم عَنِ الْمُنْكَرِ .  
فِي أَحَدِ الْآيَامِ قَالَ لَهُ رَجُلٌ :

يَا نَبِيَّ اللَّهِ : إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ أَنَا غَرِيبٌ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ . اِسْتَرَيْتُ  
مِنْهُمْ مِقْدَاراً مِنَ التَّمْرِ وَلَكِنَّهُمْ نَقَصُوا فِي الْوِزْنِ وَ عِنْدَمَا اعْتَرَضْتُ عَلَى هَذَا الْعَمَلِ  
ضَرَبُونِي وَ هَدَّدُونِي .

فَخَرَجَ سُعَيْبٌ مَعَهُ إِلَى السُّوقِ وَ سَأَلَهُمْ عَنْ قِصَّةِ الرَّجُلِ فَلَمْ يُنْكِرُواهَا . وَ قَالُوا :  
إِنَّ هَذِهِ طَرِيقَةُ آبَائِنَا وَ نَحْنُ نَعْمَلُ بِهَا .

فَظَلُّوا عَلَى هَذِهِ الطَّرِيقَةِ فَحَدَّرَهُمْ سُعَيْبٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْتَمِعُوا  
إِلَيْهِ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَ تَهَدَّمَتْ أَسْوَاقُهُمْ وَ بُيُوتُهُمْ فِي زَلْزَلَةٍ شَدِيدَةٍ وَ رِيحٍ  
حَارِقَةٍ ... !

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ؟
- ٢- كَيْفَ كَانَ أَهْلُ مَدْيَنَ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ؟
- ٣- مَاذَا عَمِلَ أَهْلُ مَدْيَنَ حِينَ اعْتَرَضَ الرَّجُلُ الْغَرِيبَ عَلَى عَمَلِهِمْ؟
- ٤- كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَهْلِ مَدْيَنَ؟

## التمرين الأول

إنتخبِ الكلمةَ المناسبةَ ثم اذكرْ إعرابها:

١- إِنْكَ ..... الدُّعاء.

٢- إِنَّمَا ..... دارُ مَمَرٍ.

٣- لَا تَكُنْ ..... لِغَيْرِ اللَّهِ.

٤- كَأَنَّ السَّمَاءَ ..... مَرْفُوعٌ.

٥- لَيْتَنِي ..... قَوِيٌّ كَيْ أَسَاعِدَ الضُّعْفَاءَ.

سَمِيعٌ

عَبْدًا

عَبْدٌ

الدُّنْيَا

سَقْفٌ

ي

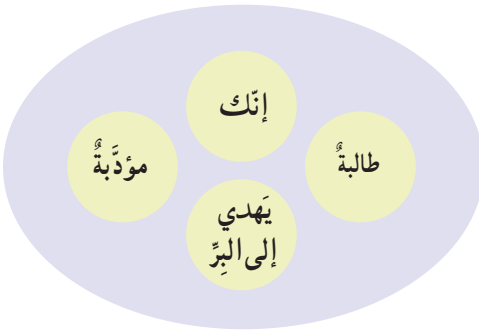
سَمِيعٌ

سَقْفًا

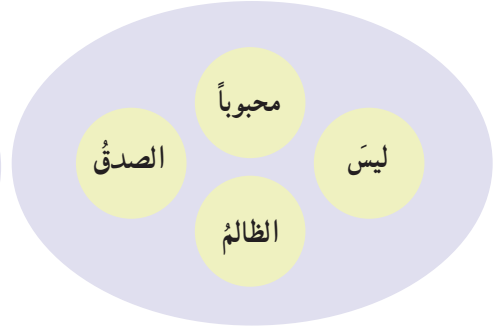
## التمرين الثاني

في كُلِّ مجموعةٍ جملةٌ مفيدةٌ اكتبها ثم رتبِ الكلماتِ الباقيةَ لِشَاهدِ حديثاً نبوياً:

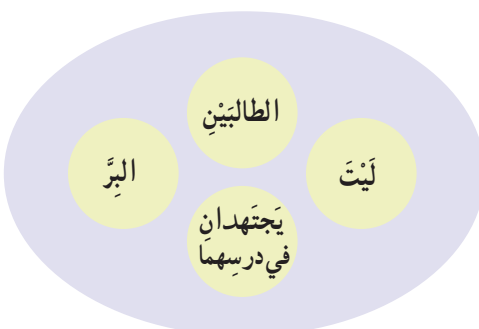
٢



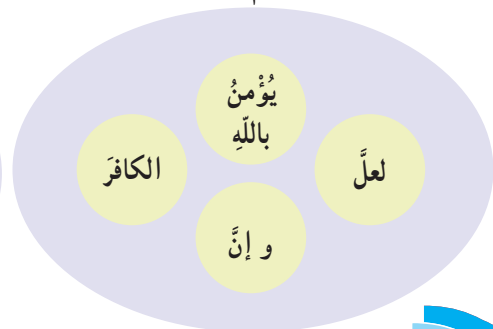
١

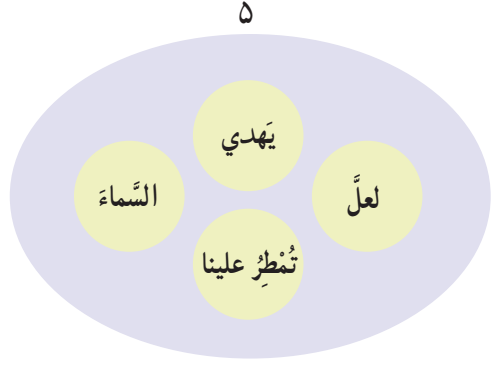
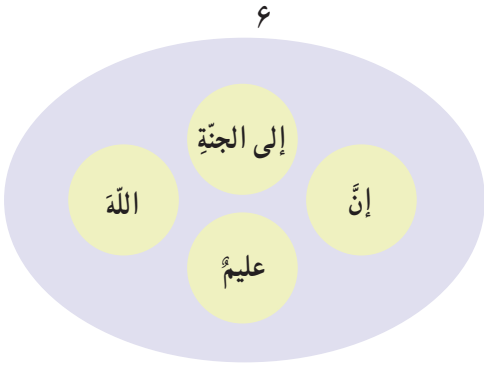


٤



٣



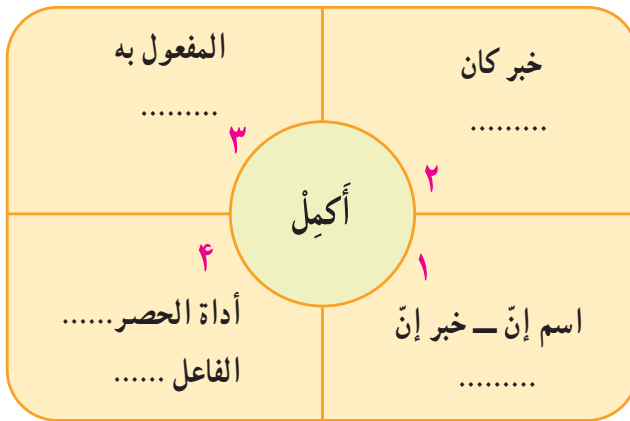


قال الرسول (ص): .....

## التدريب الثالث

أكتب ما طلب منك في مكانه الخاص :

- ١- ﴿ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾
- ٢- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى ﴾
- ٣- ﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾
- ٤- ﴿ إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتٌ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ . ﴾



## التدريب الرابع

حوّل الجملة التالية من المفرد إلى المثنى فالجمع:

- ١- إِنَّ الْجُنْدِيَّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ بِرُوحِهِ.
- ٢- لَيْتَكَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومِينَ.

## التدريب الخامس

اجعل حرفاً مشبهاً بالفعل محلّ الفعل الناقص ثمّ غيّر ما يلزم تغييره:

- ١- مازال الحسدُ يقتلُ صاحبه.
- ٢- كُنْتُ قَدْ نَجَحْتُ فِي الْحَيَاةِ بِجِدِّكَ.

## التدريب السادس

صحّح الأخطاء مع بيان السبب:

- ١- إِنَّ الْمَسْلُومُونَ مُتَفَرِّقِينَ مَا دَامُوا بَعِيدُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ.
- ٢- إِنَّ مُمَرِّضَاتِ الْمُسْتَشْفَى سَاهَرَاتٍ طَوَلَ اللَّيْلِ.
- ٣- لَيْسَ الْأَعْدَاءُ قَادِرُونَ عَلَى هَزِيمَتِنَا.

## التدريب السابع

اكتب إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخطين والتحليل الصرفي للكلمات التي أُشير إليها بخطٍ

واحد:

﴿ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴾



– «إِنَّ» معمولاً در آغاز عبارت می‌آید و بیانگر معنای تأکید است :  
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ : قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست دارد.  
 – «أَنَّ» به معنای «که» یا «این‌که» است و معمولاً میان دو عبارت می‌آید و معادل حرف  
 ربط زبان فارسی است :

عَلِمْتُ أَنَّهَا قَدْ نَجَحَتْ فِي الامْتِحَانِ : دانستم که او در امتحان قبول شده است.  
 – خبر «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در صورتی که مضارع باشد معمولاً در ترجمه آن از مضارع  
 التزامی استفاده می‌کنیم :

لَيْتَ السَّلَامَ يَسْتَقِرُّ فِي الْعَالَمِ : کاش صلح در جهان استقرار یابد.

## للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ ترجمتها الصحيحة:

۱- إِنَّ النَّيْمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ .

○ الف) شاید سخن چینی (بذر) کینه بکارد.

○ ب) همانا سخن چینی (بذر) کینه می‌کارد.

۲- لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ .

○ الف) کاش دوستی در میان مردم جای گیرد.

○ ب) کاش دوستی در میان مردم جای گرفته بود.

۳- ﴿لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة / ۱۰۶)

○ الف) آیا نمی‌دانی همانا خداوند بر انجام هر چیزی توانا است.

○ ب) آیا ندانستی که خداوند بر انجام هر چیزی توانا است.

۴- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (إبراهيم / ۲۵)

○ الف) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌آورد کاش آن‌ها به یاد می‌آوردند و پند می‌گرفتند.

○ ب) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید آن‌ها به یاد آورند و پند گیرند.

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

\* عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ وَإِنَّ أَعْشَّهُمْ لِنَفْسِهِ  
أَعْصَاهُمْ لِرَبِّهِ.

\* اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.

\* لَا تَسْتَحْيِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْجِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ.

لا تَسْتَحْيِ: شرم مكن

الْجِرْمَانُ: محروميت

أَطْوَعُ: مطيع ترين

أَعْشَّهُمْ لِنَفْسِهِ: خود فريب ترين آن ها

الْخَلَوَاتُ: ج خلوة، خلوت

الف) ترجمه آیات زیر را با انتخاب کلمه مناسب کامل کنید:

۱- ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (البقرة / ۱۸۹)

ای کاش شما

شاید شما

و تقوای خدا را پیشه کنید ..... رستگار شوید.

۲- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ (النبأ / ۴۰)

به درستی که

ای کاش

و کافر (در آن روز) می گوید ..... خاک بودم.

۳- ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (النساء / ۱۰۱)

گویا

بی شک

..... کفار نسبت به شما دشمنان آشکاری هستند.

ب) خبر حروف مشبیه بالفعل و نوع آن را مشخص کنید:

نوع خبر

خبر

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (التخل / ۹۰)

قطعاً خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

نوع خبر

خبر

۲- ﴿لَكَتِي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأعراف / ۶۱)

ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم.

نوع خبر

خبر

۳- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ (العصر / ۲)

به راستی که انسان در زیانکاری است.

# الدّرس الثانی عشر

## أفعال المقاربة



تزدیک بود باران بیارد.

باران بارید.



گلدان بر زمین افتاد.

تزدیک بود گلدان بیافتد.

با توجه به هر تصویر، جمله مناسب را به آن وصل کنید.

در زبان فارسی برای نزدیک نشان دادن وقوع فعل معمولاً از فعل نزدیک بود، نزدیک است و .... استفاده می شود. در زبان عربی چطور؟

برای نزدیک نشان دادن وقوع کاری در زبان عربی از فعل های مخصوصی استفاده می شود.

كَادَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ.

به ترجمه عبارت های فوق توجه کنید.

كَادَتِ الْمَرْهَرِيَّةُ تَسْقُطُ.

فعل «کاد» بر چه مفهومی دلالت می کند؟

بعید بودن انجام کار

نزدیک بودن وقوع کار

انجام شدن کار

به فعل هایی مانند «کاد» که نزدیک بودن وقوع کاری را نشان می دهند «افعال مقاربه» می گویند.

اکنون می خواهیم با «کاد» بیشتر آشنا شویم.

المعلّمُ يَحْضُرُ. ← كَادَ المعلّمُ يَحْضُرُ.  
الشَّجَرَةُ تُنْمِرُ. ← كَادَتِ الشَّجَرَةُ تُنْمِرُ.

به این عبارات و تغییرات آن توجه کنید.

- کاد و کادت بر سر چه جمله ای آمده اند؟ اسمیه ○ فعلیه ○
- با آمدن «کاد» کلمه بعد چه اعرابی گرفته است؟ رفع ○ نصب ○ جر ○
- عمل «کاد» به کدام مورد شبیه است؟ افعال ناقصه ○ حروف مشبّهه ○

؟

گویا جمله اسمیه باز هم مهمان دارد!

کاد

از فعل های مقاربه است که بر سر مبتدا و خبر می آید و مانند کان عمل می کند.

یعنی

خبر منصوب

و

اسم مرفوع

می شود.

با این تفاوت که خبر آن حتماً باید با فعل مضارع شروع شود.

بَصَارَهُمْ	يَخْطِفُ	الْبِرْقُ	يَكَادُ
خبر کاد (جمله فعلیه)	اسم کاد و مرفوع	فعل مقاربه	

○ أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يُدْرِّسُ «معلم درس دادن را شروع کرد.»

بیاپید با أخوات  
«كاد» آشنا شویم.

○ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْحَمَكُمْ «امید است خداوند شما را مورد رحمت قرار دهد.»

بدانیم

«بَدَأَ»، «شَرَعَ»، «أَخَذَ» و «جَعَلَ» به معنای شروع کرد و «عَسَى» به معنای امید است و «كاد» و «أَوْشَكَ» به معنای نزدیک است، افعال مقاربه هستند.

این فعل‌ها از جهت معنی به سه گروه تقسیم می‌شوند.

افعال شروع

افعال رَجَاء

افعال قُرْب

بر شروع شدن کاری  
دلالت دارند.  
(فقط صیغه‌های  
ماضی)

بَدَأَ ، شَرَعَ  
أَخَذَ ، جَعَلَ

امید به انجام گرفتن کاری  
را بیان می‌کنند. (فقط  
صیغه‌های ماضی)

عَسَى

نزدیک بودن وقوع کاری  
را نشان می‌دهند.  
(صیغه‌های ماضی و  
مضارع)

كَادَ و أَوْشَكَ

لا لباسَ أجملُ من العافيةِ.  
لا طالبَ في الصفِّ.  
لا كتابَ عندي.

اکنون به این جملات منفی  
توجه نمایید.

- «لا» بر سر چه کلمه ای آمده است؟ اسم ○ فعل ○ حرف ○
- جمله بعد از «لا» چه نوع جمله ای است؟ اسمیه ○ فعلیه ○
- اسم بعد از «لا» چه حرکتی دارد؟ فتحه ○ ضمه ○ کسره ○
- اسم بعد از «لا» از جهت اعراب شبیه کدام مورد است؟
- اسم افعال ناقصه ○ اسم حروف مشبیه بالفعل ○ اسم افعال مقاربه ○

آیا می توانید به  
این سؤالات  
پاسخ دهید :

بدانیم

گاهی «لا» بر سر جمله «اسمیه» می آید و مانند حروف مشبیه بالفعل اسمی  
منصوب و خبری مرفوع می گیرد. به این حرف «لای نفی جنس» گفته می شود.

مِن العافيةِ.

جار و مجرور

أجملُ

خبر «لا»ی نفی جنس

لباسَ

اسم «لا»ی نفی جنس

لا

«لا»ی نفی جنس

لا إلهَ إلا اللهُ.  
 لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إلا باللهِ.  
 لا سَيْفَ إلا ذوالفقارِ.  
 لا إكراهَ في الدينِ.

آیا این عبارتها برای شما  
 آشناست؟

نکره است بدین خاطر هیچگاه الف و لام نمی گیرد.  
 غالباً مبنی بر فتح است و بدین خاطر تنوین ندارد.  
 ○ لا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ العُجْبِ.

اسم

خبر «لا نفی جنس» مانند خبر مبتدا است.  
 ○ لا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ.  
 ○ ذلك الكتابُ لا رَيْبَ فِيهِ.  
 ○ لا نَصِيحَةَ تَنْفَعُ العَنُودَ.  
 گاهی خبر «لا» محذوف است.  
 ○ لا شَكَّ. (لا شَكَّ موجودٌ)

خبر

اسم  
 و  
 خبر  
 «لا»  
 نفی جنس



## خلاصة النواسخ<sup>١</sup>

<p>خبر (منصوب)</p> <p>مفرد : لَيْسَ الدَّرْسُ صَعْبًا . جملة : كَانَ المَعْلَمُ يَدْرُسُ . شبه جملة : مَا زالَ التَّلْمِيذُ فِي المَكْتَبَةِ .</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : صارَ الجَوُّ بارداً . ضمير بارز : كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ . ضمير مستتر : المَوْمِنُ يَكُونُ (هو) صادقاً .</p>	<p>كَانَ أَصْبَحَ صارَ مادامَ مازالَ لَيْسَ</p>	<p>الأفعال الناقصة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ . جملة : إِنَّ الجُنْدِيَّ يَدَافِعُ عَن وِطْنِهِ . شبه جملة : كَأَنَّ الفَلاحَ فِي مزرعَتِهِ .</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ . ضمير متصل : كَأَنَّكَ عالمٌ .</p>	<p>إِنَّ أَنَّ كَأَنَّ لَكِنَّ لَيْتَ لَعَلَّ</p>	<p>الحروف المشبهة بالفعل</p>
<p>خبر (محلاً منصوب)</p> <p>جملة فعلية (فعل مضارع)</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : بَدَأَ المَعْلَمُ يَدْرُسُ . ضمير بارز : الطَّالِبُ شَرَعُوا يَكْتُبُونَ . ضمير مستتر : الدَّرْسُ كَادَ (هو) يَنْتَهِي .</p>	<p>كَادَ (يَكَادُ) أَوْشَكَ (يُوشِكُ) عَسَى بَدَأَ شَرَعَ أَخَذَ جَعَلَ</p>	<p>أفعال المقاربة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لاداءَ أَضْرُّ مِنَ الجَهْلِ . جملة : لاناجحَ يَتَكاسَلُ فِي حَيَاتِهِ . شبه جملة : لا كِتابَ عَلى الكُرْسِيِّ .</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : لا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ العُجْبِ .</p>	<p>لا</p>	<p>لا النافية للجنس</p>

١- نواسخ: ادواتي هستند که چون بر سر جمله درآیند، اعراب اجزای جمله را «نسخ» می کنند یعنی اعراب جدیدی را جانشین اعراب قبلی می کنند به طوری که هرگاه این ادوات حذف شوند اعراب قبلی به جای خود بازمی گردد.

## الصَّدِيقُ النَّاصِحُ

كَانَ لِرَجُلٍ فَقِيرٍ صَدِيقٌ. فَقَالَ لَهُ يَوْمًا:  
مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ «يُسْمِنُ وَيُغْنِي مِنْ جُوعٍ». تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْبَسَاتِينِ وَالْحُقُولِ  
لِلْعَمَلِ، عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنَا رِزْقًا حَلَالًا.

### فَانْطَلَقَا نَحْوَ الْبَسَاتِينِ

بَيْنَمَا كَانَا يَذْهَبَانِ وَسَوَسَ لَهُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَسَلَّقَ جُدْرَانَ الْبَسَاتِينِ وَيَسْرِقَ  
مِقْدَارًا مِنَ الْفَوَاكِهَةِ.  
فَقَالَ لِصَدِيقِهِ: اِنْتَظِرْ هُنَا وَرَاقِبِ الْأَطْرَافَ فَإِذَا اقْتَرَبَ أَحَدٌ فَأَخْبِرْنِي.  
فَوَقَفَ الصَّدِيقُ لِلْمِرَاقِبَةِ وَبَدَأَ الرَّجُلُ يَقْطَعُ الْفَوَاكِهَةَ.

### بَعْدَ قَلِيلٍ

قَالَ صَدِيقُهُ: يَا أَخِي! أَحَدٌ يُشَاهِدُنَا، فَخَافَ الرَّجُلُ وَنَزَلَ مِنَ الْجِدَارِ وَ  
سَأَلَهُ: مَنْ هُوَ؟ أَيْنَ هُوَ؟  
فَقَالَ صَدِيقُهُ: هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَرَى كُلَّ أَحَدٍ وَيَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ. فَارْتَعَدَ الرَّجُلُ  
وَخَجَلَ...

## العَامِلُ

نَحْتَفِلُ بِيَوْمِ الْعَامِلِ مِنْ كُلِّ عَامٍ. لِأَنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ وَ

١- إشارة إلى الآية السابعة من سورة الغاشية

الإسلام يحترمُ العاملَ بحيثُ افْتَحَرَ الرسولُ الأكرمُ (ص) بأن يُقْبَلَ بِدِيِ العاملِ . و عَسَى العاملُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَكَانَةٍ رَفِيعَةٍ فِي مُجْتَمَعِنَا إِذْ إِنَّ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ بَدَأَتْ تَتَقَدَّمُ بِفَضْلِ الْأَيْدِيِ الْعَامِلَةِ الْمُتَخَصِّصَةِ.

قال جُبران خليل جُبران<sup>١</sup> في شأنِ العاملِ :

«أَحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ . أَحِبُّهُ لِأَنَّهُ يُطْعِمُنَا وَيَحْرِمُ نَفْسَهُ ، أَحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَعْزِلُ ... لِنَلْبَسَ الْأَثْوَابَ الْجَدِيدَةَ ، بَيْنَمَا زَوْجَتُهُ وَأَوْلَادُهُ فِي مَلَابِسِهِمُ الْقَدِيمَةِ . أَحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَبْنِي الْمَنَازِلَ الْعَالِيَةَ وَيَسْكُنُ الْأَكْوَاحَ الْحَقِيرَةَ . أَحِبُّ ابْتِسَامَتَهُ الْحُلُوءَةَ . أَحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ ، لِأَنَّهُ يَحْسَبُ نَفْسَهُ خَادِمًا وَهُوَ السَّيِّدُ السَّيِّدُ وَأَحِبُّهُ لِأَنَّهُ خَجُولٌ إِذَا أُعْطِيَتهُ أَجْرَتَهُ شَكَرَكَ قَبْلَ أَنْ تَشْكُرَهُ».

أجب عن الأسئلة التالية:

١- إلى أين ذهب الرجل الفقير مع صديقه؟

٢- من ونوس للرجل؟

٣- من كان يُساهدُ الرجل و صديقه؟

٤- كيف تقدمت المجتمعات البشرية؟

---

١- هو أديبٌ لبنانيٌّ وُلِدَ سنة ١٨٨٣ الميلاديَّة هاجرَ إلى خارجِ الوَطَنِ و واصلَ نشاطاته الأدبيَّة هناك و

صارَ من أشهر الأديباء في عصره.

## التدريب الأول

اقرأ العبارات التالية ثم أكمل الجدول التالي:

الفعل الناسخ	اسمه	خبره
١- .....	.....	.....
٢- .....	.....	.....
٣- .....	.....	.....
٤- .....	.....	.....

١- أَخَذَ الْجُنْدِيُّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ.

٢- عَسَى اللَّهُ أَنْ يَنْصُرَنَا.

٣- أَوْشَكَ الْمُذْنِبُ أَنْ يَتُوبَ مِنْ ذَنْبِهِ.

٤- كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا.

## التدريب الثاني

ميز الخطأ ثم اكتب صحيحه:

خطأ الشكل الصحيح





١- عَسَى السَّلَامُ أَنْ يَشْمَلَ الْعَالَمَ.

٢- لَا الْفُضِيلَةَ أَجْلٌ مِنَ الْإِحْسَانِ.

٣- بَدَأَتِ الْقَمَرُ يَحْسِفُ.

٤- كَانَتْ مَحَبَّةُ الرَّسُولِ (ص) لِفَاطِمَةَ (س) فَوْقَ الْوَصْفِ.

## التدريب الثالث

اكتب الجملة التالية مستعيناً بما بين القوسين:

١- اللَّهُ رَزَقَنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ. (عَسَى)

٢- الْمُسْلِمُونَ اتَّحَدُوا ضِدَّ أَعْدَائِهِمْ. (كَادَ)

٣- الْإِسْلَامُ انْتَشَرَ فِي الْعَالَمِ. (بَدَأَ)

## التَّهْرِينُ الرَّابِعُ

عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ:

١- ﴿يَكَادُ..... يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ﴾

البرقُ      البرقُ      البرقُ

٢- لا ..... أقطع من الحقِّ.

سيفُ      سيفُ      سيفُ

٣- بدأ ..... الثورة يُنادي بوحدةِ الأمةِ.

قائدُ      قائدُ      قائدُ

٤- أخذَ الطلابُ ..... مقالاتٍ أدبيَّةً.

تكتبونَ      كتبوا      يكتبونَ

## التَّهْرِينُ الْخَامِسُ

أَعْرَبْ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

١- لَيْسَ الْجَمَالُ بِأَثْوَابٍ تُزَيَّنُنَا      إِنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ

٢- الْعِلْمُ يَرْفَعُ بَيْتاً لِأَعِمَادِ لَهُ      وَالْجَهْلُ يَهْدِمُ بَيْتَ الْعِزِّ وَالشَّرَفِ

٣- وَإِنْ ضَاقَ رِزْقُ الْيَوْمِ فَاصْبِرْ إِلَى غَدٍ      عَسَى نَكَبَاتُ الدَّهْرِ عَنْكَ تَزُولُ

## التَّهْرِينُ السَّادِسُ

للتعريب:

### تعطيلي عيد

- سلام عليكم. سال نو مبارک!
- آيا به ديدار خويشاوندان رفتی؟
- عليكم السلام. سال نو مبارک!
- بله، به ديدار پدر بزرگ و مادر بزرگم رفتم.
- در تعطیلي عيد کجا بودی؟
- براي سال خوبي را آرزو می کنم.
- در خانه بودم.
- متشکرم!

١- سال نو مبارک: العام الجديد مبروك و در اصطلاح: «كُلُّ عامٍ وَأَنْتُمْ بخير»، تعطیلي: عَطْلَةٌ، خويشاوندان: الأقرباء، پدر بزرگ و مادر بزرگ: جدّ و جدّة، سال خوبي: عاماً سعيداً، آرزو می کنم: أتمنّى، أرجو

در ترجمهٔ افعال مقاربه از الفاظی نظیر «تقریباً، چیزی نمانده، نزدیک بود، نزدیک است،...» استفاده می‌شود و خبر آن معادل مضارع التزامی فارسی است:

تَكَادُ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ : نزدیک است که گل شکفته شود.

— فعل مضارع بعد از افعال شروع را می‌توان به صورت مصدر ترجمه کرد:

أَخَذَ الشَّاعِرُ يُنْشِدُ قَصِيدَةً : شاعر دست به کار سرودن قصیده‌ای شد.

— در ترجمه لای نفی جنس از الفاظی نظیر «هیچ، اصلاً» استفاده می‌شود: لا لباسَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ : هیچ جامه‌ای زینده‌تر از سلامت نیست.

## للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

۱- ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (المائدة / ۱۰۹)

- الف) گفتند: ما را هیچ دانشی نیست همانا تو دانای نهان‌ها هستی.
- ب) گفتند: ما نمی‌دانیم که تو دانا به اسرار غیب هستی.
- ۲- أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يَنْقُلُ حِكَايَةً رَائِعَةً عَنْ تَارِيخِ الْإِسْلَامِ.
- الف) معلّم شروع به نقل یک داستان جالب از تاریخ اسلام کرد.
- ب) معلّم یک داستان دلنشین از تاریخ اسلام تعریف می‌کرد.
- ۳- كَادَتِ الثَّلُوجُ تَسَاقَطُ.
- الف) برف شروع به باریدن نمود.
- ب) چیزی نمانده بود که برف بیارد.

إقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارة مألوفة:

\* أَحِبُّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَابْغَضَ  
بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا.

\* لَا قُرْبَةَ بِالتَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالفَرَائِضِ.

\* لَا عَقْلَ كَالتَّدْبِيرِ وَلَا مِيرَاثَ كَالأَدَبِ وَلَا تِجَارَةَ كَالعَمَلِ الصَّالِحِ.

\* لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الخَالِقِ.

هوناً ما: معتدل      التوافل: ج نافلة، عبادت مستحب

بغيض: دشمن      التدبير: دورانديشي

۱- کدام کلمه ترجمه آیات زیر را کامل می کند؟

(الف) ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ﴾ (التساء/ ۹۹)

شاید

امید است

... که خداوند از آن ها در گذرد.

(ب) ﴿قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَفْتُلُونِي﴾ (الاعراف/ ۱۵۰)

گفت: ای پسر مادرم، این قوم مرا ضعیف شمردند و... مرا بکشند.

و نزدیک بود

می خواستند

(ج) ﴿عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (التحریم/ ۸)

امید است

نزدیک بود

... که پروردگارتان گناهان شما را ببخشد.

۲- در کدام آیه «لای نفی جنس» به کار رفته است؟

(الف) ﴿وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾ (هود/ ۳۱)

(ب) ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (البقرة/ ۲)

(ج) ﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾

(الأعراف/ ۳)



## الدّرس الثالث عشر

### المفعول فيه



موضوع **زمان** از دیرباز ذهن جستجوگر انسان را به خود مشغول داشته است.

جملات نیز از تأثیر جادویی زمان مصون نمانده‌اند.

کدام کامل تر است؟

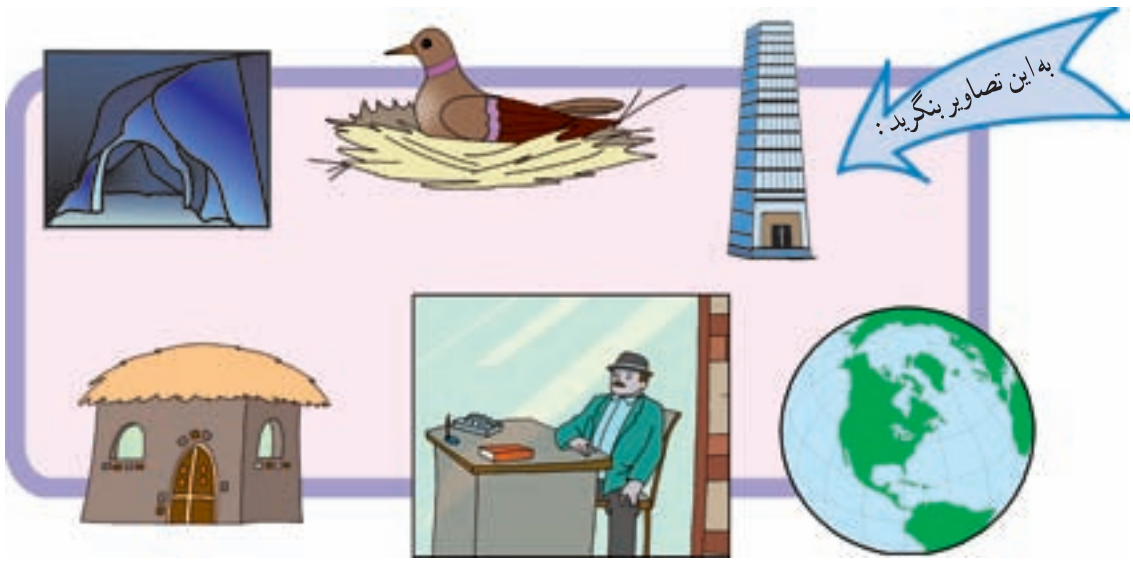
من رفتم و خواندن

کدام یک مقید به زمان است؟

من رفتم و خواندم.

به این دو نمونه  
توجه کنید:

اگر زمان نبود هیچ فعلی متولد نمی شد!



○ موضوع این تصاویر چیست؟  
 ○ آیا زندگی برای موجودات زنده بدون «مکان» امکان دارد؟

کدام کامل تر است؟

علت آن را چه می دانید؟

من رفتم و برگشتم.  
 من به کتابخانه رفتم و ظهر برگشتم.

توجه کنید:

آیا به اهمیت موضوع «زمان» و «مکان» پی بردید؟

در پرتو دو بُعد



جملات مفهومی واضح و روشن پیدا می‌کنند.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾  
«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.»

به تأثیر زیبایی  
مکان و زمان در  
این عبارات توجه  
کنید:

به خاطر اهمیت زمان و مکان کلمات  
خاصی را برای آن وضع نموده‌اند.

مکان

فوق  
تحت  
أمام  
وراء  
بين  
عند  
قرب  
جنب

زمان

الآن  
غد  
اليوم  
أمس  
صباح  
مساء  
قبل  
بعد  
ليل  
نهار

به این کلمات «اصطلاحاً» ظرف زمان و ظرف مکان  
می‌گوییم که معادل قید زمان و مکان در فارسی هستند.

مقایسه

جَلَسْتُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ. در زیر درخت نشستم.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. روز جمعه سفر کردیم.

- کلمات «تَحْتَ» و «يَوْمَ» چه کلماتی هستند؟
- به ترجمه این جمله ها توجه کنید :
- هنگام ترجمه ظرف ها از چه حرفی می توان استفاده کرد؟

بدانیم

ظرف ها معنای حرف جرّ «فی» را به همراه دارند لذا به آن ها «مفعول فیه» می گویند.

قَرَأْتُ كِتَابًا لَيْلًا. قَرَأْتُ كِتَابًا فِي اللَّيْلِ.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. سَافَرْنَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

با حرف جرّ «فی» به کار رود، دیگر مفعول فیه نیست بلکه مجرور به حرف جرّ است.

اما اگر

مفعول فیه از جهت اعراب منصوب است.

بیشتر بدانیم

## ما أَرْخَصَ الْجَمَلَ لَوْلَا الْقِطَّةُ!

كان عندَ فِلاَحٍ جَمَلٌ يُحِبُّهُ كَثِيراً وَ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الاِنْتِقَالِ بَيْنَ القَرِيَةِ وَالْمَدِينَةِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الاَيَّامِ ذَهَبَ نَحْوَ سُوقِ الْمَدِينَةِ وَ فَقَدَ جَمَلَهُ هُنَاكَ فَطَلَبَ الْفِلاَحُ مِنَ النَّاسِ اَنْ يُفْتِّشُوا عَنِ الْجَمَلِ. فَتَشَّ النَّاسُ كُلَّ مَكَانٍ. وَلَكِنْ دُونَ فَائِدَةٍ. وَ بَعْدَ تَفْتِيشٍ طَوِيلٍ وَ تَعَبٍ كَثِيرٍ ... اُقْسَمَ الْفِلاَحُ اَمَامَ النَّاسِ اَنْ يَبِيعَ الْجَمَلَ بِدِينَارٍ وَاحِدٍ اِنْ وَجَدَهُ. تَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ هَذَا السَّعْرِ الرَّخِيسِ وَ حِينَما كانَ يَتَجَوَّلُ فِي السُّوقِ مَساءً، وَجَدَ الْجَمَلَ قُرْبَ شَجَرَةٍ. فَفَرِحَ وَلَكِنَّهُ تَذَكَّرَ قَسَمَهُ. فَكَّرَ الْفِلاَحُ لِحُظَةً فَأَخْضَرَ قِطَّةً وَ جَعَلَهَا عَلَي الْجَمَلِ وَ وَقَفَ وَسَطَ السُّوقِ وَ نادى : مَنْ يَشْتَرِي الْجَمَلَ بِدِينَارٍ وَالْقِطَّةَ بِالْفِ دِينَارٍ مَعاً؟ تَجَمَّعَ النَّاسُ حَوْلَهُ وَ فَهِمُوا اَنَّهُ لا يَقْضُدُ اَنْ يَبِيعَ جَمَلَهُ فَاَنْصَرَفُوا وَ هُمْ يَقُولُونَ : ما أَرْخَصَ الْجَمَلَ لَوْلَا الْقِطَّةُ!

## الذَّكاءُ

كانَ لِمَلِكٍ غَلِيظِ القَلْبِ خادِمٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الاَيَّامِ عِنْدَما قَدَّمَ الخادِمُ الطَّعامَ اِلى الْمَلِكِ سَقَطَتْ قِطْرَةٌ مِنَ الطَّعامِ عَلَي قَمِيصِهِ فَغَضِبَ الْمَلِكُ وَ اَمَرَ بِقَتْلِهِ فوراَ فَسَكَبَ الخادِمُ الطَّعامَ كُلَّهُ عَلَي رَأْسِ الْمَلِكِ وَ هُوَ يَقولُ :

أَخْبَلُ أَنْ يَكُونَ الْمَلِكُ قَاتِلِي لِقَطْرَةٍ فَعَظَّمْتُ ذَنْبِي لِأَكُونَ ذَا حَقٍّ فِي قَتْلِي .  
فَتَبَسَّسَ الْمَلِكُ وَصَفَحَ عَنْهُ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَاذَا فَقَدَ الْفَلَّاحُ؟

٢- أَيْنَ وَجَدَ جَمَلَهُ؟

٣- لِمَ أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِ الْخَادِمِ؟

٤- مَاذَا عَمِلَ الْخَادِمُ لَمَّا أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِهِ؟

## التمرين الأول

عَيِّنِ الْمَفْعُولَ فِيهِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾

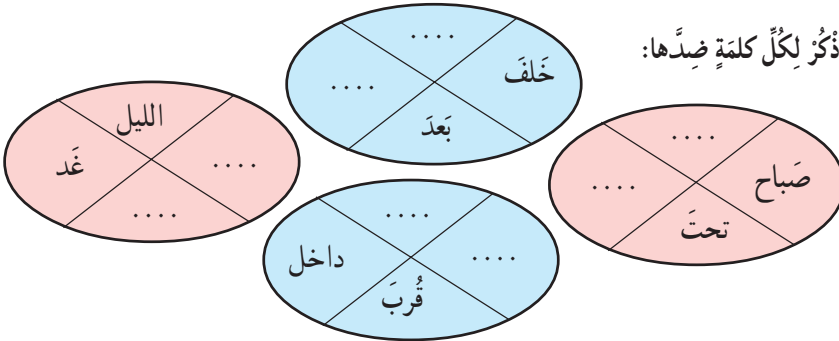
٢- ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾

٣- «إِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»

٤- يُحَاسِبُ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

## التمرين الثاني

أذْكَرُ لِكُلِّ كَلِمَةٍ ضِدَّهَا:



## التمرين الثالث

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

عدد الأخطاء الشكل الصحيح




١- الْعِقَابُ شَدِيدٌ عَلَى الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ.

٢- يَسْتَعِدُّ الْمُسْلِمِينَ لِدَفْعِ زَكَاةِ الْفِطْرِ لَيْلَةَ عِيدِ الْفِطْرِ.

٣- لَيْسَ الْغَادِرُ فَائِزٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

## التمرين الرابع

للإعراب والتحليل الصرفي:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾

– «عند» چنانچه ظرف مکان باشد معمولاً به صورت «نزد» و چنانچه ظرف زمان باشد به صورت «به هنگام، وقت» ترجمه می شود :

الكتابُ عِنْدَ التلميذِ : کتاب نزد دانش آموز است.

نذهب إلى المسجدِ عند الغروبِ : به هنگام غروب به مسجد می رویم.

– چون در زبان عربی معمولاً فعل خاصی برای مفهوم «داشتن» به کار نمی رود،

بنابراین برای بیان این معنا از کلمه «عند» و یا «لام جاره» استفاده می شود :

كانَ عِنْدِي كتابٌ قَدِيمٌ : کتاب ارزشمندی داشتم. لي مکتبَةٌ صَغِيرَةٌ : کتابخانه کوچکی

دارم.

– هناك (ظرف مکان) گاهی اوقات به معنای «هست، وجود دارد» به کار می رود :

هناكُ کتابٌ علی الكرسيِّ : کتابی روی صندلی هست. (وجود دارد)

## للترجمة

۱- ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾

۲- من صفاتِ المنافِقِ التملُّقُ عند الحاجةِ و التكبُّرُ عند القدرةِ.

۳- هناكُ طُلابٌ في المدارسِ والجامعاتِ يَعْمَلُونَ لِمَجْدِ البلادِ وَ عَزَّها.



اقراء العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:

\* إحدَرُ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عِنْدَ مَعْصِيَةٍ وَ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

\* لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ.

\* أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ.

إحدَرُ: برحذر باش      يَفْقِدُ: گم کند      مَصَارِعُ: ج مَصْرَعُ: هلاکت گاه  
الْبُرُوقُ: ج برق: درخشش      الْمَطَامِعُ: طمع ها

۱- کدام یک از آیات زیر از نظر مفهوم با دو آیه دیگر متفاوت است.

- الف) ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾ (یوسف / ۷۶)
- ب) ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام / ۱۸)
- ج) ﴿وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾ (الأنعام / ۱۶۵)

۲- با توجه به ترجمه جای خالی را در آیات زیر کامل کنید:

الف) ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا ... هُمَا﴾ (طه / ۶)

از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آن‌هاست.

ب) ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا ... هُمْ﴾ (البقرة / ۲۵۵)

آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است، می‌داند.

ج) ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا ... لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (یس / ۴۵)

و آنگاه که به ایشان گفته شود از آنچه در پیش رو دارید و آنچه پشت شماست (کیفر

گناهان)، بپرهیزید شاید مورد رحمت قرار گیرید.

# الدَّرْسُ الرَّابِعُ عَشَرَ

## الصِّفَةُ وَ الْمَوْصُوفُ



مجید و سعید نیز هم کلاسی هستند.



رضا و حمید هم کلاسی هستند.

آیا آن‌ها علاوه بر هم کلاس بودن دوستان وفاداری نیز هستند؟  
قضاوت آسان نیست باید هنگام مشکلات آدم‌ها را بشناسیم!



هنگام رفتن به منزل، دوچرخهٔ مجید، پنجر می‌شود.



هنگام مراجعت، ناگهان رضا زمین می‌خورد.



اما سعید! بدون توجه از کنار مجید می‌گذرد!



حمید به کمک رضا می‌شتابد!

حال چطور؟ آیا قضاوت آسان است؟

بین کدام یک از دوستان پیوند و ارتباطی قوی وجود دارد؟

حقیقت تلخی است، برخی

دوستان وفادار نیستند!

اسم‌ها نیز چنین  
دنیایی دارند.

گاه دو اسم کنار هم قرار می‌گیرند و پیوندی ناگسستنی دارند.  
و  
گاه دو اسم کنار هم قرار می‌گیرند و فقط به هم اضافه می‌شوند.



گلِ گلدان



گلِ سرخ

- کلمه سرخ چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟ ○ کلمه گلدان چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟  
○ آیا می‌توان سرخ بودن را از گل جدا کرد؟ ○ آیا می‌توان گلدان را از گل جدا کرد؟

بین کدام یک از ترکیب‌ها از جهت معنی رابطه و پیوندی قوی وجود دارد و دوستان وفاداری هستند؟

در ترکیب‌های زیر چگونه؟

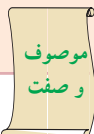
کتابِ خوب - کتابِ کتابخانه

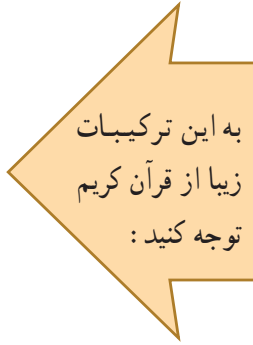
بین کدام یک پیوندی محکم وجود دارد؟

○ با کلمات داده شده جای خالی را کامل کنید.

در زبان فارسی

به دو جزء ترکیباتی مانند گل سرخ، کتاب مفید که با یک دیگر پیوندی قوی دارند و یکی دیگری را توصیف می‌کند ..... گفته می‌شود.  
و به دو جزء ترکیباتی مانند گل گلدان، کتاب کتابخانه که فقط به یک دیگر نسبت داده شده و به هم اضافه شده‌اند ..... گفته می‌شود.





در زبان عربی نیز به خاطر نیاز کلمات به توضیح و توصیف، موصوف و صفت داریم.

همان طور که :

در زبان فارسی بین موصوف و صفت از جهت معنی ارتباط محکمی وجود دارد.

در زبان عربی علاوه بر ارتباط معنایی از جهت ظاهر نیز ارتباط و هماهنگی دقیقی

بین آن‌ها وجود دارد.

این هماهنگی و تبعیت صفت از موصوف در چهار مورد است :

۱	عدد	مفرد	هذا كتابٌ ...	(مُفِيدٌ - مفيدان - مفيدات)
		مثنی	في المدرسة شجرتانِ ...	(جَمِيلَةٌ - جميلتان - جميلات)
		جمع	جاء المؤمنونَ ...	(الصالحُ - الصالحانِ - الصالحونَ)
۲	جنس	مذکر	حَضَرَ الطالبُ ...	(الناجِحُ - الناجِحَةُ)
		مؤنث	نَجَحَتِ الطالبةُ ...	(العالمُ - العالمَةُ)
۳	معرفة و نكرة بودن	معرفة	قرأت الحكايةَ ...	(لَطِيفَةٌ - اللطيفةُ)
		نكرة	عندي مجلةٌ ...	(أدبيَّةٌ - الأدبيَّةُ)
۴	اعراب	مرفوع	لنا مدرسةٌ ...	(كَبِيرَةٌ - كَبِيرَةٌ - كَبِيرَةٌ)
		منصوب	رأيتُ الفلاحينَ ...	(المُجَدِّونَ - المُجَدِّينَ)
		مجرور	سَلَّمْتُ على طبيبٍ ...	(مَشْفِقٌ - مَشْفِقٌ - مَشْفِقاً)

آیا می‌توانید اسم اشاره مناسب را پیدا کنید؟! :

... المدارس (تلك - أولئك)

... الأشجار (هؤلاء - هذه)

برای جمع‌های غیر عاقل اسم اشاره به چه صورتی می‌آید؟ جمع مذکر ○ مفرد مؤنث ○

با جمع های غیرعقل معمولاً مانند مفرد مؤنث عمل می شود.

الکُتُبُ ..... (النافع - النافعة)

الآيات ..... (الشريفة - الشريف)

أعمالٌ ..... (حَسَنٌ - حَسَنَةٌ)

صفت نیز برای جمع های غیرعقل می تواند به صورت مفرد مؤنث بیاید.



به چه اسمی نکره گفته می شود؟

آیا اسم نکره را به خاطر می آورید؟

کدام یک از اسم ها برای ما ناشناخته است و نیاز به توضیح دارد؟

اسم نکره

اسم معرفه

اسم نکره را در این عبارات پیدا کنید.

رَأَيْتُ قَاضِيًا يَحْكُمُ بِالْقَدْلِ.  
وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
فِي الْمَدِينَةِ شَجَرَةً أَزْرَاقُهَا خَضْرَاءُ.

چه توضیحی برای اسم های نکره آمده است؟

گاهی بعد از اسم های نکره جمله ای می آید و آن اسم نکره را توضیح داده و توصیف می کند. به چنین جملاتی «جمله وصفیه» گفته می شود.

به این مثال ها نیز توجه کنید:

۱- قَرَأْتُ آيَةً أَثَرْتُ فِي قَلْبِي.

۲- الْمُؤْمِنُ إِنْسَانٌ يُحِبُّ الْخَيْرَ.

بدانیم!

## حَدِيثُ الْمَسْجِدِ

أَنَا الْمَكَانُ الطَّاهِرُ  
أَنَا الَّذِي تَعْلُو عَلَى أَكْتافِي الْمَنَائِرُ  
وَإِنِّي مَدْرَسَةُ الرَّسُولِ وَالصَّحَابَةِ  
فَكُنْتُ رَمَزَ الْفِكْرِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّلَاةِ  
وَ كُنْتُ مَهْدًا لِلْجِهَادِ الْحَقِّ وَالشَّهَادَةِ  
وَ مَوْطِنًا لِلتُّورِ وَالْعِبَادَةِ.

\*\*\*

يَعْمُرُنِي الشُّعَاعُ وَالخُشُوعُ  
وَ فِي رِحَابِي يُورِقُ الشُّجُودُ وَالرُّكُوعُ

\*\*\*

يَا أَيُّهَا الْأَحِبَّةُ الصَّغَارُ وَالْكِبَارُ  
هَيَّا إِلَى الْمَسْجِدِ فَالْمَسْجِدُ فِي أَنْتِظَارٍ

### النَّعَامَةُ

النَّعَامَةُ طَائِرٌ كَبِيرٌ مِنْ أَضْحَمِ الطُّيُورِ. هِيَ تَجْمَعُ بَيْنَ صِفَاتِ الْجَمَلِ وَالطَّيْرِ. لَهَا  
جَنَاحَانِ كَبِيرَانِ وَعُنُقٌ طَوِيلٌ وَ مِنْقَارٌ عَرِيضٌ. وَالنَّعَامَةُ حَيَوَانٌ يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْجُبْنِ  
فِيهَا تُدْخَلُ رَأْسُهَا تَحْتَ الرَّمَالِ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْحَوْفِ وَ جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ: «أَسَدٌ عَلَيَّ  
وَ فِي الْحُرُوبِ نَعَامَةٌ!»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- ما هو مقصود الشاعر من مدرسة الرسول (ص)؟
- ٢- كَيْفَ يَدْعُونَا الشَّاعِرُ إِلَى الْمَسْجِدِ؟
- ٣- مَا هُوَ الْحَيَوَانُ الَّذِي يُشَبِّهُ الْجَمَلَ وَالطَّيْرَ؟
- ٤- مَا تَعْمَلُ النَّعَامَةُ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْحَوْفِ؟

## التدريب الأول

صِلْ بَيْنَ الصِّفَةِ وَالْمُوصُوفِ الْمُنَاسِبِ:

ب	الف
عادلان	الحدائق
الزرقاء	قاضيان
غنيّة	النهر
الجميلة	أخوين
الجاري	السماء
مخلصين	مكتبات

## التدريب الثاني

املا الفراغ في الجدول:

إعرابها	نوع الصفة	الصفة	الجملة
			القنعة كُنز لا ينفد.
			إني أحبُّ إخواني المُجِدِّين.
			قرأت كتاباً رائعاً.
			لحظة الانتصار لحظة نتظرها.



إملاً الفراغ في كُلِّ مجموعة بالكلمة المناسبة:

يذهبُ الناسُ في ... الصيفيّة  
إلى المناطقِ المعتدلةِ.

العطلة

العطلة

السَّخْصُ ... مَكْرُوهٌ  
عِنْدَ النَّاسِ وَعِنْدَ اللَّهِ.

كاذبٌ

الكاذبُ

كَتَبَتِ الطَّالِبَةُ حَدِيثًا نَبَوِيًّا  
شَرِيفًا عَلَى السَّبْوَرةِ ...

سوداءٍ

السوداءِ

الأسودِ

السوداءِ

العربيّةُ ... فَصِيحَةٌ وَهِيَ  
لُغَةٌ دِينِنَا وَكُتَابِنَا.

اللغةُ

لغةً

اللغةُ

لغةً

شَعَرْتُ بِاللِّمِّ ... فَرَاغَعْتُ  
طَبِيبًا قُرْبَ بَيْتِنَا.

شديداً

شديدٌ

الشديدِ

شديدٍ

نَجَحْتُ فِي امْتِحَانِ نِهَائِيَّةِ  
السَّنَةِ بـ ... عَالِيَةٍ.

درجةٍ

درجةً

درجةٍ

الدرجةِ

## التمرين الرابع

عين الصفة والموصوف في الجمل التالية:

- ١- أفضل الناس مؤمنٌ يجاهدُ في سبيل الله بنفسه و ماله.
- ٢- القرآن هو الثور المبينُ والدُّكرُ الحكيمُ والصراطُ المستقيمُ.
- ٣- الطَّمعُ الشَّدِيدُ يُوقِعُ الإنسانَ في المَهالكِ.
- ٤- إِنَّ الإِثَارَ صِفَةٌ إِنْسَانِيَّةٌ يَتَخَلَّقُ بِهَا الْمُؤْمِنُ.

## التمرين الخامس

للإعراب والتحليل الصَّرْفِيّ:

﴿نُفِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾

– صفت در فارسی همواره به صورت مفرد ترجمه می‌شود اگرچه در عربی مثنی یا جمع باشد :

التلميذة المجتهدة : دانش‌آموز کوشا

التلميذتان المجتهدتان : دانش‌آموزان کوشا

التلميذاتُ المجتهداتُ : دانش‌آموزان کوشا

– جمله وصفیه عربی بدون اینکه قبل از آن موصول (الذي، التي ...) بیاید، معنای آن را دارا می‌باشد. لذا در ترجمه فارسی معمولاً با کلمه «که» (موصول، صفت‌ساز) به کار می‌رود :

رَأَيْتُ تَلْمِيذَةً تَقْرَأُ دَرَسَهَا : دانش‌آموزی را دیدم که درسش را می‌خواند.

## للترجمة

۱- «المؤمنُ القويُّ أَحَبُّ إلى اللهِ مِنَ المؤمنِ الضَّعيفِ».

۲- كَانَ المَجَاهِدُونَ المُسْلِمُونَ أَسْوَةً فِي الشَّجَاعَةِ وَالْأَخْلَاقِ.

۳- لِي أَصْدِقَاءُ يُذَكِّرُونَنِي بِطَاعَةِ اللَّهِ.

۴- جَلَسْتُ تَحْتَ شَجَرَةٍ تُعْرَدُ طُيُورُهَا.

اقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارة مألوفة:  
 \* ما أضمراً أحدٌ شيئاً إلاّ ظهرَ في فلتاتِ لسانه و صفحاتِ وجهه.  
 \* ثمرةُ التفريطِ الندامةُ و ثمرةُ الحزمِ السلامةُ.  
 \* يَهْلِكُ في رَجُلانِ مُحِبُّ مُفْرِطٌ و باهتٌ مُفْتَرٍ.

أَضْمَرَ: پنهان کرد	الحَزْم: دورانديشى، احتياط
فَلَتَات: ج فلتة، لغزش	بَاهِت: بهتان زننده
صَفَحَات: گونه ها، ظواهر	مُفْتَرٍ (المُفْتَرِي): افترا زننده، تهمت زننده
مُفْرِط: افراط کننده، غُلُو کننده	

۱- ترجمه مناسب هر آیه را مشخص کنید و آن را با علامت (×) مشخص کنید.

(الف) ﴿فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)

- و او دل هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید.

- و او دل ها را به هم نزدیک ساخت و به لطف او برادر شدید.

(ب) ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾ (الحجرات / ۱۲)

- آیا شما دوست دارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید؟

- آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

(ج) ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (الحج / ۷۰)

- آیا ندانستی که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟

- آیا خدا بر آنچه در آسمان ها و زمین است واقف است؟

۲- از میان کلمات داده شده مناسب ترین آن ها را انتخاب و آیه را کامل کنید.

(الف) ﴿فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ...﴾ (الشعراء / ۳۸)

المَعْلُومِ

مَعْلُومِ

مَعْلُومِ

(ب) ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا...﴾ (الإسراء / ۲۲)

آخَرَ

آخَرَ

الْآخَرَ

(ج) ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ... إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ (الفجر / ۲۸-۲۷)

الْمُطْمَئِنِّ

الْمُطْمَئِنَّةُ

مُطْمَئِنَّةٌ

# الدَّرْسُ الْخَامِسُ عَشَرَ

## الإضافة

در درس قبل با ترکیباتی مانند :

گل گلدان  
کتاب کتابخانه

گل سرخ  
کتاب خوب

آشنا شدیم که فقط به هم اضافه شده‌اند، بدون این که به هم وابسته باشند به نام :

مضاف و مضاف الیه

آشنا شدیم که بین آن‌ها از جهت معنی، پیوندی قوی وجود داشت به نام :

موصوف و صفت

در زبان عربی نیز اگر دو اسم به هم اضافه شوند، به اسم اول **مضاف** و به اسم دوم **مضاف الیه** گویند.

مانند : **کتابُ الطَّالِبِ**، **یوم الدینِ**

أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ - أَعْمَالُكُمْ - عَمَلُ مَفِيدٍ  
عَبْدٌ مُؤْمِنٌ - عَبْدُ اللَّهِ - عَبْدُكَ

در این ترکیب‌ها مضاف و مضاف الیه را از صفت و موصوف جدا کنید.

اگر ضمیری به اسم متصل شود آن ترکیب حتماً اضافی است.

اسم + ضمیر  
مضاف مضاف الیه



بدانیم!

● حتماً با اسم آشنا هستید!

کدام مجموعه، نشان دهنده علامت های خاص اسم است؟

مضاف واقع شدن مؤنث شدن تنوین	تنوین مضاف شدن «ال»	ال تنوین به صیغه جمع در آمدن
------------------------------------	---------------------------	---------------------------------------



پذیرفتن «ال» و تنوین و مضاف واقع شدن از علامت های اسم است و این علائم با هم جمع نمی شوند.

کتابُ المُعَلِّمِ  
کتابُ المُعَلِّمِ  
الکتابُ المُعَلِّمِ

- در این ترکیب ها مضاف را پیدا کنید.
- در کدام یک از ترکیب ها، مضاف به صورت صحیح به کار رفته است؟

به این ترکیب ها توجه کنید :  
کدام یک از کلمات مضاف هستند؟  
«مُعَلِّمُو» و «یَدَا» چه نوع کلمه ای هستند؟ مفرد یا مثنی یا جمع  
چه تغییری در این کلمات روی داده است؟  
مُعَلِّمُو المَدْرَسَةِ، يَدَاكَ

فَلَا حُونَ + القَرِيَةِ ⇐ فَلَا حُو القَرِيَةِ

وَالِدَانِ + كَ ⇐ وَالِدَاكَ

مُعَلِّمِينَ + المَدْرَسَةِ ⇐ مُعَلِّمِي المَدْرَسَةِ

اگر جمع مذکر سالم و اسم مثنی مضاف واقع شوند حرف «ن» از آخر آن ها حذف می شود.

بدانیم!



هوُمدِيرُ المَدْرَسَةِ.  
رَأَيْتُ مَدِيرَ المَدْرَسَةِ.  
سَلَّمْتُ عَلَى مَدِيرِ المَدْرَسَةِ.

به این عبارت‌ها  
توجه کنید:

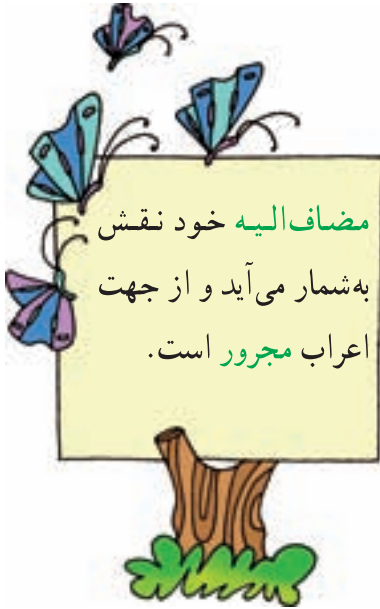
کدام کلمه مضاف الیه است؟  
به اعراب مضاف الیه توجه کنید.  
مضاف الیه چه اعرابی دارد؟

کدام کلمه مضاف است؟  
به اعراب مضاف در سه عبارت  
توجه کنید.  
چه تغییری را مشاهده می‌کنید؟

؟

؟

بدانیم!



مضاف الیه خود نقش  
به‌شمار می‌آید و از جهت  
اعراب مجرور است.



مضاف در جمله نقش  
می‌پذیرد و اعراب آن متناسب  
با جمله می‌تواند مرفوع،  
منصوب و یا مجرور باشد.

دانستیم که:

۱- اسم می‌تواند صفت بگیرد. گل + سرخ = گل سرخ

۲- اسم می‌تواند مضاف الیه بگیرد. گل + باغ = گل باغ

اما آیا اسم می‌تواند هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد؟ در این صورت حق تقدم با کدام یک است؟

مضاف الیه؟

یا

صفت؟



گل سرخ باغ ○ گل باغ سرخ ○ ← سرخ + گل

باغ

پاسخ مناسب کدام است؟

کتاب خوب ما ○ کتاب ما خوب ○ ← ما + کتاب

خوب



در زبان فارسی اگر اسمی بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا صفت می آید و سپس مضاف الیه.

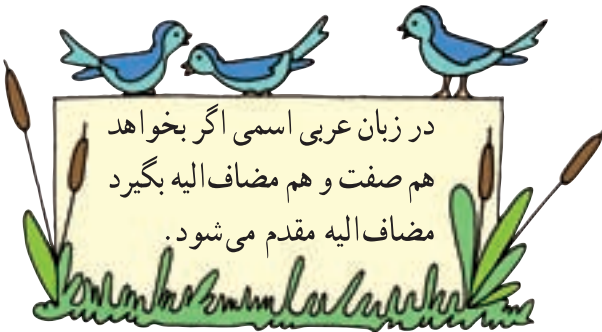
بدانیم!

به ترجمه این عبارت ها توجه کنید.

در زبان عربی چطور؟

العزیز	صديقنا	
صفت	مضاف الیه	اسم

دوست	عزیز	ما
اسم	صفت	مضاف الیه



در زبان عربی اسمی اگر بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد مضاف الیه مقدم می شود.

آیا در ترتیب کلمات تغییری روی داده است؟  
چه کلمه ای مقدم شده است؟  
صفت یا مضاف الیه؟

عقیده اسلامی ما ○ عقیده ما اسلامی ○

عقیدتنا الإسلامية

در بزرگ مدرسه ○ در مدرسه بزرگ ○

باب المدرسة الكبير

این عبارت را ترجمه کنید.

## الشاعر المُلتزم

كَانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ مِنَ الشُّعْرَاءِ المُلتَزِمِينَ فِي القَرْنِ الثَّانِي لِلهَجْرَةِ وَ كَانَ يُدَافِعُ عَنِ الحَقِّ وَ يُهَاجِمُ الظَّالِمِينَ وَ لِذَلِكَ أَصْبَحَ مَبْغُوضاً عِنْدَ الأُمُويِّينَ، لِأَنَّهْمُ كَانُوا يُزْرَعُونَ بُذُورَ الحِقْدِ وَ العَدَاوَةِ لِأَلِ عَلِيٍّ (ع) فِي قُلُوبِ النَّاسِ وَ كَانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ يُحِبُّ خُطَّةَ الأُمُويِّينَ وَ يَنْصُرُ آلَ البَيْتِ (ع) وَ يُبَيِّنُ فِضَائِلَهُمُ لِلنَّاسِ بِشِجَاعَةٍ، وَ كَانَ يَقُولُ: «لَمْ أَتْرُكْ فَضِيلَةَ لِعَلِيٍّ وَ آلِهِ إِلَّا نَظَّمْتُ حَوْلَهَا شِعْراً».

وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ مَدْحَ آلِ البَيْتِ (ع) فِي عَصْرِ الأُمُويِّينَ مَا كَانَ أَمْراً بَسِيطاً بَلْ كَانَ فِي أَكْثَرِ الأَحْيَانِ يُسَبِّبُ قَتْلَ قَائِلِهِ أَوْ تَشْرِيدَهُ وَ حِرْمَانَهُ مِنْ حَقُوقِهِ.

ذَاتَ يَوْمٍ جَاءَ أَحَدُ أَصْحَابِ الإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) إِلَيْهِ وَ بَدَأَ بِالسَّعَايَةِ وَ قَالَ لِلإِمَامِ (ع): إِنَّ السَّيِّدَ يَرْتَكِبُ بَعْضَ الذُّنُوبِ فَلِمَاذَا تُدَافِعُ عَنْهُ؟!

الإِمَامُ (ع) لَمْ يَقْبَلْ أَنَّ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِمَيْرِيَّ بِسَبَبِ ذَنْبٍ مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ عِلْمِهِ أَنَّ أَعْمَالَ السَّيِّدِ الحَسَنَةَ أضعَافُهُ. فَجَابَهُ قَائِلاً: «إِنْ زَلَّتْ عَنْهُ قَدَمٌ فَقَدْ ثَبَّتَتْ لَهُ أُخْرَى».



## جمال العلم و الأدب

إِنَّ الجَمَالَ جَمَالُ العِلْمِ وَ الأَدَبِ

لَيْسَ الجَمَالُ بِأَثْوَابٍ تُرَيَّنُنَا

بَلِ اليَتِيمُ يَتِيمُ العِلْمِ وَ الأَدَبِ

لَيْسَ اليَتِيمُ الَّذِي قَدَمَاتِ وَالدُّهُ

وقيل :

رَضِينَا قِسْمَةَ الْجَبَارِ فِينَا      لَنَا عِلْمٌ وَلِلْجُهَّالِ مَالٌ  
فَإِنَّ الْمَالَ يَفْنَى عَنْ قَرِيبٍ      وَإِنَّ الْعِلْمَ لَيْسَ لَهُ زَوَالٌ

وقيل :

الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ مِثْلُ الشَّمْسِ فِي الْفَلَكَ      وَالْعَقْلُ لِلْمَرءِ مِثْلُ التَّاجِ لِلْمَلِكِ  
أَشَدُّ يَدَيْكَ بِحَبْلِ الْعِلْمِ مُعْتَصِمًا      فَالْعِلْمُ لِلْمَرءِ مِثْلُ الْمَاءِ لِلسَّمَكِ

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- في أيِّ قرنٍ كانَ السَّيِّدُ الحِميرِيُّ يعيشُ؟
- ٢- لِمَن كانَ الحِميرِيُّ مُحَبَّبًا؟
- ٣- هل قَبِلَ الإمامُ (ع) أن يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِميرِيَّ مِنْ أَجْلِ ذَنْبٍ إِرْتَكَبَهُ؟

تمارين

التدريب الأول

أعربِ الكلماتِ التي أُشيرَ إليها بخطِّ:

١- الحسنُ و الحسينُ (ع) سيِّداً شبابِ أهلِ الجَنَّةِ.

٢- تَرَكُ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

٣- أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ.

٤- الْجَهْلُ بِالْفَضَائِلِ مِنْ أَقْبَحِ الرِّذَائِلِ.

## التَّهْرِينُ الثَّانِي

إملاً الفراغَ بالكلماتِ المناسبةِ مِنْ خَطِّ الاستواءِ:

﴿كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾

مركزيّة الأرضِ

كان الفلكيون ..... يَعتَقِدُونَ أَنَّ الأَرْضَ مُسَطَّحَةً لَكِنَّ

بعض ..... كأرسطو قالوا بِاسْتِدَارَتِهَا وَكان الاعتقادُ سائداً أَنَّ

العالم، الأقدمون، ها، المُفَكِّرِينَ، نظرية، السماوية

خط الاستواء

الأرض هي مركز ..... وَأَنَّ الأَجْسَامَ ..... الأُخْرَى كالشمسِ والقمرِ والنجومِ  
تَدُورُ حَوْلَ ..... وَيُعْرَفُ هذا الاعتقادُ بـ .....

مركزيّة الأرضِ

## التدريب الثالث

إنتخبِ الجوابَ الصحيحَ واذكُرْ إعرابه:

- ١- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ...﴾ (أَخَوَاكُمْ، أَخَوَيْكُمْ)
- ٢- تَعَلَّمَ حُسْنَ (الاستماع، الاستماع) كما تَتَعَلَّمُ (حُسْنَ، حُسْنًا) الحديثِ .
- ٣- لَا تَفْعَلُوا (أعمال، أعمالاً) الخَيْرِ رِثَاءً.
- ٤- مِنَ الضَّلَالِ (الكبير، الكبير) ضَيَاعُ العُمَرِ فِي اللُّهُوِ.

## التدريب الرابع

أَكْمِلِ العبارةَ حَسَبَ الطَّلَبِ:

حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ .

..... نَفْسِكَ ..... .

..... أَنْفُسَ ... .. تُحَاسَبَا .

..... حَاسِبُوا أَنْفُسَ ..... .

..... أَنْفُسَ ..... تُحَاسَبِينَ .

للتعريب

- در تابستان چه می کنی؟
- برای تابستان کارهای زیادی دارم : سفر، ورزش و مطالعه.
- آیا در تابستان کار هم می کنی؟
- بله، در کارگاه پدرم کار می کنم.
- بسیار خوب، پیامبر و ائمه اهل دانش و کار بودند.
- بله، آنان سرمشق ما هستند.<sup>۱</sup>

۱- کارگاه : مَعْمَل، سرمشق : قُدْوَة

در هنگام ترجمه سعی کنیم تا آن جا که ممکن است از عبارات های زیان «مبدأ» کلمه ای کم و یا زیاد نشود.

– ساختار جملات زبان «مقصد» را در هنگام ترجمه عبارت ها رعایت کنیم.

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة:

۱- قائد الثورة العظيم الإمام الخميني (ره) أيقظ المسلمين من نوم الغفلة.  
الف) رهبر كبير انقلاب امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت بيدار نمود.

○

ب) رهبر انقلاب كبير امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت باز داشت.

○

۲- غابات مازندران الخضراء من أجمل المناطق في إيران.  
الف) جنگل های مازندران سبز و خرم است و از زیباترین مناطق ایران به شمار می رود.

○

ب) جنگل های سبز مازندران از زیباترین مناطق ایران است.

○

۳- ما زالت الأحاسيس الثورية تموج في قلوب جماهيرنا المسلمة.  
الف) عواطف انقلابی همواره در دل های ملت مسلمان ما موج می زند.

○

ب) عواطف انقلابی همواره در دل ما ملت مسلمان موج می زند.

○

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:  
 \* إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ .  
 \* سَلْ تَفْقَهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ  
 الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنَّتِ .

يُقَدِّرُوا : مقایسه کنند      لا تسأل تعنتاً: برای ایراد گرفتن (مچ گیری) سؤال مکن .  
 ضَعْفَةٌ : ضعیفان      المتعسف : گمراه  
 سَلْ تَفْقَهَا : برای فهمیدن سؤال کن . الْمُتَعَنَّتِ : ایرادگیر

الف - کدام ترجمه مفهوم آیات زیر را بهتر بیان می‌کند؟

۱- ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (الحديد / ۷)

- از میان شما هر که را ایمان آورده و انفاق کرده، مزدی فراوان دهند.

- پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده‌اند پاداشی بزرگ دارند.

۲- ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (التساء / ۱۰۱)

- براستی که کافران دشمنان شما هستند.

- براستی که کافران برای شما دشمنی آشکار هستند.

۳- ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ (هود / ۱۱۸)

- و اگر پروردگار خواسته بود همه مردم را یک امت کرده بود.

- و اگر پروردگار تو بخواهد همه مردم را یک امت قرار می‌داد.

ب - کلمه مناسب را برای پر کردن جای خالی آیات زیر انتخاب کنید.

۱- ﴿وَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ غَيْرٌ... اللَّهُ﴾ (التوبة / ۲)

و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد.

مُعْجَزُونَ       مُعْجَزِينَ       مُعْجِزِي

۲- ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ... قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (الإسراء / ۵۸)

و هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت، اهل آن شهر

را هلاک می‌کنیم.

مُهْلِكُهَا       مُهْلِكُونَهَا       مُهْلِكُونَهُ

۳- ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا... مِنْ رَجَالِكُمْ﴾ (الأحزاب / ۴۰)

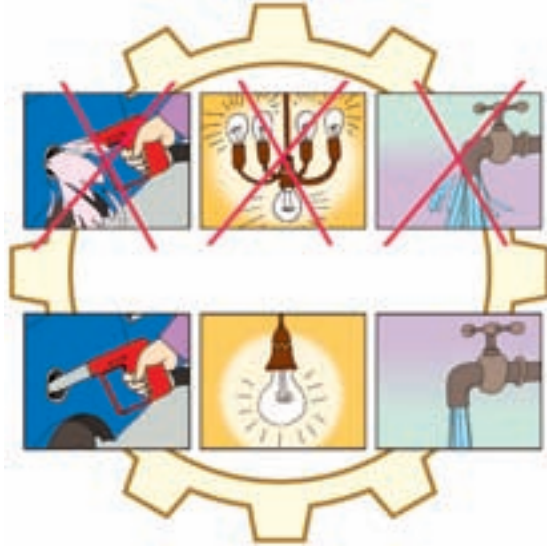
محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست.

أَحَدٌ       أَحَدًا       أَحَدٍ



## الدّرس السادس عشر

### التّصغير، النّسبة



این تصاویر ما را به چه چیزی تشویق می کند؟

○ عدم استفاده از امکانات ○ به هدر دادن امکانات ○ صرفه جویی در مصرف صرفه جویی یکی از توصیه های دینی و اصول اقتصادی است.

اما در جملات هم می توان اقتصاد را رعایت نمود و در به کار بردن کلمات صرفه جویی کرد.

اشتباه نکنید درس ما اقتصاد نیست.

این عبارت مشهور را شنیده اید؟

«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»

در این درس با دو نوع صرفه جویی در کلمات آشنا می شویم.

می توان در به کار بردن کلمات نیز تا زمانی که به معنی لطمه نزند صرفه جویی کرد.

به این نمونه از زبان فارسی توجه کنید.

درختچه  
طفلك  
مردك

می توان گفت

درخت كوچك  
طفل كوچك  
مرد كوچك

به جای دو کلمه

آیا با این نوع ساختار آشنا هستید؟  
این اسلوب در زبان فارسی چه نامیده می شود؟  
مؤنث ساختن؟ مصغر ساختن؟ جمع ساختن؟

در زبان عربی هم می توان اسم مصغر ساخت :

شَجَبِرَةٌ  
طُفَيْلٌ  
رُجَيْلٌ

می توان گفت

شَجَرَةٌ صَغِيرَةٌ  
طُفْلٌ صَغِيرٌ  
رَجُلٌ صَغِيرٌ

به جای دو کلمه

فَعْلٌ  
فُعَيْلٌ

۱- حرف اول ← ضمه

۲- حرف دوم ← فتحه

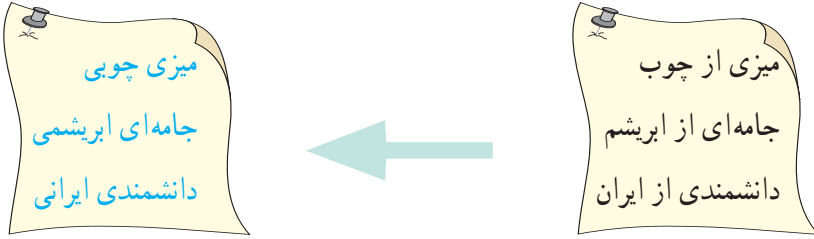
۳- افزودن ← ي

روش ساختن  
اسم مصغر

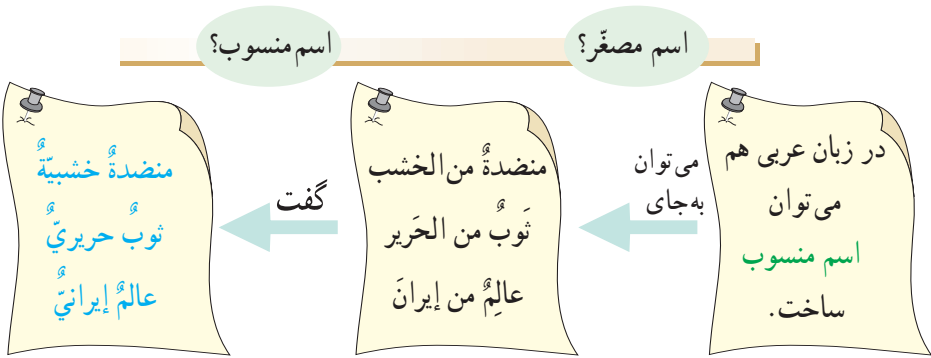
هدف از تصغیر

اسم مصغر گاهی به منظور «تحبیب» یا «تحقیر» به کار می رود.

دو عبارت را با یکدیگر مقایسه کنید.



در عبارت بالا کلمات چوب، ابریشم و ایران به صورت چوبی، ابریشمی و ایرانی به کار رفته‌اند. به این ساختار در زبان فارسی چه می‌گویند؟



تاء گرد «ة» به هنگام نسبت از آخر کلمه حذف می‌شود:

فاطمة ← فاطمی

مكة ← مکی

تجارة ← تجاری

دقت کنید

برخی کلمات به هنگام نسبت تغییر مختصری می‌کنند. کلماتی مانند: نَبَوِي، عَلَوِي، موسوي، رَضَوِي، دُنْيَوِي، مَدَنِي اسم منسوب کلمات نبی، علی، موسی، رضا، دنیا و مدینه هستند.

بدانیم

اسم منسوب معمولاً حکم صفت را دارد و تابع احکام صفت است لذا در زبان فارسی آن را **صفت نسبی** می‌نامیم.



## المنظومة الشمسية

الشمس أقرب نجم إلى الأرض وهي صغيرة جداً بالنسبة إلى بعض النجوم الأخرى، لكنها كبيرة جداً بالنسبة إلى الأرض وهي على بعد مائة وخمسين مليون كيلومترًا منا وبالرغم من هذا البعد فإن ضوءها يصل إلينا خلال ثماني دقائق فقط. وهناك عدد كبير من الأجرام السماوية حول الشمس يُعرف كلها بالمنظومة الشمسية.

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- بعد كم دقيقة يصل ضوء الشمس إلينا؟
- ٢- ما هي المنظومة الشمسية؟
- ٣- من هو مكتشف الجراثيم؟
- ٤- ما كانت نتيجة اكتشاف الجراثيم؟

١- صد و بنجاه مليون كيلومتر

## مُكْتَشَفُ الْجَرَائِمِ

يَنْعُمُ الْإِنْسَانُ الْيَوْمَ بِنِعْمٍ مُخْتَلِفَةٍ بِمَا سَخَّرَ مِنْ قُوَى الطَّبِيعَةِ لِمَنَافِعِهِ، فَسَهَّلَتْ حَيَاتُهُ وَقَلَّتْ مَتَاعِبُهُ.

كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ وَهَبُوا الْمَقْدُورَةَ وَالذِّكَاءَ وَوَقَفُوا حَيَاتَهُمْ فِي سَبِيلِ خَيْرِ الْإِنْسَانِيَّةِ. وَ مِنْ هَؤُلَاءِ، الْعَالِمُ الْفَرَنْسِيُّ «لُويس بَاسْتور» مُكْتَشَفُ الْجَرَائِمِ وَ مُخَفِّفُ آلامِ الْإِنْسَانِ.

وَ مِنْ أَهَمِّ خَدَمَاتِهِ اكْتِشَافُ الْجَرَائِمِ الَّذِي أَحَدَثَ انْقِلَاباً فِي عِلْمِي الْجِرَاحَةِ وَ الطَّبِّ وَ جَعَلَهُ مِنْ أَشْهَرِ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ التَّاسِعِ عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ فِي الْعَالَمِ.

## التمرين الأول

عَبِّرْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ إِلَى أَسْلُوبِ النِّسْبَةِ:

١- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ لِبْنَانَ. أَنَا... .

٢- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ أَنَا مِنْ إِيرَانَ. أَنَا... .

٣- هَذَا السَّيْفُ مِنْ حَدِيدٍ.

إِذَنْ هَذَا سَيْفٌ.....

٤- هَذَا قَدَحٌ مِنَ الرُّجَاجِ.

إِذَنْ هَذَا قَدَحٌ.....

٥- لَبِسْتُ ثَوْباً مِنَ الْقُطَنِ.

إِذَنْ لَبِسْتُ ثَوْباً.....

٦- سَمِعْتُ حَدِيثاً عَنِ النَّبِيِّ.

إِذَنْ سَمِعْتُ حَدِيثاً.....

٧- بَعْضُ السُّورِ نَزَلَتْ فِي مَكَّةَ.

فَهِيَ سُورٌ.....

## التمرين الثاني

املأ الفراغ حَسَبَ التَّمُودِجِ:

كُتَابٌ مَنْسُوبٌ إِلَى السَّمَاءِ

←

كُتَابٌ سَمَاوِيٌّ

الآيَاتُ الْمَنْسُوبَةُ إِلَى الْقُرْآنِ

←

الآيَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

١- أَغْلَاطٌ مَطْبَعِيَّةٌ ← ...

٢- الْحَدِيثُ النَّبَوِيُّ ← ...

٣- سَجَادٌ إِيرَانِيٌّ ← ...

### التَّهْرِينُ الثَّلَاثُ

صَفِّرُ الْأَسْمَاءَ التَّالِيَةَ:

فَضْلٌ ( ) حَسَنٌ ( ) عَبْدٌ ( ) نَهْرٌ ( )

وَلَدٌ ( ) بَعْدٌ ( ) قَبْلٌ ( ) حَجَرٌ ( )

### التَّهْرِينُ الرَّابِعُ

تَرْجِمِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

#### الشيخ البهائي

هُوَ مِنْ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ الْحَادِي عَشَرَ. يَنْتَهِي نَسَبُهُ إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ أَحَدِ أَصْحَابِ

الإمام عليٍّ (ع) وَ لَهُ مُؤَلَّفَاتٌ أَدَبِيَّةٌ مِثْلُ الْكَشْكُولِ وَالصَّمَدِيَّةِ فِي الْعُلُومِ النَّحْوِيَّةِ وَ هُوَ أَحَدُ

نَوَابِغِ عَصْرِهِ، وَ الْبَهَائِيُّ بَعْلَبَكِّي الْمَوْلِدِ، إِصْفَهَانِي الْمَوْطِنِ، مُشْهَدِي الْمَدْفَنِ.

### التَّهْرِينُ الْخَامِسُ

لِلْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

﴿ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ﴾

– ترجمه دقیق و روان مستلزم شناخت قواعد است. به کمک قواعد و شناخت اجزای جمله و ممارست می توان به ترجمه ای مناسب دست یافت. شناخت انواع «مَنْ»، «ما»، «مَتَى» و نظایر آن ها در ترجمه حایز اهمیت است.

### للترجمة

- ۱- ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾. (المائدة / ۸۸)
- ۲- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ﴾. (البقرة / ۲۰۷)
- ۳- «ما أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ».
- ۴- مَنْ طَمِعَ بِالكَثِيرِ لَمْ يَحْصُلْ عَلَى الْقَلِيلِ.



اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:  
 \* يَا كُمَيْلُ هَلْكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ  
 الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.  
 \* يَا كُمَيْلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ،  
 الْمَالُ تُنْقِصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ.

أعيان: ج عين، وجودها  
 أمثال: ج مثل، داستان، ضرب المثل  
 يزكو: افزایش می یابد، رشد می کند.

الف) وجه اشتراك آیات زیر از نظر معنی در چیست؟

- ۱- ﴿و كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (طه / ۱۱۳)
  - ۲- ﴿و هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ (الأحقاف / ۱۲)
  - ۳- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (يوسف / ۲)
- ۱- حکمت آمیزی قرآن
  - ۲- عربی بودن قرآن
  - ۳- اعجاز قرآن

ب) در کدام آیه نسبت به کار نرفته است؟

- ۱- ﴿وَإِذْ ذُكِّرُوا فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ (مریم / ۱۶)
- در این کتاب مریم را یاد کن، آنگاه که از خاندان خویش در جایگاهی شرقی دوری
- گزید.

- ۲- ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ﴾ (الأعراف / ۱۵۸)
- پس به خدا و رسول او، آن پیامبر اُمی ایمان بیاورید.
- ۳- ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ (البقرة / ۱۸۶)
- چون بندگان من درباره من از تو پرسند، بگو که من نزدیکم.

## المعجم

	الف	
۱۰	الأجود: بهتر، بهترین	
۴	الأحب: محبوب تر	۴
۱۵	أحبط: ناکام کرد، بی اثر کرد	۱
۱۴	الأحبة: ج حبيب، دوست، رفیق	۱۰
۱۲	احتفل: جشن گرفت	۱۲
۳	أحدث: ایجاد کرد، ساخت	۸
۱۰	الأحرار: ج حر، آزاد، آزاده	۴
۵	أحسن أدبه: نیکو تربیتش کرد.	۱
۵	أحضر: آورد، آماده کرد	۷
۱	أحكم: استوار ساخت، محکم کرد	۱۰
۱	أحمر: سرخ شد	۳
۳	الاختبار: آزمودن، امتحان کردن	۴
۶	أخلق: کهنه کرد، مندرس ساخت	۱۲
۴	الإخوة في الدين: برادران دینی	۲
۶	أدخل: وارد کرد	۹
۵	إذن: پس، بنابراین	۱۰
۴	الأذى: آزار، اذیت	۱۰
۱۲	ارتعد: به خود لرزید، تکان خورد	۱۲
		الآخرین: دیگران
		أت: عطاکن، بده
		أذى: آزار داد، اذیت کرد
		الابتسامة: لبخند
		الأتبر: نیکوتر
		أبطل: باطل نمود، خنثی کرد
		الأبکم: ناشنوا، کر
		إتبع: پیروی کرد
		أتعب: خسته کرد
		أتى: آمد
		الأتیان ب: آوردن
		أثمر: میوه داد
		أجاب: جواب داد
		أجرى: اجرا کرد
		أجل: خاطر
		من أجل: به خاطر
		الأجل: بزرگوارتر

۴	أَظْهَرَ: نمایان ساخت، آشکار کرد	۱۰	الأزْدَأُ: بدترین، بدترین
۱۱	إِعْتَدَرَ: پوزش خواست	۲	أَرْسَلَ: فرستاد
۷	أَعْرَضَ: روی گرداند	۸	أَرْشَدَ: راهنمایی کرد
۷	أَعَزَّ: عزیز کرد، عزت داد	۱۰	أَرْضَى: خشنود ساخت
۴	أَعْطَى: اعطا کرد، بخشید	۱۵	الاستِدَارَةَ: گردی، گرد بودن
۱۰	أَغْضَبَ: به خشم آورد، خشمگین ساخت	۸	اسْتَشْفَعَ: شفاعت خواست
۶	أَعْلَقَ: بست	۱۲	الاستظهار: از بر
۱۲	أَغْنَى: بی نیاز کرد، برطرف نمود	۱۲	اسْتَعَجَلَ: عجله کرد، شتافت
۸	اِفْتَتَحَ: بازگشایی کرد، گشود	۱۳	اسْتَعَدَّ: آماده شد
۵	الإِفْضَالُ: احسان	۱۱	اسْتَمَعَ: گوش داد
۶	اِقْتَرَحَ: پیشنهاد کرد	۱۱	أَسْرَعَ: شتافت
۱۲	الأَقْدَسُ: مقدس تر، مقدس ترین	۱۲	أَسَمَنَ: فربه ساخت، چاق کرد
۱۲	الأَقْطَعُ: بُرنده تر، قاطع تر	۱۳	اِشْتَرَى: خرید
۱۴	الأَكْتافُ: جمع كَفٍ، شانه	۹	أَشْرَفَ عَلَيَّ: نظارت کرد بر ...
۳	الاكْتِسَابُ: به دست آوردن، کسب کردن	۱۶	الأَشْهَرُ: مشهورتر، مشهورترین
۳	الاكْتِفَاءُ الذَّاتِيّ: خودکفایی	۱۴	الأَضْحَمُ: بزرگترین، تنومندترین
۱۳	أَكْمَلَ: کامل کرد	۱۵	الأَضْعَافُ: جِ ضِعْف، چند برابر
۸	أَلْبَسَ: پوشاند	۹	الأضواءُ: جِ ضَوْء، نور، پرتو
۱۱	أَمْطَرَ: باران بارید	۱	أَطَاعَ: اطاعت کرد
۱۱	الأُنْتَى: زن، مؤنث	۱۲	أَطْعَمَ: غذا داد
۸	أَنْشَدَ: سرود، خواند	۶	الأظْلَمُ: ستمکارتر، ستمکارترین

۴	بَالَعٌ: مبالغه کرد	۵	الانْشِراح: گشایش، فَرَاخِي
۱۱	الْبُحَيْرَةُ: دریاچه	۸	أَنْصَتَ: خاموش شد، سکوت کرد
۱	بَدَّلَ: تبدیل کرد، تغییر داد	۱۳	إِنْصَرَفَ: رفت
۱۰	بَدَّلَ: صرف کرد، خرج نمود	۱۲	إِنْطَلَقَ: راهی شد، روانه شد
۱۵	الْبُدُورُ: ج بذر، دانه	۹	إِنْفَجَرَ: بیرون زد، منفجر شد
۴	الْبِرُّ: نیکی	۲	أَنْقَضَ: سنگین کرد، خم کرد
۸	الْبُرْدَةُ: عبا، بُرده	۱	إِنْقَلَبَ: دگرگون شد
۹	البرمیل: بشکه	۱۱	أَنْكَرَ: انکار کرد
۳	الْبُرُودَةُ: سردی	۳	أَوْحَى: وحی کرد
۷	الْبَسْطُ: گسترش	۱۴	أَوْزَقَ: برگ داد، برگ درآورد
۷	أَبْسَطُ وَجْهَكَ: گشاده رو باش	۱۲	أَوْشَكَ: نزدیک بود
۵	الْبَسْمَاتُ: ج البَسْمَةُ، لبخند	۳	أَوْصَلَ: رساند
۱۵	الْبَسِيطُ: ساده	۵	أَوْصَى: سفارش کرد، وصیت نمود
۵	بَشَّرَ: مژده داد	۱۴	أَوْقَعَ: انداخت، افکند
۱	الْبَصَرُ: چشم	۴	الاهتمام: توجه، عنایت
۱۵	بَيَّنَّ: بیان کرد، روشن ساخت	۱۵	الأهون: راحت تر
۱۲	بَيْنَمَا: درحالی که		

## ب

	ت	۱۰	البارد: سرد، خنک
۹	التَّائِرُ: واکنش، تأثیرپذیری	۴	بَارَكَ: برکت داد
۲	تَأَسَّفَ: افسوس خورد	۱۳	بَاعَ: فروخت

۱۲	التَّقَدُّمُ: پیشرفت	۹	تَأَلَّفٌ: تشکیل شد
۲	تَقَرَّبَ: نزدیک شد، نزدیکی جست	۷	تَبَاحَثَ: گفتگو کرد
۸	تَكَفَّلَ: به عهده گرفت	۱۳	تَجَوَّلَ: گردش کرد، گشت زد
۱۲	تَمَتَّعَ: بهره مند شد	۱۰	التَّحْضِيرُ: آماده کردن، مهیا ساختن
۲	تَنَزَّلَ: فرود آمد، پایین آمد	۴	تَحَنَّنَ: مهربانی کرد
۶	تَنَزَّهَ: گردش کرد	۶	تَخَلَّصَ: نجات یافت، رها شد
۱۰	التَّوَاصُلُ: باهم پیوند داشتن	۱۴	تَخَلَّقَ: آراسته شد، متخلَّق شد
۹	التَّوَسُّعُ: وسعت یافتن، باز شدن	۱۳	تَذَكَّرَ: به یاد آورد
۸	تُوُفِّيَ: وفات یافت	۱۱	التَّمَرُّ: خرما
۱۱	تَهَدَّمَ: ویران شد، خراب شد	۶	تَسَابِقُ الْفَقْزِ: مسابقه پرش
	ث	۱۲	تَسَلَّقَ: بالا رفت، صعود کرد
		۱۵	التَّشْرِيدُ: آوارگی
۷	تَبَّتْ: استوار شد، ثابت شد	۲	تَصَدَّقَ: صدقه داد
۷	تَبَّتْ: استوار کرد	۱۰	التَّضْحِيَّةُ: فداکاری
۸	الثَّقَلَيْنِ: انس و جن	۱	تَعَارَفَ: آشنا شد (با یکدیگر)
	ج	۱۲	تَعَالَ: بیا
		۶	تَعَاوَنَ: همکاری کرد
۴	جَالَسَ: همنشینی کرد	۱۳	تَعَبَ: رنج برد، سختی کشید
۱۵	الجَبَّارُ: خداوند مقتدر	۸	تَعَبَّدَ: عبادت کرد
۱۴	الجُبْنُ: ترس، بُزدلی	۹	تَعَلَّمَ: یاد گرفت، آموخت
۱۱	الجِدِّ: تلاش، جدیت	۷	تَعَلَّبَ عَلَيَّ: چیره شد بر، غلبه کرد بر ...

۱۵	الْحِرْمَانُ: محرومیت	۶	جَدَّةٌ: تازه کرد، نو کرد
۸	حَسِبَ: پنداشت، گمان کرد	۱۶	الْجَرَاثِيمُ: ج جُرْثُومَةٌ، میکرب
۱	الْحَسَنَةُ: پاداش نیک	۲	الْجِرَّةُ: کوزه
۱	حَصَّحَصَّ: آشکار شد، معلوم گردید	۱	جَرَّبَ: آزمود، آزمایش کرد
۷	حَصَدَ -: درو کرد	۸	الْجَرَسُ: زنگ
۵	الْحِطُّ: نصیب، بهره	۴	جَزَى -: جزا داد، پاداش داد
۱۵	الْحِقْدُ: کینه	۳	جَعَلَ -: گرداند، قرار داد
۲	الْحَقْلُ: دشت، مزرعه	۱۴	الْجَنَاحُ: بال
۱۴	الْحَكْمُ: داور	۱۲	الْجُوعُ: گرسنگی
۱	الْحَالَافُ: بسیار سوگند خورنده		
۲	حَلَمَ: بردباری کرد		ح
۲	الْحُلُو: شیرین	۵	الْحَاذِقُ: ماهر، زبردست
۴	الْحَمَّ: خویشاوند شوهر	۱۰	الْحَارَ: داغ، سوزان
۱۱	الْحِمْلُ: بار	۱	حَارَبَ: نبرد کرد، جنگید
۱۰	الْحَنُونُ: مهربان	۱۱	الْحَارِقَةُ: سوزاننده
	الْحَنِينُ: شوق، اشتیاق، ناله از	۱	حَاسَبَ: محاسبه کرد
۲	روی شوق و اشتیاق	۱۵	حَاوَلَ: کوشید
۱۰	الْحَيَاكَةُ: بافتن، بافندگی	۸	الْحَبَلُ: ریسمان
		۹	الْحُبُوبُ: ج حَبِّ، دانه
	خ	۱۱	حَدَّرَ: هشدار داد، برحذر داشت
۲	خَاطَبَ: خطاب کرد، صدا زد	۱۲	حَرَمَ: محروم کرد، بی بهره ساخت

۱۰	الدَّبِيحَة: قربانی، گوسفند سربریده	۱۰	الخَرُوف: گوسفند
۶	الدَّرَاع: ذرع	۲	الخَرْفِيَّة: سُفالی
۱۱	الدَّكْر: مرد، مذکر	۱۲	خَسَفَ -: تیره شد
	ر	۱۱	خَشِيَ -: ترسید
		۹	خَصَّصَ: اختصاص داد
۴	الرَّاعِي: سرپرست، مسؤول	۱۵	الخُطَّة: نقشه، طرح
۱۲	رَاقَبَ: مراقبت کرد	۱۲	خَطَّفَ -: ربود، دزدید
۸	رَجَأُ: امید داشت	۹	خَفَّفَ: کم کرد، تخفیف داد
۱۱	الرَّجْس: پلیدی، ناپاکی	۹	الْخَلَايا: ج خلیه، سلول
۱۴	الرَّحَاب: گستره		
۲	رَحَبَ: خوش آمد گفت	د	
۳	رَدُّ: برگرداند	۹	دَارَ: چرخید، گردید
۳	رَدَّ السَّلَامَ: پاسخ سلام را داد	۵	الدَّاعِي: دعوت کننده
۲	الرَّضْوَان: بهشت	۸	دَانِي: نزدیک شد
۳	رَضِيَ -: راضی شد، پسندید	۵	الدَّعَوَات: ج دعوه، دعا
۱	الرَّغْبَة: میل، چشم داشت	۲	دَمَعَ: اشک ریخت
۱۱	رَفَضَ: رد کرد، نپذیرفت	۲	الدُّمُوع: ج دَمَع، اشک ها
۲	رَفَعَ -: بالا برد، بلند کرد	۴	الدَّوْر: نقش
۹	الرُّكَّاب: جمع راکب، مسافر	۲	دَوَّماً: دائماً، همیشه
۱۴	الرَّمَال: جمع رَمَل، شن		
۱	الرُّوْف: مهربان	ذ	
		۷	ذَبَحَ -: سر بُرید



۲	سَبَّحَ: شنا کرد	۸	رَوَى -: نقل کرد، روایت نمود
۱	سَبَقَ: پیشی گرفت	۹	الرَّيَاضِيَّة: ورزشی
۵	السَّجَن: زندان	۵	الرَّيْب: شک، تردید
۱۶	سَخَّرَ: مُسَخَّرَ گرداند	۱۱	الرَّيْح: باد
۱۵	السَّعَايَة: بدگویی		ز
۱۳	السَّعْر: قیمت، بها	۲	زَادَ: زیاد شد (زیاد کرد)
۵	السَّعِيد: مبارک، خوش‌یمن	۱۲	زَالَ: از بین رفت، زایل شد
۱	سَكَبَ: ریخت	۱۶	الرَّجَاج: شیشه
۴	سَكَنَ: جای گرفت، مسکن گزید	۱۵	الرَّزْع: کاشتن
۱۲	السَّلَام: صلح، آرامش	۱۴	الرَّزْقَاء: مؤنث آزر، آبی
۸	سَلِمَ -: سالم شد، شفا یافت	۱۵	زَلَّ -: لغزید، سُر خورد
۳	سَلَّمَ عَلَی: ... سلام کرد بر ...	۱۰	الرَّهْرَة: شکوفه
۶	سَوَّدَ: سیاه کرد	۱۱	الرَّهْوَق: نابودشدنی، از بین رفتنی
۱۰	السُّوق: بازار		س
۱۶	سَهَّلَ: آسان شد		
۷	السِّيَادَة: سروری، آقای	۱۵	السَّائِد: رایج
		۷	السَّاحَة: میدان، حیاط
	ش	۱	سَاعَدَ: کمک کرد، یاری رساند
۱	شَاءَ -: خواست	۲	السَّاهِرَات: جمع ساهره، شب‌بیدار
۳	شَتَمَ -: دشنام داد	۶	السَّبَاق: مسابقه
۱۵	شَدَّ -: محکم کرد، بست	۱۵	سَبَبَ: باعث شد، سبب شد

۹	ضَخُّ: پمپاژ کرد	۴	الشَّمَال: چپ
۶	ضَرَّ: ضرر رساند	۳	الشَّهِير: نامدار، نامور
۲	الضَّمِير: درون، باطن		
۱۶	الضُّوء: نور، پرتو		ص
۱۵	الضِّياع: گمراهی	۷	صَادَ: شکار کرد
۳	ضَيَّعَ: تباہ کرد، نابود ساخت	۶	صَادَفَ: برخورد کرد، روبرو شد
۶	الضَّيْف: مهمان	۱۰	صَارَ: شد
		۳	صَافَعَ: دست داد
	ط	۸	صَدَّرَ: صادر کرد
۹	الطَّباق: طبقه طبقه	۷	الصَّغَار: ج صغیر، خردسال، کوچک
۴	طَمَعَ: طمع کرد، چشم دوخت	۱۰	الصَّغَر: کوچکی، بچگی
		۴	صَفَحَ عَنْ...: از... گذشت کرد
	ظ	۸	صَلَّى: نماز خواند
۶	الظَّفَر: پیروزی	۱۴	الصَّلابة: استواری
۱۰	ظَلَّ: ماند، شد	۱۵	صَمَدَ: ایستادگی کرد
		۳	صَنَعَ: ساخت
	ع	۱۴	الصَّيْفِيَّة: تابستانی
۸	عَافَى: شفا داد		
۶	عَدِمَ: از دست داد		ض
۱۰	عَرَضَ: عرضه کرد	۱۲	ضَاقَ: تنگ شد، کوچک شد
۲	العِرْض: آبرو	۶	ضَجَرَ: به ستوه آمد، خسته شد

۸	الغزوة: جنگ	۴	العرفان: شناخت، معرفت
۳	الغضبان: عصبانی، خشمگین	۲	عزوجل: گرامی و بزرگ است
۱	الغیل: کینه	۱۲	عسی: امید است
۵	الغلام: پسر	۱۰	العصافیر: ج عصفور، گنجشک
۱۳	غلیظ القلب: سنگدل	۹	الغطلة: تعطیلی
۱۴	عمرُّ: فراگرفت، پوشاند	۱۳	عظَّم: بزرگ کرد
۱	الغنی: بی نیازی	۱۳	عظَّم ذنبه: گناهِش را بزرگ جلوه داد
		۱۳	العقاب: کیفر، مجازات
		۱۴	علاء: بالا رفت
	<b>ف</b>		
۵	فاز ب: نایل شد، رستگار گردید	۱۲	العماد: ستون
۸	فاقُّ: برتری یافت، پیشی گرفت	۳	العمال: ج عامل، کارگران
۸	الفالج: فلج	۲	عندئذ: در این هنگام
۶	الفائز: برنده	۷	العنزة: بُز
۷	الفیة: گروه، دسته	۱۲	العنود: لجهاز
۱۳	فتَّش: جستجو کرد	۳	العون: یار، یاور، یاری کردن
۹	الفریق: تیم، گروه		
۴	الفصاحة: شیوایی		<b>غ</b>
۱۴	فَصَّل: شرح داد	۱۳	الغادر: فریب کار
۱۶	فَضَّل: به واسطه، به فضل	۱۰	الغدر: فریب، مکر
۶	فَكَّرَ: فکر کرد، اندیشید	۱۰	عَرَّه: آواز خواند، چهچه زد
۱۵	الفلکیون: ستاره شناسان	۱۲	عَزَل: ریسندگی کرد



۱۰	المُصَلِّون: حجِ مصلِّي، نمازگزار	۱۰	مادام: تا وقتی که
۶	المُضْجِر: خسته کننده	۸	مازال: همواره، همیشه
۱۶	المَطْبَعَة: چاپخانه	۷	مِائَة، مِئَة: صد
۱	المِطْرَقَة: چکش	۹	المُبَارَاة: مسابقه
۱۵	المُعْتَصِم: چنگ زنده، پناه جو	۱	المِبرِد: سوهان
۴	المُعِين: یاری کننده، یاور	۱۵	المَبْعُوض: مورد نفرت
۴	المُعِیث: فریادرس	۱۶	المَتَاعِب: سختی ها، زحمات
۱	المِقْبَض: دستگیره	۱۰	المَتَوَاصِل: پیایی، مستمر
۸	المُقْتَحِم: هجوم آورنده	۵	المُجِيب: اجابت کننده
۱	المِقْرَاض: قیچی	۸	المُحَقِّق: حقیقت جو
۱	المُقِیم: اقامت کننده، برپاکننده	۱۳	المَخْبُوء: پنهان
۸	المَكْتَب: مکتب خانه	۱۶	المُخَفِّف: کاهش دهنده
۱۶	المُكْتَشِف: کاشف	۱	المِخْلَب: چنگال
۱	المِکْنَسَة: جارو	۹	المِراة: آینه
۹	مِلء: ظرفیت، گنجایش	۱۵	مركزیة الأرض: مرکز بودن زمین
۲	مَلَأَ: پر کرد	۱۲	المَزْهَرِیَّة: گلدان
۱۵	المُلتَزِم: متعهد	۸	المُسْتَعِین: کمک خواه، یاری طلب
۱۲	المَمَر: گذرگاه	۸	المسْتَمْسِك: چنگ زنده
۱۴	المِنَائِر: ج مناره: گلدسته	۱	المِسطَرَة: خط کش
۸	المَنَام: خواب	۸	مَسَحَ: دست مالید
۸	المُنْتِجَات: تولیدات	۵	المُشْفِق: دلسوز

۷	نَزَلَ: فرود آمد	۱	الْمِنْشَار: ارّه
۱۰	النَّشِيط: کوشا، فعال	۹	مَنَعَ: داد
۱	النَّصِيحَة: پند و اندرز	۲	الْمُنْدَرِس: کهنه، قدیمی
۱۴	نَعَامَة: شتر مرغ	۸	مُنْفَصِم: سست، گسسته
۱۶	نَعِمَ: بهره مند شد، برخوردار شد	۸	غیر مُنْفَصِم: محکم، سخت
۱۱	نَقَصَ: کم کرد	۲	المُوَاسَاة: دلجویی
۱۰	النُّقُود: ج نقد، پول، اسکناس	۴	المَوَاعِيد: ج میعاد، وعده گاه
۱۲	النُّكَبَات: ج نكبة: گرفتاری	۴	المَوْتَى: ج مِيت: مرده
۱۰	النَّمَام: سخن چین	۹	المَوْقِف: ایستگاه
۳	نَهَضَ: برخاست	۴	المَوْلَى: خادم، خدمتکار
		۱۴	المَهْد: گهواره
	و	۱	المَهِين: خوار، بی ارزش
۱۰	الواجبات: تکالیف، وظایف	۸	المِيت: مرده
۴	الوَتَر: زه کمان		
۲	الوزر: بار، سنگینی		ن
۲	وَضَعَ: قرار داد	۱۲	نَادَى: صدا زد، ندا کرد
۱۰	وَفَّرَ: فراهم کرد، مهیا نمود	۱۲	النَّاصِح: خیر خواه، نصیحت کننده
۱۰	وَفَّقَ: توفیق داد	۹	ناقِلَة النُّقُط: نفتکش
۷	الوَفَّق: بر اساس	۶	نَالَ: رسید، دست یافت
۴	الوَلِيّ: دوستدار	۲	النَّبْض: تپش، نبض
۱۶	وَهَبَ: عطا کرد، بخشید	۹	نَحَوَ: به طرف، به سوی

هـ	هَوَّل: سختی، شدت	۸
هَتَفَ: فریاد زد	هَيَّا: بشتاب، شتاب کن	۱۴
هَدَّدَ: تهدید کرد		۱۱
هَدَمَ: ویران کرد	ی	۱۲
هَدَى: هدایت کرد	الياسمين: گل یاسمن، یاسمن	۲
هَزَمَ: شکست داد	اليمين: راست	۴
الهزيمة: شکست		۱۱

## وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب  
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ... صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دسی مربوط و یا پیام نگار (Email)  
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دختر نامه پرنی تایف کتاب های حق